



۱۳۹۷
نوروز
و شیره نامه
&
دوازدهمین سالگرد
انسان‌شناسی و فرهنگ



الحال
الراحم
حول حانك الدجول
الليد النهي يا محول المحول
يا مدبر الصبار
يا مقلب القلوب





ویژه نامه نوروز ۱۳۹۷

سال هفتم، شماره ۷

سردبیر: نگار شیخان

معاون انتشارات: جبار رحمانی

گرافیک: کژال قدمی

تصویر مینیاتور: فرح اصولی

صفحه بندی: نگار شیخان

اسفندماه ۱۳۹۶



فهرست مطالب

۱۱	سخن مدیر انسان شناسی و فرهنگ
۱۳	سخن سردبیر
۱۳	فعالیت‌های انسان شناسی و فرهنگ
۱۷	گزارش مالی
۱۸	گزارش دوازدهمین سالگرد انسان شناسی و فرهنگ
۳۲	شنبه‌های سینما و فرهنگ
۵۰	یکشنبه‌های انسان شناسی و فرهنگ
۷۹	مقالات ارائه شده در یکشنبه‌های انسان شناسی و فرهنگ
۷۹	آسیب‌شناسی سلیقه در معماری معاصر تهران / علی اکبری
۸۱	جایگاه طب اسلامی و طب سنتی در پزشکی نوین / حسین رضایی‌زاده
۸۵	جستاری در طب حاشیه / مزدک دانشور
۸۸	صنعت قاچاق انسان / سعیده سعیدی
۹۱	انسان شناسی ملاصدرا و مسأله فرهنگ / عبدالله صلواتی



- ۹۳ گزارش نشست سرمایه داری دیجیتال / روح اله نصرتی
- ۹۴ گزارش نشست عدالت و بازتوسعه زمین های قهوه ای در شهر / روح اله نصرتی
- ۹۵ آیین های مرگ در بهشت زهرا ی تهران / هاجر قربانی
- بهاریه
- ۹۹ سالی که گذشت / محمدرضا اصلانی
- ۱۰۰ شکوفه انار / فاطمه آقامیری
- ۱۰۱ نوروز دریا / بنیامین انصاری نسب
- ۱۰۳ دلم می خواهد / فریبا الهی فرد
- ۴۰۱ قرن بیست و یکم، این جا، آن جا و همه جا / عاطفه اولیایی
- ۱۰۵ خاطره ی ازلی و اسطوره-امروز / بهناز بوذری
- ۱۰۷ ص ... ب ... و ... ر ... ی / پرنیا پژوهش فر
- ۱۰۸ تهامی نژاد / سرخوشی ده سال حضور
- ۱۱۰ نوروز و تمنای روزگار نو / محسن حافظیان
- ۱۱۲ چگونه؟ / علی دارمی زاده
- ۱۱۳ آماده نیستیم / مزدک دانشور
- ۱۱۴ خوان هفت سین / ملیحه درگاهی
- ۱۱۶ منظومه ازیلدا تا نوروز / علی ربیعی
- ۱۱۸ من و رعنا / زهره روحی
- ۱۲۰ مسئله هنر: گریز از واقعیت یا نقد آن؟ / مسعود زمانی مقدم
- ۱۲۲ کدام نوروز، کدام شادی؟ / فاطمه سیارپور
- ۱۲۴ سخنی پیرامون اضطراب نوروزهای بی پول / عطا شعبانی راد
- ۱۲۶ طعم تکه های کوچکی از کیک توسعه / محمد شلیله



- ۱۳۰ زوال توسعه / آرمان شهرکی
- ۱۳۲ وارونگی هوا: زندگی، استعاره ای وهم آلود / مهسا شیخان
- ۱۳۴ نوروزنامه ۱۳۹۷ / ناصر فکوهی
- ۱۳۵ امید / لیلا گلزار
- سرمای زمهریر زمستان چشیده، قدر لطافت نسیم بهاری را می فهمد / نسترن محمودزاده ۱۳۶
- ۱۳۷ راز و نازِ نوروز / غلامرضا معدنی پور
- ۱۴۰ انگشت اشاره مردها، بلندتر از انگشت میانه شان است / امیر مقدم
- ۱۴۱ اراده، امید و دروغ / محسن نوزعیم
- ۱۴۳ سال ۹۷ و امید به تقویت اعتماد اجتماعی / مهدی یسری
- مقالات
- ۱۴۵ ساز و کار اصل تخاصم در فیلم نامه ماجرای نیمروز / احسان آجورلو
- ۱۴۸ دلالت های شاعرانه / «علی اصغر ارجی
- ۱۵۵ جامعه شناسی خرید / وحید اسلامزاده
- ۱۶۴ بازتاب ایران باستان در شعر حافظ شیرازی / ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق
- ۱۷۰ آلودگی صوتی، انسان شناسی ریش و هویت های مرگبار / سهند اطهری
- ۱۷۳ با جادوی همیوپتیک / مینو امیرقاسمی
- ۱۷۷ انسان دوستی سرمایه داری / ت. ریور برگردان عاطفه اولیایی
- ۱۸۱ اسفند ماه، زمان قدسی / علی بلوک باشی
- ۱۸۵ ما چند ساله ایم؟ / حامد حسینی
- ۱۸۷ آداب و رسوم نوروزی در گیلان / سمانه خلیلی فر
- ۱۹۱ فلسفه دخالت ذهن! / علی ربیعی (ع-بهار)

- 
- چرا سواد مالی بسیار مهم است؟/ رضا رجبی ۱۹۳
- تن‌بارگی در دوره صفویه / روسپیان در قلمرو عمومی / زهره روحی ۱۹۶
- لوفور، و نظریه «تروریسم و زندگی روزمره»/ نوشته زهره روحی ۱۹۹
- امریکا کوچولوها / محمد زعفرانی ۲۰۲
- سواد از نظریه تا عمل، سپاه دانش / مهسا شیخان ۲۰۵
- نقش محوری گیلان در روابط روسیه با ایران در عصر صفوی / نگار شیخان ۲۰۹
- فضای امن عمومی، بستر حضور زنان شهروند/ مینوش صدوقیان‌زاده ۲۱۳
- برادران غریب / دیتمار پیپر Pieper Dietmar / برگردان: فاطمه صیرفی ۲۱۷
- برندسازی ملی؛ ضرورت ایران امروز / حمید عابدی ۲۲۰
- دنیای پارادوکسیکال ما!!! / ناصر عظیمی ۲۲۲
- عروسکهای تئاتر؛ بهروز غریب پور / گروه پژوهشی درس انسان شناسی اشیا ۲۲۴
- نگاهی به گذار معناها / محمد منصور فلامکی ۲۳۴
- ایران و خصیصهٔ میان فرهنگی / مقصود فراستخواه ۲۳۶
- جشن اکیتو / سودابه فضایی ۲۴۱
- بازنمایی مفهوم زمان-مکان / ناصر فکوهی ۲۴۴
- آداب و رسوم مردم آذربایجان شرقی در آستانه عید نوروز / حمیده محمدزاده ۲۵۰
- بازنمود تصویری اعتدال بهاری / بهار مختاریان ۲۵۲
- شادی، حقیقتی فراموش شده در هیاهوی زندگی اجتماعی کودکان / سید علیرضا هاشمی ۲۵۴
- زمین‌های قهوه‌ای شهری، فرصتی که بسیاری به دنبال آن هستند / مرجان یشایایی ۲۵۶
- کلیمی ها و روزهای انقلاب / هارون یشایایی ۲۶۱
- معرفی اعضای شورای عالی و شورای مرکزی ۲۶۳
- همکاری با مطبوعات ۲۶۸



۲۷۰	تفاهم نامه ها
۲۷۲	پروژه های انسان شناسی و فرهنگ به یاد آنان که رفتند
۲۷۵	امیر جلال الدین اعلم
۲۷۶	میر جعفر ابریشم چیان
۲۷۷	هَلخ استلماخ
۲۷۸	اِستیون ویلیام هاو کینگ
۲۷۹	رسول اورنقی کرمانی
۲۸۱	میهن بهرامی
۲۸۲	عطاالله بهمنش
۲۸۳	صادق تبریزی
۲۸۴	علی اکبر تجویدی
۲۸۶	فریدون تقضلی
۲۸۷	حسین توفیق
۲۸۸	محمود جهان
۲۸۹	ازبر علی حاجوی
۲۹۰	اسماعیل حاکمی
۲۹۱	علی اصغر خدادوست
۲۹۲	ناهید دایی جواد
۲۹۳	علی اشرف درویشیان
۲۹۵	محسن سلیمانی
۲۹۶	پرویز شفا



- | | |
|-----------|---|
| ۲۹۹ | حسین شهبازیان |
| ۳۰۰ | همایون شهنواز |
| ۳۰۱ | لطف‌علی رحیم‌اوغلو عسکرزاده |
| ۳۰۲ | فریده صابری |
| ۳۰۳ | دکتر منوچهر صبوری کاشانی |
| ۳۰۴ | مدیا کاشیگر |
| ۳۰۵ | جمشید مظاهری (سروشیار) |
| ۳۰۶ | نادر گلچین |
| ۳۰۷ | عارف لرستانی |
| ۳۰۸ | منوچهر لشکری |
| ۳۰۹ | مریم میرزاخانی |
| ۳۱۰ | بزرگ نادرزاده |
| ۳۱۲ | تقی وحیدیان کامیار |
| ۳۱۳ | لوون خانکلدیان هفتوان |
| حوادث ملی | |
| ۳۱۵ | ریزش معدن زغال سنگ زمستان یورت آزاد شهر |
| ۳۱۶ | زمین لرزه ازگله |
| ۳۱۷ | حادثه کشتی سانچی |
| ۳۱۸ | سقوط هواپیمای تهران - یاسوج |



سخن مدیر انسان شناسی و فرهنگ

هر سال این فرصت پربار و کمیاب پیش می آید که ابتدا در یک گردهم آیی، دوستان بسیار انسان شناسی و فرهنگ را رو در رو ببینیم و طعم جهان مجازی را به خوش کامی جهان واقعی و انسانی تبدیل کنیم؛ و کمی بعد این فرصت دیگر را که بتوانیم جمع بزرگ دوستان خود را در این ویژه نامه دور هم گردآوریم. مثل همیشه، در این ویژه نامه هر کسی به گونه ای که خواسته بود، بدون هیچ الزام و اجبار و چشم داشتی، از سر دل و با توجه به توانایی هایی که در زمان این گردآوری داشت و ما داشتیم، مشارکت کرده است. برخی از دوستان بهاریه ها و یادداشت هایی دادند، برخی دیگر مقاله هایی گاه بسیار مفصل. از همه ایشان و از تمام اعضای گروه فنی و تحریریه که در انجام این کار به ما یاری رساندند، به سهم خود تشکر می کنم. این تشکر به ویژه شایسته خانم نگار شیخان است که بار پرزحمت تهیه ویژه نامه را بر دوش داشت. امید ما آن است که انسان شناسی و فرهنگ با برنامه های گسترده ای که بخشی از آنها در این ویژه نامه معرفی می شود، از جمله با گشایش وبگاه گسترده «تاریخ فرهنگی ایران مدرن»، با جلسات جدید «شبنه های سینما و فرهنگ»، با کانال های متعدد تلگرامی خود و... بتواند همچون همیشه گامی هر چند کوچک در راه پیشبرد فرهنگ این پهنه بردارد. از شما خوانندگان این ویژه نامه و از همه کسانی که در آن با نوشته هایشان به ما یاری رساندند، باز هم ممنونیم. و از یاد نمی بریم که بسیاری از دوستانی که در این ویژه نامه حضور ندارند همیشه با ما هستند و اگر گرفتاری های روزمره این فرصت را برایشان فراهم نکرد که در این قدم با ما باشند بی شک در طول سال با ما خواهند بود. مقالات این ویژه نامه در طول سال در وبگاه انسان شناسی و فرهنگ نیز به انتشار خواهند رسید.

سالی خوش و خرم و پر بار داشته باشید.

ناصر فکوهی

استاد دانشگاه تهران و مدیر انسان شناسی و فرهنگ

اسفند ۱۳۹۶



سخن سردبیر

...در فرهنگ لغت به دنبال کلمه‌ی بهار هستم
در غیبت بهار همه‌ی کلمات فرهنگ بی معنی و پوچ
است
در غیبت بهار رنج، هراس، بیم، تردید، حرمان، وحشت
را از یاد برده‌ام
به دنبال تسلی هستم
چه کسی باید در غیبت بهار مرا تسلی دهد
می‌خواهم بخوابم
پرنده‌ای به پنجره‌ی من نوک می‌زند
از پنجره با هرمان جهان را نگاه می‌کنم
جهان ناگهان غرق در شکوفه‌ها، گلهای شقایق و بنفشه
است
پنجره را باز می‌گذارم
باران می‌بارد
در باران می‌گویم
بهار را یافتم
بهار آمد ...
احمد رضا احمدی

سالی جدید از راه می‌رسد و ما در انسان‌شناسی و
فرهنگ باری دیگر گرد هم جمع شدیم تا دست
آورد‌های فرهنگی یک سالمان را کنار هم ورق بزنیم. هر
چند ممکن است تکراری به نظر برسد ولی نشان از
تدام تلاش‌های دوستداران و همکاران و همراهان ما دارد.
بخش نخست هفتمین ویژه‌نامه نوروزی انسان‌شناسی و
فرهنگ همچون سال‌های قبل به ارائه گزارش فعالیت
بخش‌های مختلف مجموعه اختصاص دارد. همچنین می
توانید با مطالعه گزارش مالی مجموعه به طور کامل در
جریان دخل و خرج و امور مالی موسسه قرار بگیرید.
تمام تلاش ما بر این بوده که گزارش کامل و شفافی
از روند پروژه‌های انسان‌شناسی و فرهنگ ارائه شود. در
این بخش می‌توانید گزارش کامل فعالیت‌های جدید
را مطالعه کنید و از روند ادامه پروژه‌های قبلی مطلع
شوید.

جمع همکاران ما از سراسر ایران و اقصی نقاط جهان که
برای اعتلای فرهنگ تلاش می‌کنند هر سال در اسفند
ماه به بهانه سالروز تأسیس این مجموعه گرد هم جمع
می‌شوند. امسال در ۱۳ اسفند ماه دوازدهمین سالگرد
تأسیس را در کنار اساتید و بیش از ۳۰ نفر از اعضای
شورای عالی و همکاران و همراهان و دوستداران انسان
شناسی و فرهنگ جشن گرفتیم که گزارش کامل آن به
همراه آلبوم عکس‌های اختصاصی مراسم را می‌توانید
در بخش گزارش سالگرد دوازدهم بخوانید.
فعالیت‌های انسان‌شناسی و فرهنگ فقط محدود به
سایت و یا یکشنبه‌های انسان‌شناسی و فرهنگ نبوده و

نیست، امسال یکی از بخش‌های جدیدی که به فعالیت
های انسان‌شناسی و فرهنگ اضافه شده بخش شنبه‌های
سینما و فرهنگ است. این برنامه که از مهرماه امسال آغاز
شد، هر شنبه به نمایش یکی از شاهکارهای سینمایی
جهان و پس از آن سخنرانی در خصوص فیلم می‌پردازد.
در بخش شنبه‌های سینما و فرهنگ می‌توانید عنوان و
خلاصه فیلم را به همراه خلاصه‌ای از جلسه و صحبت‌های
مفسران فیلم و عکس‌هایی از جلسه بخوانید.
خیلی از همراهان قدیمی ما انسان‌شناسی و فرهنگ را با
برنامه یکشنبه‌ها می‌شناختند. دور چهارم از این نشست
ها در خرداد سال ۹۶ به اتمام رسید و بعد از استراحت
تابستانی پنجمین دور از یکشنبه‌های انسان‌شناسی
فرهنگ مهرماه امسال آغاز شده و در حال برگزاری است. و
همانند دوره‌های قبل با نمایش فیلمی مستند و سخنرانی
دو متخصص در مورد موضوعات فرهنگی، هنری و اجتماعی
برگزار می‌شود که در بخش مربوط به یکشنبه‌های
انسان‌شناسی و فرهنگ می‌توانید به تفصیل گزارش هر
نشست را به همراه عکس‌های آن جلسه ملاحظه کنید. در
پایان این بخش تعدادی از سخنرانی‌های ارائه شده در
نشست‌های دوره پنجم، در قالب مقاله به نگارش درآمده
است. امسال نیز همچون سال‌های گذشته بخش اصلی
ویژه‌نامه نوروزی انسان‌شناسی و فرهنگ به متن‌های
ارسالی دوستداران و همراهانش اختصاص دارد. دوستانی که
هر سال با نوشته‌های خود در قالب بهاربه و مقالات ویژه
نامه نوروزی را ارزشمند و پربار می‌کنند.

بخش آخر ویژه‌نامه امسال به عزیزی اختصاص دارد که
نوروز ۹۷ در کنار ما نیستند، دوستان و بزرگان‌ی که هر
کدام در ترویج علم و فرهنگ و هنر این مرز و بوم تلاش
کردند و نبودشان فقدان بزرگ است، هموطنانی که امسال
در زلزله و سوانح دریایی و هوایی جانشان را از دست دادند.
خبرهایی دردناک، که هربار که شنیدیم قلیمان را لرزاند
و غمگینمان کرد. حتما در این لیست نام عزیزی از قلم
افتاده و به هر روی امکان آوردن همه اسامی نبود و قبلا
بابت آن پوزش می‌خواهیم.
انسان‌شناسی و فرهنگ در پایان امسال برای همه دوستان
و همراهان و همکاران خود آرزوی سالی خوش، نیک بختی
و نیک روزی دارد و امیدوار است این ویژه‌نامه که با تلاش
همکاران ما گردآوری شده مورد توجه واقع شود.

نگار شیخان

اسفند ۶۹

فعالیت‌ها
و ناسا، شناسی و فرهنگ



فعالیت‌های انسان‌شناسی و فرهنگ

شناسی و فرهنگ از سال ۱۳۸۴، فعالیت خود را ابتداءموسسه انسان در قالب یک وبگاه آغاز کرد. هدف این موسسه گرد هم آوردن پژوهشگران، دانشگاهیان، روشنفکران، هنرمندان و دانشجویان از همه های علوم انسانی و هنر برای مبادله اندیشه و شناخت بهتر ورشته بیشتر فرهنگ‌های ایران و جهان است.

وبگاه انسان‌شناسی و فرهنگ با بیش از صد شاخه تخصصی، یک پایگاه گسترده اطلاعاتی است که در نمونه فارسی خود امروز به یکی از منابع اصلی همه حوزه‌های فرهنگی تبدیل شده است، و نمونه‌های آن به سایر زبان‌ها در حال آماده‌سازی هستند. وبگاه، از بدو تاسیس خود در سال ۱۳۸۴ تا امروز بیش از ۱۶ میلیون بازدید از ۱۰۰ کشور جهان داشته است، و پربیننده‌ترین وبگاه مستقل در زمینه مطالعات بین‌رشته‌ای علوم انسانی است.

انتشارات دیداری و شنیداری

انتشارات دیداری و شنیداری، شامل ضبط و تهیه فیلم‌ها، کتاب و نوارهای صوتی و پخش آنها با تشکیل کانال‌های تلگرام و اینستاگرام تخصصی می‌شود. انتشارات دیداری شنیداری انسان‌شناسی و فرهنگ از سال ۱۳۹۵ کار خود را آغاز کرد. تاکنون بیش از سی فیلم کوتاه ساخته شده است، و ده‌ها نوار صوتی آماده و بر روی کانال‌های تلگرام و اینستاگرام موسسه قرار گرفته‌اند. کانال تلگرام انسان‌شناسی و فرهنگ در حال حاضر حدود ۴۰۰۰ عضو و کانال اینستاگرام حدود ۸۰۰۰ عضو دارند. همچنین «رادیوی انسان‌شناسی و فرهنگ» که به پخش سخنرانی‌ها، دروس دانشگاهی و تمامی برنامه‌های فرهنگی در قالب صدا اختصاص دارد، همزمان با یازدهمین سالگرد کار خود را شناسی و فرهنگ آغاز خواهد کرد. کانال ابتدا روی کانال تلگرام انسان شود، شناسی و فرهنگ اداره می‌تواند «نگارخانه» که به وسیله مدیریت انسان به انتشار فایل‌های صوتی و تصویری در حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر با تأکید بر موسیقی، هنر، سینما و علوم اجتماعی اختصاص دارد، و اکثر فایل‌های آن به زبان‌های انگلیسی و فرانسه هستند. این کانال ای به سوی فرهنگ جهان در همه زمینه‌های هنری و اندیشه‌دریچه است و حدود ۲۰۰۰ عضو دارد.

شنبه‌های سینما و فرهنگ

شنبه‌های سینما و فرهنگ قصد دارد با نگاهی ژرف به فیلم‌ها از دریچه‌های مختلف نظری و با بهره‌گیری از دانش اندیشمندان و هنرمندان عرصه‌های مختلف، از سینما به عنوان ابزاری برای ارتقاء فرهنگ جامعه بهره‌برد و همزمان با آن، تجربه‌ی ناب تماشای جمعی و تحلیل فیلم را نیز برای مخاطبانش فراهم آورد. این خواست بزرگ میسر نمی‌شود مگر با قدم نهادن در مسیر آن، با داشتن پشتوانه‌ی غنی همراهی و همدلی دوستداران سینما و فرهنگ. در این مسیر، «نگاه» مهمترین عنصری است که بین مخاطبان و تحلیلگران مشترک است. می‌خواهیم «نگاه کردن» را تمرین کنیم؛ به فیلم‌ها نگاه کنیم؛ به نگاه‌های شخصیت‌های فیلم نگاه کنیم؛ به علت‌ها و معلول‌های ناشی از آنها نگاه کنیم و در نهایت به «خودمان» نگاه کنیم. در این مسیر، برای آن که این نگاه را جهت بخشیم از نقطه نظرات صاحب نظران عرصه‌های مختلف نیز در جلسات بهره خواهیم برد.

موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ، پس از تجربه چندین ساله برگزاری نشست‌های «یکشنبه‌های انسان‌شناسی و فرهنگ» که به نمایش فیلم‌های مستند و پخش و تحلیل آنها با نگاه علمی تخصص دارند و

فصل چهارم آنها از مهر ماه ۱۳۹۶ آغاز می‌شود، فصل نخست برنامه جدید نشست‌های خود را که با همکاری موسسه بهاران به انجام می‌رسد، با عنوان «**شنبه‌های سینما و فرهنگ**» از مهر ماه ۱۳۹۶ به صورت هفتگی، آغاز می‌کند. در هر برنامه یک فیلم داستانی (و هر چند هفته یک بار یک مستند بلند) به نمایش درمی‌آیند و پس از آن یکی از متخصصان علمی و دانشگاهی به بحث درباره موضوع فیلم خواهد پرداخت.

یکشنبه‌های انسان‌شناسی و فرهنگ

های انسان‌شناسی و فرهنگ از سال ۱۳۹۲، آغاز شدند و در یکشنبه حال حاضر چهارمین دوره خود را طی می‌کنند. این جلسات شامل سخنرانی‌ها و نمایش فیلم‌های مستند هفتگی هستند که به صورت منظم هر سال از مهر تا خرداد سال بعد تشکیل می‌شوند. تا کنون ۱۱۲ جلسه با بیش از ۲۰۰ سخنرانی و ۱۰۰ نمایش فیلم مستند در این برنامه‌ها انجام شده است. (برای مشاهده فهرست نشست‌های شناسی و فرهنگ ویژه‌نامه‌های انسان‌سال ۹۵ بخش گزارش یکشنبه را ملاحظه کنید.)

سخنرانی‌ها، همایش‌ها و کارگاه‌های انسان‌شناسی و فرهنگ

برگزاری بیش از ۲۰۰ برنامه سخنرانی و همایش و نشست و تشکیل های نوشتار تحلیلی و زبان تخصصی از مهر ماه ۱۳۹۵ کارگاه

شناسی و فرهنگ تاکنون بیش از ۲۰۰ جلسه سخنرانی، کارگاه، انسان میزگرد، و همایش مشترک به صورت مستقل یا با همکاری انجمن‌های غیردولتی یا سازمان‌های دولتی برگزار کرده است. این برنامه‌ها در همه حوزه‌های فرهنگی از معماری و هنر تا ادبیات و علوم اجتماعی برگزار شده‌اند. هر سال، افزون بر برنامه‌های یکشنبه به طور متوسط ۲۰ تا ۳۰ برنامه با سایر موسسات برگزار می‌شود. کارگاه‌های دائمی انسان‌شناسی و فرهنگ برای آموزش نوشتار تحلیلی و زبان تخصصی از مهر ماه ۱۳۹۵ آغاز شده‌اند، و در دوره نخست خود هستند. در حال حاضر، بیش از ۲۰ نفر از اعضای پیوسته انسان‌شناسی و فرهنگ در این کارگاه‌ها مشارکت دارند.

بخش داده‌نگاری (اینفوگرافی)

نقشه‌نگاری و انیمیشن‌های فرهنگی

تهیه نقشه‌های فرهنگی، گاه‌شمارهای تصویری و انیمیشن برای ارائه نتایج پژوهش‌ها و برنامه‌های فرهنگی ارائه شده در وبگاه یا سایر منابع فعالیت‌های بخش داده‌نگاری انسان‌شناسی و فرهنگ را تشکیل اندازی شده است، و هدف از می‌دهند. این بخش از سال ۱۳۹۵ راه تهیه تمام اشکال نقشه‌ها و داده‌نگارها (اینفوگراف‌های) گوناگون برای ارائه نتایج فعالیت‌ها و پژوهش‌های انسان‌شناسی و فرهنگ و سایر پروژه‌های فرهنگی اعضا و همکاران است. گاه‌شمارهای تصویری و تهیه آلبوم‌های تصویری، پاورپوینت‌های پژوهشی و همچنین انیمیشن‌های فرهنگی (درباره شخصیت‌ها و اندیشه‌های فرهنگی) در قالب دوبلاژ نمونه‌های غیرایرانی و تهیه نمونه‌های مشابه ایرانی با اندیشمندان های دیگر این بخش است. فرهنگ خود، از برنامه

انتشارات انسان‌شناسی و فرهنگ

یکی از اهداف موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ از بدو تاسیس کمک به تالیف و برگردان کتاب‌ها و مقاله‌های مفید در زمینه ساخت

مطالعات فرهنگی و اجتماعی. ۱۳۹۶

کتاب اوهام، تألیف ناصر فکوهی، انتشارات، تهران. (آماده سازی برای انتشار)

پاره‌های هنر، تألیف ناصر فکوهی، تهران (آماده سازی برای انتشار)

مجموعه سی جلدی تاریخ فرهنگی ایران، به کوشش دکتر ناصر فکوهی، تهران (آماده سازی برای انتشار)

پرسش از دانشگاه، به کوشش جبار رحمانی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۶

مناسک عزاداری، جبار رحمانی، تهران: انتشارات تیسرا، ۱۳۹۶

مردم نگاری، ترجمه جبار رحمانی و محمد رسولی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. ۱۳۹۶

انسان‌شناسی هیات‌های عزاداری، جبار رحمانی، تهران: انتشارات آرما (زیر چاپ).

انسان‌شناسی دین و آیین، جک دیوید الر، برگردان جبار رحمانی، تهران: انتشارات تیسرا (زیر چاپ).

سواد: از نظریه تا عمل، برایان استریت، برگردان مهسا شیخان، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران ۱۳۹۵

نوشتار دانشجویان، برایان استریت و دیگران، برگردان مهسا شیخان، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران ۱۳۹۶

مقدمه ای بر انسان‌شناسی، برگردان زهره دودانگه، تهران، در دست چاپ

شهر و همجواری فرهنگی، برگردان زهره دودانگه، انتشارات معاونت اجتماعی و امور فرهنگی شهرداری تهران، تهران، در دست چاپ

مرگ و مدرنیته، برگردان هاجر قربانی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. ۱۳۹۶

انسان‌شناسی شناختی، برگردان جبار رحمانی-مهسا شیخان-رضا اسکندری-یاسمن فرحزاد، انتشارات تهران: تیسرا (آماده‌سازی برای انتشار).

فرهنگ ایرانی و فرهنگ‌های جهان با تاکید بر رویکرد بین‌رشته‌ای بوده و هست. این امر سبب شد که در طول بیش از ده سال، صدها هزار صفحه مطلب در قالب متون الکترونیک منتشر شوند که از چند سال پیش انتشار آنها در قالب همکاری با چندین ناشر خصوصی و دولتی آغاز شدند. اما با توجه به گستره کار و افزایش همکاران موسسه، بر آن شدیم که انتشارات خاص خود را راه‌اندازی کنیم که امروز در آخرین مراحل اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

در این انتشارات تلاش خواهد شد از طریق به کارگیری یک اخلاق مناسب و در شان نویسندگان و مترجمان و رعایت همه اصول و قواعد فنی در بالاترین کیفیت همچنین با آینده نگری و محوریت فرار دادن شکل‌های جدید نشر الکترونیک، آثار علمی مناسبی به انتشار برسند. برنامه پیش‌بینی شده برای انتشارات مستقل در سال ۱۳۹۷ حدود ده تا پانزده جلد کتاب است که در کنار ده‌ها کتاب مشترکی که همچون گذشته به صورت مشترک با ناشران خصوصی و دولتی منتشر می‌کنیم، انجام می‌گیرد.

بخش انتشارات انسان‌شناسی و فرهنگ در سال ۱۳۹۶ سال پرباری را پشت سر گذاشته است. از جمله فعالیت‌های متنوع این بخش می‌توان به تعداد بالای کتاب‌های منتشر شده، در دست چاپ و در دست برگردان و تألیف توسط اعضای شورای مرکزی و همکاران اصلی موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ اشاره کرد. کتاب‌های مذکور طیف وسیعی از موضوعات مرتبط با انسان‌شناسی از جمله انسان‌شناسی شهر، سواد، فرهنگ دانشگاهی، مرگ، و... را در دو شکل تألیف و برگردان در بر گرفته‌اند. این کتاب‌ها با همکاری انسان‌شناسی و فرهنگ با نهادهای مختلف فرهنگی دانشگاهی از جمله پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و انتشارات تیسرا منتشر شده و می‌شوند.

از طرفی انتشار سی جلد کتاب تحت پروژه تاریخ فرهنگی معاصر که هر کدام به یک شخصیت فرهنگی و فعال این حوزه مرتبط است نیز از جمله برنامه‌های انسان‌شناسی و فرهنگ در سال جاری بوده است، که انسان‌شناسی و فرهنگ موفق شده با همکاری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، مقدمات انتشار این مجموعه را فراهم کند.

فهرست کتاب‌های انسان‌شناسی و فرهنگ در سال ۱۳۹۶

1- **دانشگاهی که بود**، تألیف دکتر ناصر فکوهی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. ۱۳۹۶

2- **درس‌گفتارهای کلژ دو فرانس**، پیر بوردیو، مانه یک انقلاب نمادین برگردان ناصر فکوهی، انتشارات، تهران

3- **درس‌گفتارهای کلژ دو فرانس**، پیر بوردیو، درباره دولت، برگردان ناصر فکوهی تهران

4- **بوردیو (میراث دانشگاهی)** تألیف ناصر فکوهی، تهران: انتشارات پژوهشکده

جامع واژه «فرهنگ»، تبعیت می‌کند. از این‌رو تخصص‌های مختلف فرهنگی در کنار یکدیگر، بررسی و سپس به صورت تلفیقی، با تاکید بر ثبت و استفاده از داده‌ها بر شبکه الکترونیک و موتورهای جستجو، تحلیل خواهند شد.

از این‌رو در کتاب‌های مجموعه حاضر که به توصیفی اولیه از کنشگران یا شخصیت‌های فرهنگی به زبان، قلم و روایت خودشان، اختصاص دارند، ما صرفاً درآمدی را ارائه می‌دهیم بر کار پژوهشی در حال اجرا، یعنی مطالعه‌ای نهایی که باید بتواند دسترسی به اطلاعات مربوط به فرهنگ مدرن ایران را، در منشاء و تحول و موقعیت کنونی‌اش، و تحلیل بر آن‌ها را روی شبکه، از جمله از طریق جستجوی پیشرفته بر اساس چندین کلید واژه و همچنین جستجوهای ساختاری با نرم افزارهای خاص و ایجاد فرامتن‌های (meta text) لازم برای همه علاقمندان ممکن کند.

مجموعه‌های تاریخ فرهنگی ایران مدرن

در پروژه تاریخ فرهنگی ایران مدرن، پیش‌بینی شده است که مطالب در ده مجموعه عرضه شوند: (۱) شخصیت‌ها و کنشگران فرهنگی؛ (۲) نهادها؛ (۳) فرایندها و مکاتب؛ (۴) رویدادها؛ (۵) آثار و ساخته‌های فرهنگی؛ (۶) زمان‌ها؛ (۷) مکان‌ها؛ (۸) مفاهیم فرهنگی؛ (۹) اشیاء و فرهنگ مادی؛ (۱۰) اسناد. در هر یک از این مجموعه‌ها زیر مجموعه‌هایی پیش‌بینی شده است که به تقسیم‌بندی‌های فرهنگ در حوزه‌های مختلف بنا بر مورد نظیر ادبیات، هنر، دانش، و... یا تقسیم‌بندی سایر موارد در مجموعه‌ها برای نمونه تقسیم زمان به سال‌ها و دهه‌ها، و یا مکان‌ها به شهرها روستاها و غیره مربوط می‌شود. بدین ترتیب مخاطبان می‌توانند به سادگی یا از طریق موتور جستجو و یا با پرسه زدن در مجموعه‌ها و زیر مجموعه‌ها به شما بزرگی از مطالب و اسناد و سایر داده‌ها درباره تاریخ مدرن ایران دستیابی پیدا کنند.

وب سایت تاریخ فرهنگی، در خلال جشن یازدهمین سالگرد تاسیس انسان‌شناسی و فرهنگ توسط دکتر فکوهی مدیریت این سایت، رو نمایی شد و توضیحات مفصلی در خصوص اهداف ایجاد این سایت، محتوا و طبقه‌بندی مطالب ارائه شد.

امید داریم که بتوانیم سایت تاریخ فرهنگی را هر چه سریع‌تر به آماده‌سازی نهایی رسانده تا بتوانیم با همکاری تمامی دست اندرکاران و علاقه‌مندان حوزه فرهنگ، مجموعه‌ای منحصر به فرد و کاربردی از شکل‌گیری فرهنگ و تحول آن را در طی صدسال اخیر، با قراردادن فرمان مشروطیت به عنوان مطلع این جریان، را جمع‌آوری کرده و بستر مناسبی را برای پژوهش‌های عمیق و گسترده این حوزه فراهم کرده و گامی هرچند کوچک در راه اعتلال فرهنگ و هنر ایران برداریم.

سایت تاریخ فرهنگی ایران، هم‌اکنون از آدرس www.ir.modernculture قابل دسترسی است. همین جا از تمامی دوست‌داران و دغدغه‌مندان حوزه فرهنگ، تقاضا داریم تا با کمک‌های فکری و اسنادی خود راه را برای پیشبرد اهداف این سایت هموارتر کنند.

19- **بازاری‌سازی آموزش عالی**، برگردان لیلا حسین زاده، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی ۱۳۹۶

20- **مدرنیت در دور دست‌ها**، برگردان لیلا حسین زاده، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، در دست چاپ

همچنین کتاب‌های در دست برگردان:

1- **درد**، داوید لوپروتون، برگردان ناصر فکوهی و فاطمه سیارپور (انتشار هفتگی در وبگاه انسان‌شناسی و فرهنگ)

2- **بوطیقای شهر**، پیر سانسو، برگردان ناصر فکوهی و زهره دودانگه (انتشار هفتگی در وبگاه انسان‌شناسی و فرهنگ)

3- **انسان‌شناسی آموزش عالی**، (مجموعه مقالات)، برگردان جبار رحمانی و مهسا شیخان

فهرست کانال‌های تلگرامی

موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ در راستای محورهای اصلی فعالیت‌های خود یعنی ایجاد زمینه‌ای برای کار فرهنگی و علمی سالم در همه رده‌ها و برای همه افراد علاقمند، برنامه گسترش کانال‌های تلگرامی خود را برای ایجاد امکان سری‌عتر و ساده‌تر دسترسی علاقمندان به حوزه‌های مختلف در دست اجرا دارد. این کانال‌ها هم‌اکنون در حال ساخته شدن و انتقال داده‌های آرشیوی هستند و در همین حال فایل‌ها و نوشته‌های دیگر را نیز درون خود جای می‌دهند. عضویت شما در کانال‌هایی که به محتوای آنها علاقمند هستید منجر به رونق گرفتن کار و ایجاد شبکه‌ای از دوستانی می‌شود که می‌توانند به موضوع این کانال کمک کنند. همچنین کانال‌ها از این قابلیت برخوردارند که با کانال‌های تلگرامی دیگر تبادل لینک و فایل کنند.

سایت تاریخ فرهنگی

این پروژه به بررسی گسترده فرهنگ ایران در قرن بیستم اختصاص دارد و در آن، فرهنگ معاصر ایران، عمدتاً از خلال هفت ورودی، مطالعه و ارائه خواهد شد. این هفت راه برای گردآوری داده‌ها و پژوهش بر آن‌ها، عبارتند از: کنشگران (شخصیت‌ها)، آثار، نهادها، جریان‌ها (مکاتب)، رویدادها، زمان‌ها و مکان‌ها.

کار مطالعه با استفاده از روش‌ها و فنون گوناگونی چون گفتگو، تاریخ شفاهی، مشاهده مشارکتی، گردآوری داده‌های مردم‌نگارانه، فیلم‌برداری، عکس‌برداری، صداپردازی، داده‌نگاری (اینفوگرافی)، ثبت و مطالعه بر اشیاء، تحلیل محتوایی متون ادبی و اسناد ... انجام می‌شود.

این پروژه دراز مدت و پیوسته بوده و از رویکردی بین‌رشته‌ای برای رسیدن به درکی جامع از فرهنگ مدرن ایران، در معنای

گزارش مالی

موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ

منتهی به ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

مانده ابتدای دوره کانون انسان‌شناسی و فرهنگ در تاریخ ۱۳۹۶/۰۱/۰۱ مبلغ ۳۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال بوده و درآمدهای کانون طی سال ۱۳۹۶ که در دو بخش زیر قابل گزارش است به آن افزوده می‌شود:

1- در آمد از محل کمک‌های مردمی: که درآمد موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ از ابتدای سال ۱۳۹۶ تا تاریخ تنظیم گزارش از این محل مبلغ ۵,۴۵۰,۰۰۰ ریال است.

2- در آمد از محل پروژه‌های دریافتی اعضای شورای مرکزی: درآمد موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ از ابتدای سال ۱۳۹۶ تا تاریخ تنظیم گزارش از این محل ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال است.

در آمد کل موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ در سال ۱۳۹۶ تا تاریخ تنظیم گزارش ۶۵,۴۵۰,۰۰۰ ریال است.

هزینه‌ها

هزینه‌های موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ در سال ۱۳۹۶ در چهار بخش قابل گزارش است.

1- هزینه‌های پشتیبانی سایت: هزینه‌هایی که موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ برای خدمات فنی و پشتیبانی سایت در سال ۱۳۹۶ تا تاریخ تنظیم گزارش پرداخت کرده ۵۲,۱۳۰,۰۰۰ ریال است، "از آنجایی که بخش اعظم فعالیت‌های موسسه در سایت انجام می‌شود بدیهی است که بیشترین مقدار هزینه را به خود اختصاص می‌دهد.

2- هزینه‌های چاپ: پرداختی موسسه

انسان‌شناسی و فرهنگ بابت انجام خدمات چاپ تا تاریخ تنظیم گزارش ۱۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال است.

3- هزینه‌های پژوهشی: هزینه‌های پرداختی موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ بابت انجام خدمات پژوهشی تا تاریخ تنظیم گزارش ۹,۰۰۰,۰۰۰ ریال است.

4- هزینه‌های پذیرایی و تشریفات: پرداختی موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ بابت هزینه‌های پذیرایی و تشریفات تا تاریخ تنظیم گزارش ۵,۵۷۰,۰۰۰ ریال است.

کل هزینه‌های موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ تا تاریخ تنظیم گزارش ۷۷,۷۰۰,۰۰۰ ریال است.

به زبان ساده گردش مالی موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ به شرح ذیل قابل بیان است:

موجودی نقد ابتدای سال ۱۳۹۶ =

ریال ۳۸,۰۰۰,۰۰۰
درآمد اضافه می‌شود:
ریال ۶۵,۴۵۰,۰۰۰ = طی سال ۱۳۹۶

جمع: ریال ۱۰۳,۴۵۰,۰۰۰

کسر می‌شود:
ریال ۷۷,۷۰۰,۰۰۰ = طی سال

مانده پایان سال
ریال ۲۵,۷۵۰,۰۰۰ :

گزاشش دوزد، بمنبر سا کرد
و نسا، شناسی و فرهنگ



گزارش دوازدهمین سالگرد انسان شناسی و فرهنگ

دوازدهمین مراسم جشن سالگرد تأسیس انسانشناسی و فرهنگ عصر روز یکشنبه مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۹۶ در محل سالن همایشهای پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات واقع در میدان ولیعصر از ساعات ۴-۷ برگزار شد. برنامه امسال از ویژگیهای خاصی برخوردار بود، علاوه بر روند کلی برنامه که هر ساله در خدمت دو تن از پیشکسوتان هستیم و امسال آقایان علی بلوکباشی و محمد تهامینژاد سخنرانان مدعو برنامه بودند. علاوه بر پخش کلیپهای مختلفی از فعالیتهای انسانشناسی و فرهنگ در سال ۹۶، وب سایت تاریخ فرهنگی مدرن ایران هم رونمایی شد. همچنین، به همت آقای حامد کلجهای برنامه سالگرد به صورت زنده بر روی کانال اینستاگرام انسانشناسی و فرهنگ با بیش از ده هزار مخاطب نمایش داده شد. از همان دقایق اولیه، میهمانان و مدعوین سالگرد انسانشناسی و فرهنگ که اغلب پیشکسوتان و تأثیرگذارترین چهرههای فرهنگ بودند در سالن جلسه حضور یافتند: (به ترتیب حروف الفبا) محمد اسدیان، مهرداد اسکویی، محمد رضا اصلانی، محمد حسین باجلان فرخی، علی بلوکباشی، محمد تهامی نژاد، محسن حجاریان، بهروز دارش، خسرو سینایی، داور شیخوندی، سودابه فضایی، منصور فلامکی، مسعود فراستخواه، عباس مشهدی زاده، عبدالحسین نیک گهر، فرهاد ورهرام، هارون یشایایی و همچنین خانواده زنده یاد پرویز کلانتری (فرح و نگار کلانتری) و... عکاس: بهاره خطیبی، نگار شیخان و حامد کلجه ای



تصویر بالا: دکتر محمد منصور فلامکی - دکتر ناصر فکوهی

تصویر پایین: فرهاد ورهرام - محمد اسدیان





ردیف اول: از چپ به راست: محمدرضا اصلانی - محمد تهامی نژاد - خسرو سینایی - فرح کلانتری، همسر پرویز کلانتری فقید - نگار کلانتری -

ردیف دوم: ناصر عظیمی - فرهاد ورهرام - داور شیخاوندی - عبدالحسین نیک گهر -



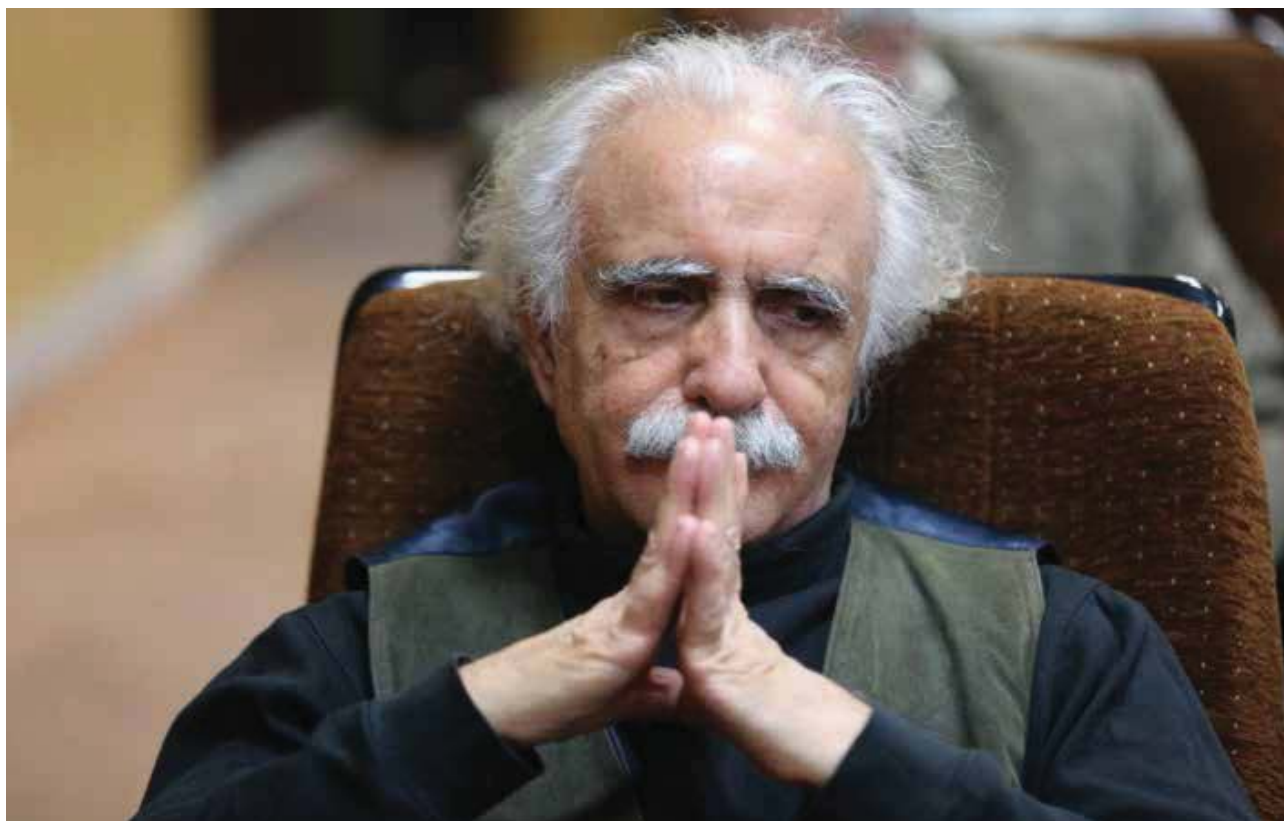
از راست به چپ: محمد منصور فلامکی - علی بلوکباشی - باجلان فرخی - سودابه فضائی



از راست به چپ: علی بلوکباشی - مهرداد اسکویی



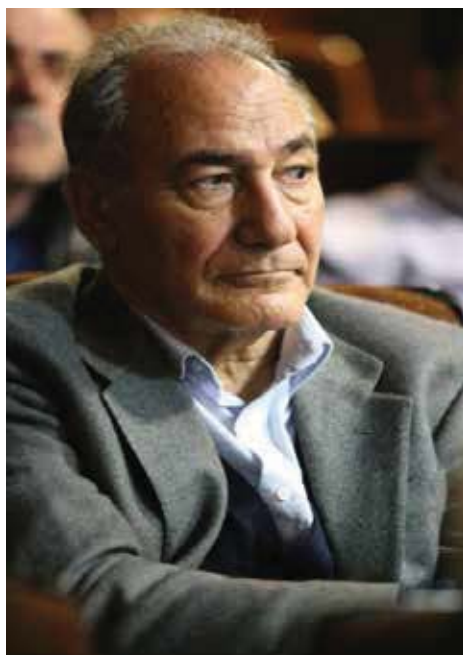
هارون یشایایی



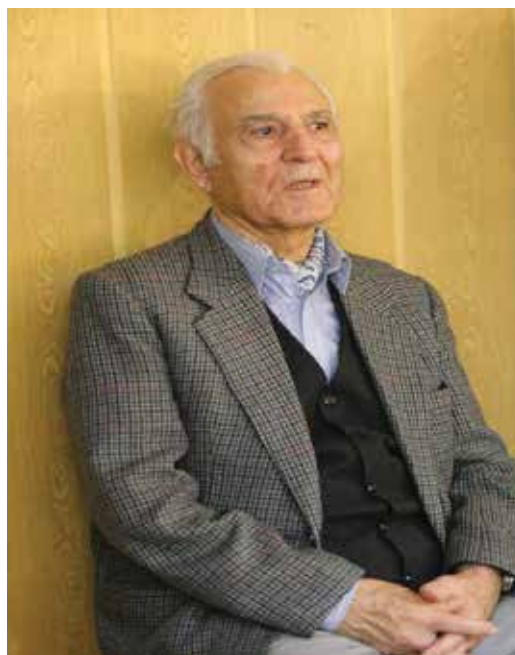
محمد رضا اصلانی



عباس مشهدی زاده



محمد اسدیان



داور شیخاوندی



محسن حجاریان



بهروز دارش



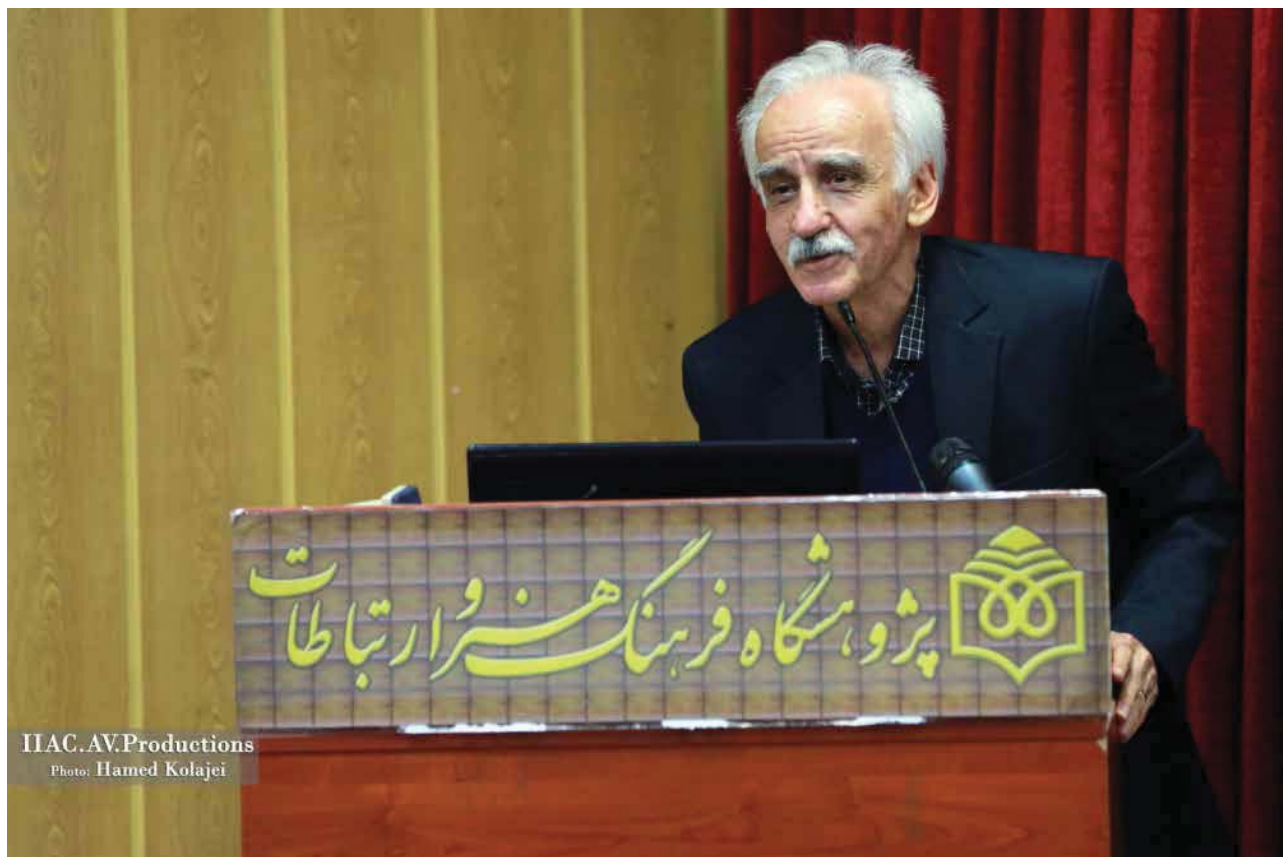
ناصر عظیمی

در ابتدای برنامه، مهسا شیخان، دبیر اجرایی دوازدهمین مراسم سالگرد تاسیس انسانشناسی و فرهنگ ضمن خوشامدگویی به مهمانان، خانم زهره دودانگه، عضو شورای مرکزی انسانشناسی و فرهنگ را برای اجرای برنامه به تریبون دعوت کردند.

خانم زهره دودانگه ضمن خوشامدگویی به میهمانان رئوس برنامه سالگرد شامل کلیپهای مختلفی از فعالیتهای انسانشناسی و فرهنگ در سال ۱۳۹۶، کلیپهای انتشارات، و درگذشتگان و نیز معرفی سایت تاریخ فرهنگی را اعلام کردند. سپس، در اولین بخش از برنامه کلیپ فعالیتهای انسانشناسی و فرهنگ در سال ۹۶ به نمایش درآمد. این کلیپ گزارش تصویری از برگزاری جلسات هفتگی یکشنبهها، جلسات شنبههای فیلم و فرهنگ و کانالهای تلگرامی انسانشناسی و فرهنگ را ارائه میکرد. سپس، کلیپی از فعالیتهای زندگی آقای محمد تهامی نژاد که تحت پروژه تاریخ فرهنگی مدرن ایران تهیه شده بود، به نمایش درآمد. پس از این فیلم، خانم زهره دودانگه ضمن معرفی کوتاه آقای محمد تهامینژاد از ایشان دعوت نمود تا برای ایراد سخنرانی به تریبون بیایند.



آقای تهمین‌نژاد با عبارت «سرخوشی ده سال حضور» اشاره کوتاهی به چگونگی آشنایی خود با وبگاه انسانشناسی و فرهنگ و صفحه انسانشناسی تصویری از طریق آقای مهرداد اسکویی داشت. وی، اشاره کرد که مدتی صفحه تهمین‌نژاد تشکیل شد که به انتشار مقالات مختلفی در خصوص تاریخ سینمای افغانستان، و بر اساس مجموعه فیلمهای افغانستان و با فیلمسازان افغانستانی مصاحبه داشت منتشر شد و نیز مقالات مفصلی از بزرگان انسانشناسی تصویری را ترجمه و روی این وبگاه منتشر کرد.

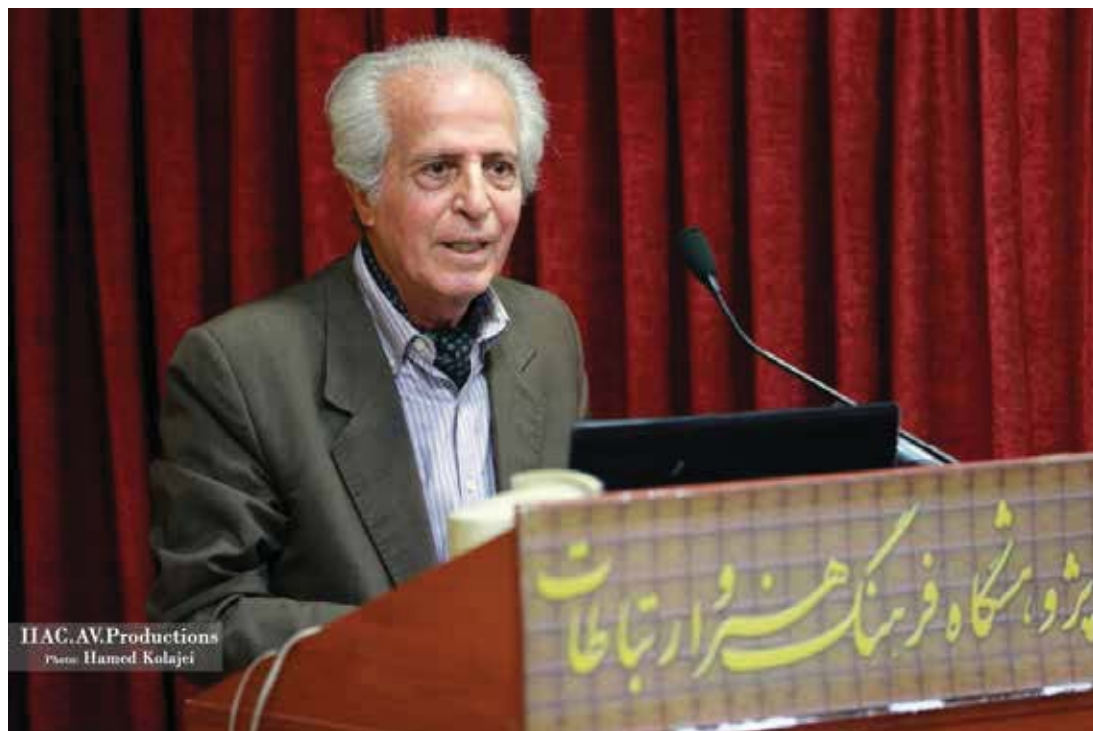


آقای تهمی نژاد، همچنین یادآور شدند که از سال ۹۰ مسئولیت بخش مستند انسانشناسی را بر عهده گرفتند که در این دوره علاوه بر اینکه نوشتن دانشجویان درباره فیلمهای مستند کمکم شکل گرفت؛ سردبیری ویژه نامه «مستند و فرهنگ» را نیز بر عهده گرفتند.

همچنین ایشان اشاره کردند که انسانشناسی و فرهنگ را نقطه امید خود میدانستند چرا که متن مقالات بدون هیچ تحریفی تمام و کمال منتشر میشد و همواره امکان اصلاح وجود داشت. در پایان، ایشان تاکید کردند که در طی ده سال گذشته فعالیت در انسانشناسی و فرهنگ همانند یک دانشگاه مجازی و جذاب بوده است، و همین است که زندگی ایشان را به انسانشناسی و فرهنگ گره زده است.

در بخش بعدی برنامه، کلیپ فعالیت و زندگی آقای علی بلوکباشی که تحت پروژه تاریخ فرهنگی مدرن ایران ساخته شده بود، به نمایش درآمد.

پس از آن آقای علی بلوکباشی ضمن تشکر بابت کلیپی که از آثار و زندگی ایشان تهیه شده بود، با یادآوری فعالیتهای انسانشناسی و فرهنگ در طول دوازده سالی که از تاسیس آن میگذرد، نکاتی را در خصوص سایت انسانشناسی و فرهنگ یادآور شدند: اینکه سایت توجه خاصی به زبان و فرهنگ های قومی داشته است.



ایشان در بخش دیگری از سخنانشان و با اشاره به سخنرانی دکتر فکوهی یادآور شدند که ترکیب جمعیتی ایران بر خلاف ۵۰ سال گذشته ۸۰ درصد ایللیاتی و روستایی و ۲۰ درصد شهری بوده؛ هم اکنون نسبتی معکوس پیدا کرده است؛ یعنی ۸۰ درصد جمعیت شهری و ۲۰ درصد جمعیتی با بافت ایللیاتی و روستایی داریم.

وی خاطر نشان کرد که داده‌های مردم‌شناسی/انسانشناسی موجود تقریباً همان داده‌هایی است در همان ۴۰-۵۰ سال گذشته توسط انسان/مردم شناسان جمع‌آوری شده بود. به بوار دکتر بلوکباشی در طی این ۴۰-۵۰ سال متأسفانه اقوام ایللیاتی و عشایری از طرف انسانشناسان فراموش شده و امروز تقریباً هیچ داده قومی، زبانی و فرهنگی از این اقوام متنوع نداریم تا بتوانیم با بررسی و تطبیق این دو دسته داده در بایم که چه دگرگونیها و تحولاتی میان این دو زمان در این جامعه بزرگ ایرانی اتفاق افتاده است.

دکتر بلوکباشی با اشاره به تمرکز انسانشناسی بر مسائل شهری، خواستار توجه بیشتری به مسائل اقوام و و عشایر شد و از اساتید دانشگاه بویژه درخواست کرد که با تربیت دانشجویان دوره ارشد و دکترای خود در مطالعه اقوام بستر مناسبی را جهت انجام مطالعات تطبیقی، تاریخی فرهنگی انجام دهند تا بتوان تصویر روشنی از وضعیت موجود به دست آورد.

در بخش دیگری از برنامه سرکار خانم زهره دودانگه، عضو شورای مرکزی انسانشناسی و فرهنگ که مدیریت جلسات



هفتگی انسانشناسی و فرهنگ را بر عهده دارند، نیز گزارشی را از برگزاری این نشستها ارائه دادند.

در بخشی از سخنان خود، خانم دودانگه توضیح دادند که جلسات یکشنبه‌های انسانشناسی و فرهنگ اکنون دوره پنجم خود را میگذراند و هر سال از ابتدای سال تحصیلی آغاز شده و بجز تعطیلات رسمی و نوروز، تا انتهای سال تحصیلی به طور مرتب هر یکشنبه در محل سالن همایشهای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات واقع در خیابان دمشق، میدان ولیعصر برگزار میشود.

خانم دودانگه در خصوص ساختار جلسات یکشنبه توضیحاتی را ارائه دادند: هر جلسه به یک موضوع اجتماعی، فرهنگی اختصاص دارد، که فیلمی مستند و یا بعضا داستانی مرتبط با آن موضوع هم نمایش داده میشود، و معمولا یک تا دو سخنرانی هم در این جلسات داریم؛ در پایان جلسات سئوالات به صورت کتبی از مخاطبان جمعآوری شده و در پنل پرسش و پاسخی که با شرکت سخنرانان برگزار میشود، پاسخ داده می شوند. فایل صوتی و تصاویر هر جلسه همان شب و یا روز بعد در کانالهای تلگرامی انسانشناسی و فرهنگ قرار میگیرد.

خانم دودانگه، همچنین از انتشار متن سخنرانی جلسات در قالب کتاب در آینده نزدیک خبر داد.

پس از آن، خانم دودانگه، با معرفی آقای پویا عاقلی زاده به عنوان دبیر نشستهای شنبه فیلم و فرهنگ از ایشان دعوت کردند که به جایگاه آمده و گزارشی را در خصوص این جلسات ارائه دهند.

آقای پویا عاقلی زاده دبیر جلسات شنبههای فیلم و فرهنگ هم ضمن معرفی جلسات شنبههای فیلم و فرهنگ، گزارش مختصری را از فیلمهای نمایش داده شده و سخنرانیهای انجام شده ارائه دادند. در بخشی از سخنان خود، آقای عاقلی زاده ساختار جلسات یکشنبه را با محوریت نمایش فیلم سینمایی با موضوع سیاسی عنوان کردند که بعد از نمایش فیلم تحلیل فیلم هم توسط یکی از اساتید حوزه سینما انجام شده و در پایان به پرسشهای مخاطبان پاسخ داده میشود.



در بخش بعدی برنامه، که از جهاتی مهمترین بخش برنامه محسوب میشد و به رونمایی و معرفی سایت تاریخ فرهنگی ایران مدرن اختصاص داشت، بخشهای متنوعی ارائه شدند.

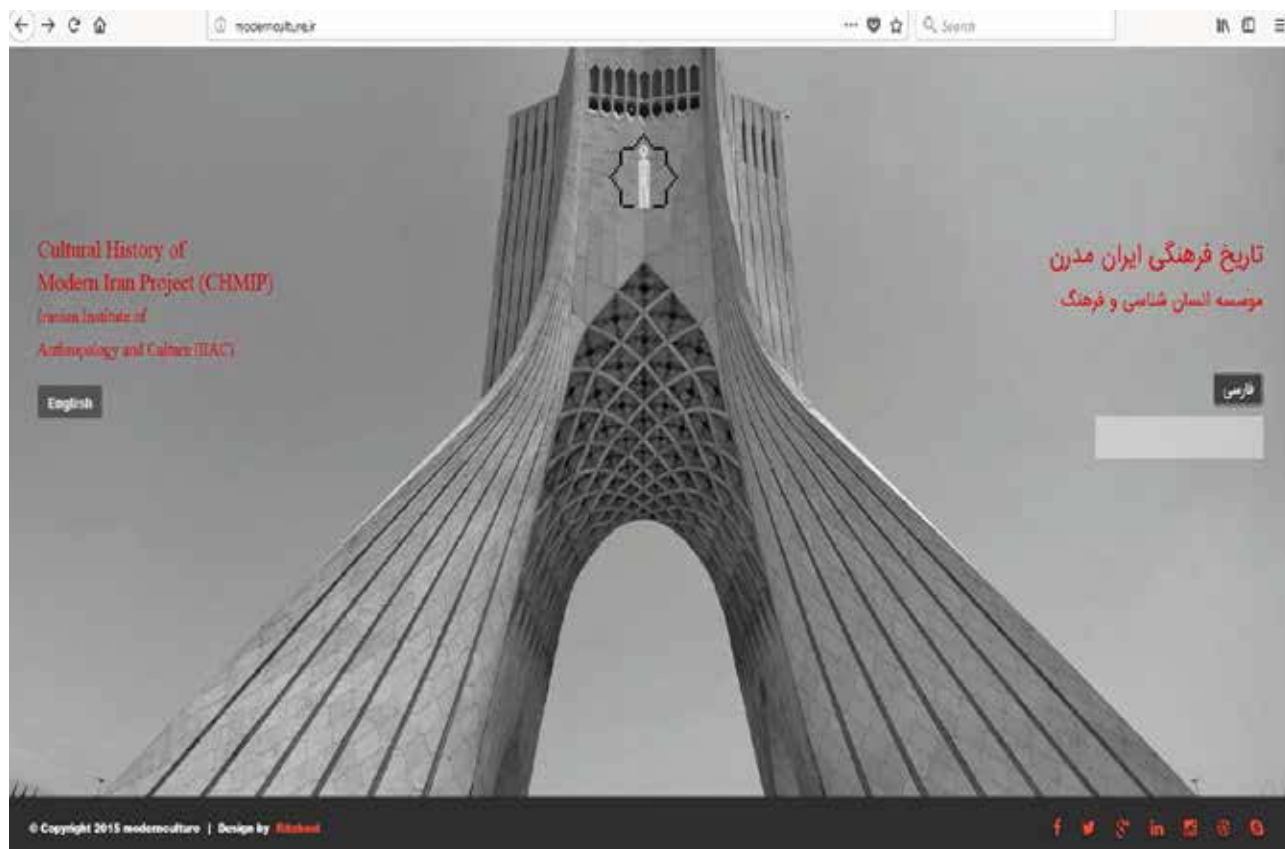
پیش از معرفی سایت تاریخ فرهنگی، به منظور گرامیداشت یاد و نام پرویز کلانتری، کلیپی که درباره زندگی و آثار وی ساخته شده بود، به نمایش درآمد. این کلیپ به همراه نه کلیپ دیگر، همگی جزو پروژه گسترده تاریخ فرهنگی مدرن ایران هستند که بخشی از آن در سالهای گذشته انجام شده است و مصاحبه با شخصیتهای تاثیرگذار فرهنگی اجتماعی نقش محوری دارد.

با این معرفی، خانم دودانگه مهسا شیخان مدیر سایت تاریخ فرهنگی را برای ارائه توضیحات کوتاه درخصوص این وبگاه به جایگاه سخنرانی دعوت کرد.

خانم شیخان، بیشتر در خصوص اقدامات فنی آماده سازی وبگاه صحبت کردند. در بخشی از صحبت خود، اشاره کردند که این وبگاه به منظور بازنمایی تمامی وجود و آثار شخصیتهای فرهنگی و اجتماعی ایجاد شده است که به شکلی بر فرهنگ و هنر این سرزمین تاثیرگذار بودهاند. وی بیان کرد: «طبیعی است که نشان دادن تمامی وجود پیچیده این عزیزان و آثارشان امکانات پیچیده فنی را میطلبد که ما سعی داریم در وبگاه حاضر آن را تمام و کمال آماده کنیم. همانکون نسخه اولیه سایت آماده شده است ولی ما همچنان به دنبال رفع اشکالات و به کارگیری آخرین فناوری برای معرفی هر چه بهتر اشخاص، آثار و ... در این وبگاه هستیم».

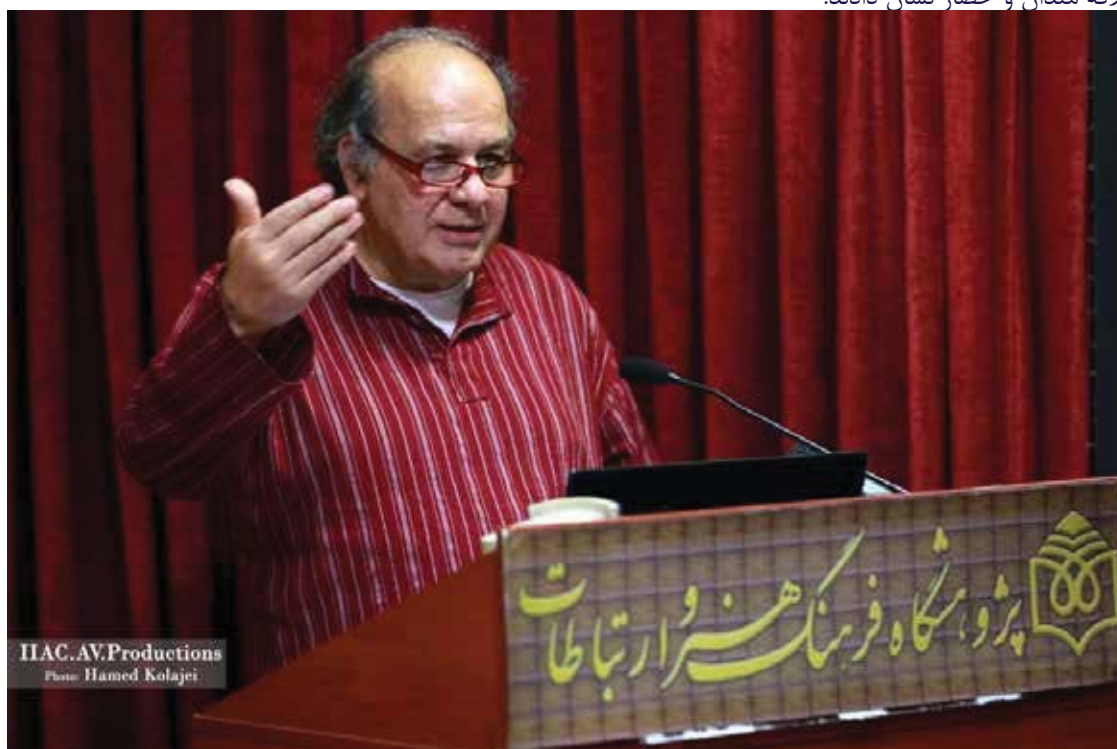


خانم مهسا شیخان از آقای اکبر حلوایی، مسئول فنی سایت به دلیل کمکهای همه جانبه و شبانه روزی تیم فنی در به روزرسانی وب سایت تا به امروز تشکر و قدردانی کردند. همچنین از سرکار خانم فاطمه خضری و آقای امید روحی جهت همکاری در به روزرسانی سایت تشکر کردند. در پایان، وی با اشاره به حجم عظیم دادههای موجود که نیازمند بازخوانی، دسته بندی و در نهایت بارگزاری به روی سایت هستند، از تمام دوستانی که علاقه مند به همکاری بودند، خواستند تا به این مجموعه بپیوندند.



در این بخش، دکتر ناصر فکوهی، کلیاتی را در خصوص پروژه تاریخ فرهنگی مدرن ایران بیان کردند. همچنین، در خصوص سایت تاریخ فرهنگی مدرن و اقدامات مختلفی که تا کنون انجام شده و بخشهای مختلف آن توضیحات تکمیلی را ارائه دادند: دکتر فکوهی در معرفی هدف ایجاد وبگاه تاریخ فرهنگی بیان کرد: «در این سایت تاریخ فرهنگی به دنبال آن بودیم که فرم جدیدی از یک دایره المعارف را ایجاد کنیم. ما شاهد نمونه های مختلفی از دایره المعارفها بودیم، مثل دایرهالمعارف بزرگ اسلامی و ایرانیکا که اینها خود احتمالا آخرین نسلهای این دایره المعارف هستند. نسل جدیدی وارد شده که نسل دایره المعارف ویکی پدیا. منطق ویکی پدیا این است که متن ثابت نیست و افراد مختلفی متن را ویرایش میکنند و سیستم بسیار پیچیده های است. و دائم در حال رصد است. و فرم در دسترس بودن هر چه بیشتر دانش. نسل آخر دایره المعارف ها مبنای سایت تاریخ فرهنگی است...»

سپس، دکتر فکوهی برای نشان دادن ساختار منطق وبگاه تاریخ فرهنگی مدرن ایران، بخش های مختلف این وبگاه و صفحات اصلی آن را برای علاقه مندان و حضار نشان دادند.



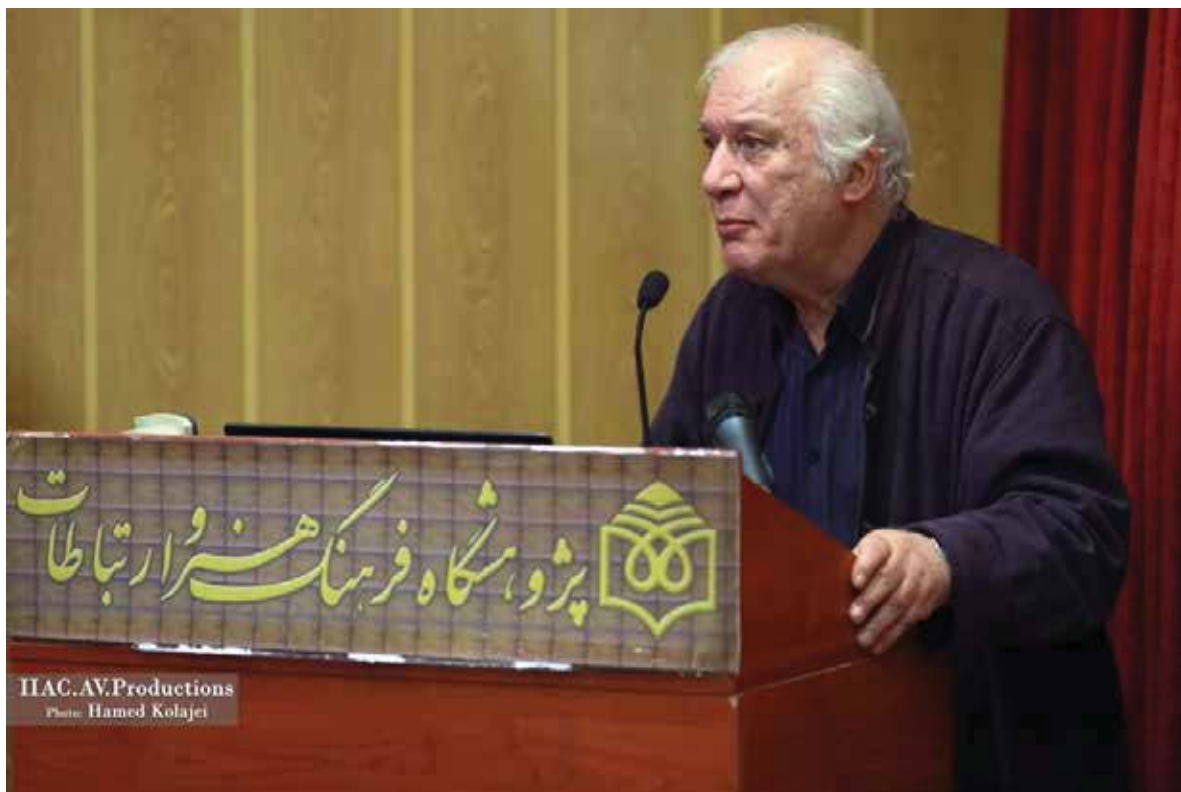
«در صفحه اصلی سایت، توضیحی درباره پروژه وجود دارد. بخش جستجو امکان جستجوی مطالب را در قالب های متنی، فیلم، صوت و تصویر فراهم آورده است. در بخش پایینی صفحه گزیده مطالب به صورت رندوم نمایش داده میشوند که دائما در حال تغییر هستند. این وبگاه زیر نظر انسانشناسی و فرهنگ فعالیت میکند. همینطور میتوانید لیست اسامی شورای عالی انسانشناسی و فرهنگ را از لینک مرتبط به آن در پایین صفحه ملاحظه کنید.»

ایشان در خصوص منطق تقسیم بندی های موجود در سایت تاریخ فرهنگی گفت: «ما مدتهای طولانی فکر میکردیم که چطور باید فرهنگ را تقسیم کرد، تقسیم بندی که در وبگاه تاریخ فرهنگی مشاهده میشود، در واقع یک تقسیم بندی اولیه است. ده ورودی داده وجود دارد (شخصیتها، نهادها، آثار، فرآیندها، رویدادها، زمانها، مکانها، اشیاء، مفاهیم، اسناد، سایر). هر کدام از اینها زیرمجموعه هایی دارند؛ مثلا در شخصیتها سینما، هنرهای دستی، هنرهای تجسمی، در نهادها، و هر کدام زیرمجموعه های خاص خود را دارند.

به عنوان نمونه وارد سینما میشویم، به ترتیب حروف الفبا میآید. به تدریج مدخلا به صورت الفبایی وارد میشود. در جلوی هر مدخل تعداد مقالات نمایش نشان داده میشود. اگر وارد یکی از مدخل شویم: در راس مدخل تاریخ تولد، و حرفه و زمینه کاری آمده و زیر این مدخل است که تمامی مقالات در صفحات مختلف مقالات ارائه شده است. این سایت شکل دایره المعارف دارد و ما علاوه بر تولید محتوا، محتواهای موجود را که در جاهای دیگر منتشر شده است را هم بازنشر میکنیم.

ما تقریبا تا یک سال بارگزاری مطالب را ادامه خواهیم داد.

در کنار این بخش، ما یک بخش انتشارات داریم، مشتمل بر آرشیوهای صدا، فیلم، که وقتی وارد این بخش ها شویم، فیلمها از روی سایتها خاص دیگری خوانش میشوند. همینطور پروژه گستردهای را برای عکسبرداری از کتابها و مجسمه های آقای بهروز غریب آغاز کردهایم، که به تدریج بر روی این وبگاه منتشر خواهند شد



در بخشی از برنامه آقای خسرو سینایی، با ارجاع به صحبت‌های آقای بلوکباشی، در دفاع از سینماگران صحبت‌هایی را ایراد نمودند. ایشان با اشاره به هزینه‌بر بودن فیلمسازی خاطر نشان‌کردند که فکر میکنند که میتوان با بودجه‌هایی بسیار کمتر، با رفتن به مناطق محلی ایران و داستانهای بومی و محلی این مناطق و اقوام و با شرکت هنرمندان خود آن مناطق فیلم ساخت و سینمای سالمی داشته باشیم. ایشان به تجربه فیلمسازی که چند سال پیش با همین رویکرد در جزیره هرمز انجام دادند، اشاره کردند که این فیلم ساخته شد. آقای سینایی، یادآور شدند که این فیلم علی رغم موفقیت و امتیازی که در جشنواره ونکوور کسب کرده بود در داخل ایران فروش موفقی نداشت. در پایان، وی با اشاره به اینکه سینما نیازمند بودجه است، یادآور شد که بد نیست قسمتی از درآمد عظیم سینما سهم فرهنگ و در راستای کمک به فرهنگ کشور هزینه شود.

دکتر رحمانی، عضو شورای مرکزی انسانشناسی و فرهنگ و مدیر بخش انتشارات، ضمن ارائه گزارشی از فعالیتهای انتشاراتی انسان شناسی و فرهنگ اظهار داشت: فعالیتهای ما در سال ۱۳۹۶ عمدتاً در همکاری با ناشران دولتی و خصوصی دیگر انجام گرفته است. او بر این نکته تاکید کرد که: به دلایل زیادی از جمله مشکلاتی که بسیاری از نویسندگان و مترجمان ما در انتشار کار خود داشته اند





و حجم بزرگ محصولات فکری اعضای موسسه و علاقمندان آن تصمیم به آن گرفته شد که انسان شناسی و فرهنگ، مجوز انتشارات برای خود بگیرد و از سال ۱۳۹۷ فعالیت مستقل خود را در زمینه انتشارات آغاز کند. ما در حال حاضر بیش از ده کتاب آماده انتشار داریم که اغلب به وسیله اعضای شورای مرکزی انسان شناسی و فرهنگ تالیف یا ترجمه شده اند. کتاب های متعددی نیز به وسیله اعضای شورایی و سایر علاقمندان در برنامه انتشاراتی ما قرار دارد که به تدریج از تابستان و پاییز ۱۳۹۷ انتشارشان آغاز خواهد شد. انسان شناسی و فرهنگ بدین ترتیب امیدوار است که بتواند الگویی مناسب و پایدار برای نشر در حوزه مطالعات علمی بین رشته ای و فرهنگی در کشور به وجود بیاورد. انتشار مجموعه سی جلدی شخصیت های تاریخ فرهنگی ایران مدرن در همکاری با پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان بخشی از پروژه بزرگ تاریخ فرهنگی ایران مدرن و انتشار ده فیلم درباره این شخصیت ها که برنامه ای اختصاصی برای آن در بهار ۱۳۹۷ برگزار خواهد شد، جزو سایر برنامه های انتشاراتی انسان شناسی و فرهنگ است. به انتشار آنها، به انتشارات ما عرضه کنند. عکس ۲۴

در پایان صحبت های ایشان، کلیپی که از فعالیتهای انتشارات و کتابهای انسانشناسی و فرهنگ در سال ۱۳۹۶ نمایش داده شد.

در بخش نهایی برنامه، کلیپ یادبود درگذشتگان پخش شد. و به رسم هرساله عکس یادگاری پایان بخش دوازدهمین سالگرد انسانشناسی و فرهنگ بود.

بدین ترتیب، با آرزوی سالی خوش، از تمامی دوستان، همکارانی که در طی این سالها با ما همراه بوده اند تشکر میکنیم، و امید داریم که سالهای سال در کنار ما باقی بمانند.



دوازدهمین سالگرد تاس
انسان شناسی و فرهنگ
سیزدهم اسفندماه هزار و سیصد و نود و شش
سازمان همایشهای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

شب‌های
سینما و فرهنگ



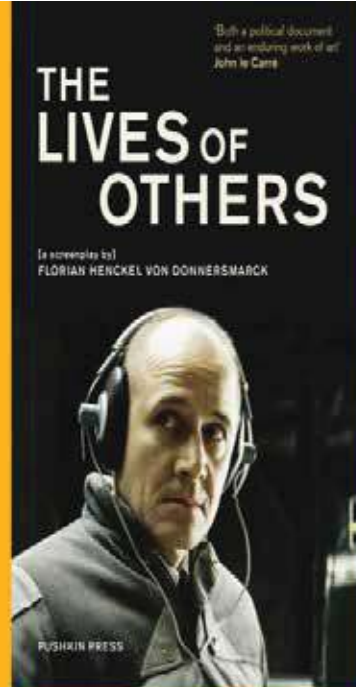
شنبه‌های سینما و فرهنگ

فرهنگ» که به نمایش فیلم‌های مستند و پخش و تحلیل آنها با نگاه علمی تخصص دارند و فصل چهارم آنها از مهر ماه ۱۳۹۶ آغاز می‌شود، فصل نخست برنامه جدید نشست‌های خود را که با همکاری موسسه بهاران به انجام می‌رسد، با عنوان **«شنبه‌های سینما و فرهنگ»** از مهر ماه ۱۳۹۶ به صورت هفتگی، آغاز می‌کند. در هر برنامه یک فیلم داستانی (و هر چند هفته یک بار یک مستند بلند) به نمایش درمی‌آیند و پس از آن یکی از متخصصان علمی و دانشگاهی به بحث درباره موضوع فیلم خواهد پرداخت.

شنبه‌های سینما و فرهنگ با هدف ارتقای نظری نگاه به سینما، هر شنبه ساعت ۱۷:۳۰ ابتدا به پخش فیلم‌های منتخب خود می‌پردازد و تجربه‌ی تماشای جمعی فیلم‌های ناب سینما را فراهم می‌آورد و پس از آن با حضور اندیشمندان و هنرمندان در عرصه‌های مختلف نظری از جمله اجتماعی، تاریخی، سینمایی، نمادشناسی، زبان‌شناسی، روانشناسی و ... به تحلیل فیلم پخش‌شده خواهد پرداخت تا به تجربه‌ی تماشای فیلم، اندیشه و شناخت در صورت اجتماعی‌اش را نیز بیفزاید.

سینما امروزه بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی ما است. سالهاست که یا به خواست خود سینما را همدم لحظات خاص و حساس زندگیمان کرده‌ایم و یا بی‌آنکه بدانیم سینما خود را همدم ما دانسته و به اعماق ناپیدای ذهنمان راه پیدا کرده‌است و در لحظاتی که هیچ انسان و هیچ چیز در جهان واقع، یارای همراهی ما را نداشته، تصاویر روی پرده‌ی نقره‌ای همراه همدل ما بوده‌اند. تماشای فیلم‌ها در شرایط مختلف سنی، در مکان‌های مختلف و با تفکرات غالب متفاوت در هر دوره‌ی زندگیمان، تجربه‌ای نو را پدید آورده‌است؛ این تجربه به جایی رسیده‌است که آنقدر به قهرمان روی پرده نزدیک شده‌ایم که ساعت‌ها بعد از تیتراژ پایانی هم با او زندگی کرده‌ایم و گاه در موقعیتی دیگر، همان قهرمان را از خود دور دانسته‌ایم و به سراغ فیلمی دیگر رفته‌ایم که با حال و هوای لحظه‌یمان همسو بوده‌است. این گره خوردن عمیق زندگی ما و زندگی سینما در طول سال‌ها موجب شده است که آگاه یا ناآگاه، پستی و بلندی‌های زندگیمان را با راه بی‌نهایت این هنر به اشتراک بگذاریم. از این رو شناخت این یار دیرین لحظات سخت و عمیق زندگیمان، ما را نه تنها در بهره بردن بیشتر از تماشای فیلم‌ها، بلکه در شناخت خودمان نیز یاری می‌نماید. این شناخت در جهان امروز، بی‌نهایت جنبه دارد که یکی از آنها، شناخت بینامتنی این رسانه است. شناخت آنچه فیلم‌ها در جهان و در ذهن ما انجام می‌دهند و چگونگی انجام آن با نگاه کردن به سینما از دریچه‌های مختلف همچون نگاه‌های اجتماعی، نمادشناسی، اسطوره‌ای، زبان‌شناسی، روانشناسی، تاریخی و ... میسر می‌شود؛ شناخت خود و رابطه‌مان با سینما از طریق شناخت عناصری که به فیلم‌ها هویتی فراگیر داده‌اند.

شنبه‌های سینما و فرهنگ قصد دارد با نگاهی ژرف به فیلم‌ها از دریچه‌های مختلف نظری و با بهره‌گیری از دانش اندیشمندان و هنرمندان عرصه‌های مختلف، از سینما به عنوان ابزاری برای ارتقاء فرهنگ جامعه بهره‌بردار و همزمان با آن، تجربه‌ی ناب تماشای جمعی و تحلیل فیلم را نیز برای مخاطبانش فراهم آورد. این خواست بزرگ میسر نمی‌شود مگر با قدم نهادن در مسیر آن، با داشتن پشتوانه‌ی غنی همراهی و همدلی دوستداران سینما و فرهنگ. در این مسیر، «نگاه» مهمترین عنصری است که بین مخاطبان و تحلیلگران مشترک است. می‌خواهیم «نگاه کردن» را تمرین کنیم؛ به فیلم‌ها نگاه کنیم؛ به نگاه‌های شخصیت‌های فیلم نگاه کنیم؛ به علت‌ها و معلول‌های ناشی از آنها نگاه کنیم و در نهایت به «خودمان» نگاه کنیم. در این مسیر، برای آن که این نگاه را جهت بخشیم از نقطه نظرات صاحب نظران عرصه‌های مختلف نیز در جلسات بهره خواهیم برد. موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ، پس از تجربه چندین ساله برگزاری نشست‌های «یکشنبه‌های انسان‌شناسی و



جمع بندی جلسه

ناصر فکوهی در این جلسه، بحث مربوط به چگونگی شکل‌گیری فاشیسم را در قالب تاریخ معاصر آلمان آغاز کرد. پویا عاقلی زاده نیز به ارجاعات نمایشی فیلم به آثاری چون هملت شکسپیر گفت و به استفاده از لنز بسیار واید (eye-fish) در صحنه‌های مربوط به شخصیت اصلی فیلم که بر خلاف ظاهر ماجرا، همیشه تحت نظر است اشاره کرد.

نشست اول

نام فیلم: زندگی دیگران (۲۰۰۶)

کارگردان: فلوریان هنکل فون دونرسمارک

فیلمنامه: فلوریان هنکل فون دونرسمارک

بازیگران: اولریش موئه، مارتینا گدک، سباستین کوخ، اولریش توروک

سخنران: ناصر فکوهی

- این فیلم برنده اسکار بهترین فیلم خارجی زبان در اسکار ۲۰۰۶ می باشد.

خلاصه فیلم:

زندگی دیگران، فیلمی آلمانی و اولین فیلم بلند فلوریان هنکل فون دونرسمارک و برنده جایزه اسکار بهترین فیلم غیر انگلیسی‌زبان سال ۲۰۰۶ است. فیلم با بودجه کمی حدود ۲ میلیون دلار در آلمان ساخته شده و حدود ۱۰۰ میلیون دلار فروش داشته است. این فیلم بیش از ۳۰ جایزه از جمله جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی زبان سال ۲۰۰۶ را به دست آورده و با استقبال منتقدان و مخاطبان روبرو شده است.

اولریش موئه بازیگر نقش گئرد ویسلر، در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۷ بر اثر سرطان معده در گذشت. زندگی شخصی او شباهت‌های زیادی با زندگی شخصیت‌های فیلم دارد. در زمانی که او ستاره تئاتر آلمان شرقی بود، از سوی اشتازی (پلیس امنیتی آلمان شرقی) زیر نظر قرار گرفته بود. موئه بعدها متوجه می‌شود همسر سابقش «جینی گروئل من» هنرپیشه آلمانی، به عنوان خبرسان برای پلیس امنیتی کار می‌کرده است.



انسان شناس و فرهنگ
با همکاری موسسه بهاران و بانک تهران برگزار می کند

۲. ورود (۲۰۱۶)

جلسات نمایش و تحلیل فیلم

شنبه های سینما و فرهنگ
مدیر جلسه: پویا عاقلی زاده

شروع جلسه	سخنران	جلسه کل
۱۷:۳۰	رامتین شهبازی	۲۲ مهر

تهیه بلیت از طریق شماره های زیر با کارت ملی:
۸۸۸۹۲۳۲۸ - ۸۸۸۰۳۶۶۸
۸۸۹۰۳۶۹۳ - ۸۸۹۲۳۲۹۶

آدرس: میدان فاطمه، ج. چوبهار، کد پستی: ۱۹۱۳۱، پلاک ۲۱، موسسه بهاران

تیوال ۲۰۱۶

جمع بندی جلسه

رامتین شهبازی در این جلسه به تبیین مساله‌ی زبان و پیچیدگی‌های آن از نگاه ویتگنشتاین پرداخت. در این جلسه، بحثی در مورد نوع پرداخت سیستم هالیوود به این موضوع بین شهبازی و عاقلی زاده شکل گرفت. عاقلی زاده اشاره به استفاده از شخصیت تکراری و تا حدودی کاریکاتوروار زن متخصص در فیلم‌های هالیوودی از جمله این فیلم اشاره کرد و این فیلم دنی ویلنو را از جهت فرم انتخاب شده برای موضوع به نسبت کارهای قبلی اش ضعیف دانست.

نشست دوم

نام فیلم: ورود (۲۰۱۶) Arrival

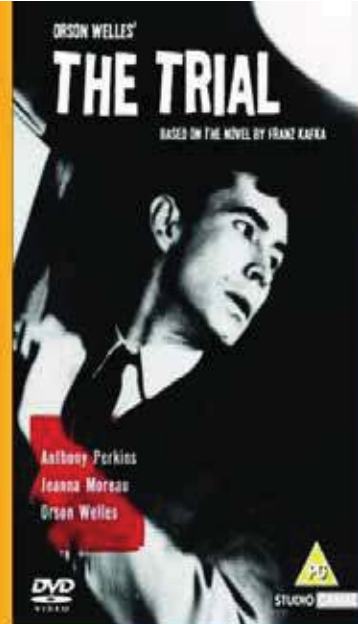
کارگردان: دنی ویلنو

فیلمنامه: اریک هیزرر

بازیگران: ایمی آدامز، فارست وایتکر، جرمی رنر

سخنران: رامتین شهبازی

خلاصه فیلم: لوییس (ایمی آدامز) زنی جوان و یک زبان‌شناس برجسته است که اغلب اوقاتش را به تدریس در دانشگاه اختصاص می‌دهد. با فرود آمدن دوازده سفینه فضایی در نقاط مختلف جهان از جمله آمریکا جوی پر از وحشت و ترس و ابهام بر دنیا حاکم می‌شود. لوییس به درخواست ارتش آمریکا از راه ارتباط زبان می‌خواهد با بیگانگان ارتباط برقرار کند در عین حال تصاویری از آینده نیز به کمک او می‌آیند.



جمع بندی جلسه

نشست سوم

در ابتدای این جلسه، عاقلی زاده به الگوی فیلم نوآر استفاده شده در این فیلم اشاره کرد و فیلم را مصداق این جمله دانست که "جنایتکار به محل جرم برمی‌گردد" اما به شکلی که کافکا و ولز، این را در یک ساختار واژگون از نظر زمانی به تصویر کشیده‌اند. پس از این معرفی ابتدایی، محمدرضا اصلانی در تحلیل خود به جهان داستانی کافکا در "محاكمه" و پس از آن به معرفی سینمای اورسون ولز پرداخت و فیلم ولز را در این مورد خاص فراتر از رمان کافکا دانست. او در ادامه به وضعیت ساخت فیلم و انتخاب آنتونی پرکینز برای تصویر سینمایی آن زمان او اشاره کرد و الگوی سه زن را در فیلم بررسی کرد.

نام فیلم: محاکمه (۱۹۶۲)

کارگردان: اورسون ولز

فیلمنامه: اورسون ولز، پیرو کلو

بر اساس رمان محاکمه از فرانتس کافکا

بازیگران: آنتونی پرکینز، ژین موریو، اورسون ولز، رومی اشنایدر

سخنران: محمدرضا اصلانی

خلاصه فیلم: در این اقتباس سینمایی از شاهکار کافکا، کا (آنتونی پرکینز) صبح از خواب بیدار می‌شود و دو مأمور که در خانه ی او هستند، او را محکوم می‌دانند. کا از این به بعد به دنبال راه های فرار از این حکم ناشناخته است. او در این مسیر با ژین موریو و رومی اشنایدر، بازیگران مطرح روز سینما مواجه می‌شود.



انسان شناسه و فرهنگ
با همکاری موسسه بهاران و بانک تهران برگزار می‌گردد

صادق هدایت

جلسات نمایش و تحلیل فیلم

شنبه‌های سینما و فرهنگ
مدیر جلسات: پویا عاقلی زاده

شماره جلسه	سخنران	جلسه چهارم
۱۷:۳۰	محسن شهرنازدار	۶ آبان

تهیه بلیت از طریق شماره‌های زیر با سایت توال:

۸۸۸۹۲۳۲۸ - ۸۸۸۰۳۶۶۸

۸۸۹۰۳۶۹۳ - ۸۸۹۲۳۹۰۶

آدرس: میدان فاطمه، خ. جویبار، کد پستی: ۱۴۱، پلاک ۲۱، موسسه بهاران

توال  

جمع بندی جلسه

در این جلسه، پس از پخش فیلم، پویا عاقلی زاده عنصر اصلی این فیلم مستند را عذاب وجدان عمومی دانست و محسن شهرنازدار با اشاره‌ای به این موضوع، به معرفی نسل سوم روشنفکری ایران -از سردمداران آن، صادق هدایت بود- پرداخت و بخش آغازین رمان "بوف کور" را برای مخاطبان خواند. در انتها، عاقلی زاده از تأثیرات صادق هدایت بر سینمای جهان گفت و با پخش سکانس آغازین فیلم "بزرگراه گمشده" از دیوید لینچ، توجه مخاطبان را به تأثیرات رمان بوف کور بر سینمای سوررئالیستی لینچ جلب کرد.

نشست چهارم

نام فیلم: صادق هدایت

کارگردان: محسن شهرنازدار، سام کلانتری

خلاصه فیلم: مستندی درباره ی زندگی و جهان صادق هدایت

سخنران: محسن شهرنازدار



جمع بندی جلسه

در این جلسه دکتر ناصر فکوهی به تحلیل تاثیرات فاشیسم و نسل فعال در جنگ جهانی دوم بر نسل جدید گفت و مباحث مربوط به چگونگی شکل گیری فاشیسم را ادامه داد.



نشست پنجم

نام فیلم: جعبه موسیقی

کارگردان: کوستا گاوراس

فیلمنامه: جو استرهاز

بازیگران: جسیکا لنگ، آرمین مولر استال

سخنران: ناصر فکوهی

خلاصه فیلم: وکیل آن تالبوت (جسیکا لنگ) باید از موکل اهل مجار خود در برابر اتهاماتش مربوط به جنایات نازی دفاع کند. این موکل پدر وکیل است و در طول این دفاع، آن به شناختی از پدر خود و اعمالش در زمان نازی نیز پی می رسد.



جمع بندی جلسه

در این جلسه ابتدا پویا عاقلی زاده به معرفی سینمای هانکه و تاثیرپذیری او از برسون، آنتونیونی و برگمان گفت. همچنین تم اصلی این فیلم را مانند "ویدئوی بنی" روند غیرقابل کنترل شکل گیری یک جنایت کار در دنیای امروز دانست. پس از این صحبت ابتدایی، رامتین شهبازی به معرفی دو امر "آپولونی" و "دیونوسوسی" در برخورد با هنر پرداخت و تاثیر موسیقی در این فیلم را بر این اساس بررسی کرد.

نشست ششم

نام فیلم این شب‌ه: عشق

کارگردان: میسائیل هانکه

فیلمنامه: میسائیل هانکه

بازیگران: ژان لویی تریتینات، امانوئل ریوا، ایزابل هوپر

سخنران: رامتین شهبازی

خلاصه فیلم: «جورج» و «آن» در سن هشتاد سالگی خود به سر می برند. آنها هر دو مربیان موسیقی بازنشسته هستند. دختر آنها که او هم یک آهنگساز است به همراه خانواده خود جدا از پدر و مادرش زندگی می کند. روزی حمله ای به «آن» دست می دهد و عشق و علاقه آنها مورد آزمایش سختی قرار می گیرد...

- این فیلم برنده ی نخل طلای کن سال ۲۰۱۲ و اسکار فیلم خارجی می باشد.



جمع بندی جلسه

در این جلسه، محمدرضا اصلانی در ادامه‌ی بررسی مساله‌ی فاشیسم و نمود آن در سینمای امروز، به تحلیل وضعیت کوره‌های آدم‌سوزی در جنگ جهانی دوم پرداخت و فرم فیلم را مناسب با موضوع مطروحه دانست. اصلانی از کارکرد لنز با دیافراگم بسیار باز در این فیلم و گرایش برسونی فیلمساز در همین فیلم اولش گفت. در ادامه‌ی بحث سینمایی، عاقلی زاده در مورد وضعیت رشد سریع فیلمسازان جوان در سطح بین‌المللی از اصلانی سوالاتی پرسید. اصلانی با اشاره به وجود زیرساخت‌های سینمایی، فیلمساز مجارستانی را که دستیار بلا تار بوده و چند فیلم کوتاه داشته است را فیلمسازی دارای نگاه خلاقانه معرفی کرد.



نشست هفتم

نام فیلم: پسر شائول

کارگردان: لازلو نمس

فیلمنامه: لازلو نمس، کلارا رویر

بازیگران: گزا روریگ، لونت مولنار

سخران: محمدرضا اصلانی

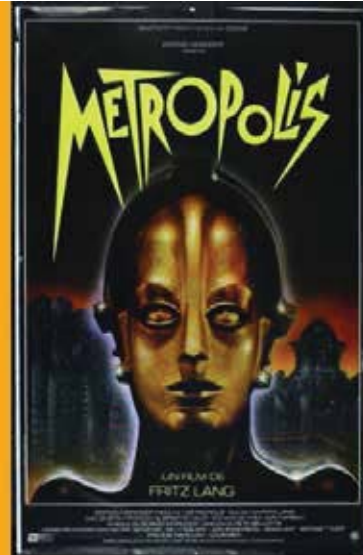
خلاصه فیلم: در سال ۱۹۴۴، یک زندانی یهودی که موظف است جنازه‌های هم نوعان خود را بسوزاند، جسدی پیدا می‌کند که به گمانش جسد پسر اوست...

- این فیلم مجارستانی که اولین فیلم دستیار کارگردان بزرگ، بلا تار می باشد، برنده ی جایزه گرند پریکس جشنواره کن سال ۲۰۱۵ و اسکار فیلم خارجی می باشد.



جمع بندی جلسه

در این جلسه دکتر اکبری به تحلیل نمادهای معماری و عناصر جداکننده‌ی طبقه‌ی کارگر و اشراف در فیلم پرداخت. پویا عاقلی زاده در بخش تحلیل سینمایی، از تاریخچه‌ی شکل‌گیری سینمای اکسپرسیونیستی و تاثیر فریتز لانگ بر آن گفت. او چگونگی شکل‌گیری این سینما را با بیرونی‌سازی محتوای روانی آسیب‌دیده‌ی بشر پس از جنگ جهانی اول تبیین کرد و به دو جریان سینمایی مهم که هر دو تاثیر گرفته از معماری بوده‌اند، یعنی سینمای اکسپرسیونیستی و سینمای مدرن آنتونیونی اشاره کرد.



انسان‌شناسی و فرهنگ
با همکاری موسسه بهاران و بانک تهران برگزار می‌کند

۸. متروپولیس (۱۹۲۷)

جلسات نمایش و تحلیل فیلم

شنبه‌های سینما و فرهنگ
مدیر جلسات: پویا عاقلی زاده

ساعت شروع جلسه	سخنران	تاریخ
۱۷:۳۰	دکتر علی اکبری	۱۱ آذر

تهیه بلیت از طریق سامانه‌ی زیر با سایت نول:
۸۸۸۹۲۳۲۸ - ۸۸۸۰۳۶۶۸
۸۸۹۰۳۶۶۳ - ۸۸۹۴۴۹۰۶

آدرس: میدان فاطمه، ج۱ جوباران، گذر نوربخش، پلاک ۲۱، موسسه بهاران

تیوال

نشست هشتم

نام فیلم این شنبه: متروپولیس

کارگردان: فریتز لانگ

فیلمنامه: تئو فون هاربو

بازیگران: بریجیت هلم، آلفرد آبل، گوستاو فرولیش

سخنران: دکتر علی اکبری

خلاصه فیلم: در شهری از زمان آینده که به دو قسمت طبقه کارگر و برنامه ریزان تقسیم شده است پسر یکی از بزرگان شهر عاشق پیامبری از طبقه کارگر می‌شود که پیشبینی کرده پیامبری خواهد آمد تا ...

-این فیلم از شاهکارهای سینمای اکسپرسیونیستی آلمان و از مصداق‌های بارز فیلم ساینس-فیکشن است که نسخه ترمیم شده آن به نمایش درخواهد آمد.



جمع بندی جلسه

فکوهی در ادامه‌ی صحبت‌های جلسات قبل در مورد رویدادهای سیاسی تاثیرگذار قرن بیستم، به معرفی خمرهای سرخ در کامبوج پرداخت که تنها چند سال پس از ویتنام وارد آنجا شدند. در این جلسه رخدادهای سیاسی بازه‌ی ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ در سیاست جهانی بیان و توسط ناصر فکوهی تحلیل شد. عاقلی زاده نیز چند سکانس تاثیرگذار فیلم را از نظر سینمایی بررسی و به معرفی فیلم بعدی رولاند جافه یعنی "Mission" پرداخت.



نشست نهم

نام فیلم: میدان های کشتار

کارگردان: رولاند جافه

فیلمنامه: بروس رابینسون

سخنران: ناصر فکوهی

بازیگران: سام واترستون، جان مالکوویچ، هاینک اس. انگور، جولیان سندز

خلاصه فیلم: «سیدنی شانبرگ» روزنامه نگار نیویورک تایمز است که جنگهای داخلی کامبوج را پوشش می دهد. او به همراه «دیت پرن» نماینده محلی تراژدیها و مشکلات جنگ را پوشش می دهند. وقتی نیروهای آمریکایی منطقه را ترک می کنند. «پرن» خانواده خود را به همراه آنها می فرستد اما خود برای کمک به «سیدنی» می ماند...

توجه: این فیلم در مورد نبردهای خمرهای سرخ در کامبوج و برنده ی اسکار بهترین بازیگر مکمل مرد و همچنین بفتای بهترین فیلم می باشد.



جمع بندی جلسه

رامتین شهبازی در این جلسه مقاله‌ی خود در زمینه‌ی "پدیدارشناسی زندگی روزمره در فیلم طبیعت بیجان" را به تفصیل توضیح داد. پویا عاقلی زاده نیز عنصر ریتم درونی و ریتم بیرونی را چه در وجود حرکت در قاب تصویر و چه در روایت کلی فیلم مهمترین ویژگی این اثر مهم سینمای ایران دانست.

انسان شناسی و فرهنگ
با همکاری موسسه بهاران و بنگاه تهران برگزار می‌کند

طبیعت بیجان (۱۳۵۳)

جلسات نمایش و تحلیل فیلم

شنبه‌های سینما و فرهنگ

مدیر جلسات: پویا عاقلی زاده

روز	ساعت	سخنران
۲۵ آذر	۱۷:۳۰	رامتین شهبازی

تهیه بلیت از طریق شماره‌های زیر با کارت توال:

۸۸۸۹۲۲۲۸ - ۸۸۸۰۳۶۶۸

۸۸۹۰۳۶۹۳ - ۸۸۹۴۴۹۰۶

آدرس: میدان فاطمه، خ جویبار، کد پستی: ۱۱، پلاک ۲۱، موسسه بهاران

توال ۲۰۲۰

نشست دهم

نام فیلم این شب: طبیعت بیجان

سخنران این جلسه: رامتین شهبازی

کارگردان: سهراب شهید ثالث

فیلمنامه: سهراب شهید ثالث

بازیگران: زادور بنیادی، زهرا یزدانی



جمع بندی جلسه

در ابتدای این جلسه، پویا عاقلی زاده به تبیین مقاله‌ی مهم "سینمای شعر" پازولینی در سال ۱۹۶۵ پرداخت؛ به گفته‌ی او در این مقاله پازولینی به شباهت ذاتی سینما و شعر می‌پردازد و در عین حال از تاریخ سینما می‌گوید که تا آن زمان نتوانسته به صورت خالص شعر باشد و همیشه روایت در سینما، بخشی از نثر را همراه فیلم کرده است. عاقلی زاده اشاره کرد که چهار سال پس از این مقاله، پاراجانف در این اثر به بیان شعرگونه‌ی سینمایی می‌رسد که از این نظر، فیلم "رنگ انار" را در تاریخ سینما مهم می‌سازد. سپس دکتر فرزان سجودی به تحلیل فیلم از سه زاویه دید مختلف پرداخت: قوم‌نگاری، سینمایی و رویکرد سیاسی - اجتماعی. او در دو نگاه اول فیلم را از لحاظ تحلیل‌گران و با ارائه‌ی عناصر توضیح‌دهنده‌ی این رویکرد، فیلم را موفق دانست اما در نگاه سوم رویکرد پاراجانف را ارتجاعی دانست. در پایان بیان سه دیدگاه سجودی، حاضران جلسه به پرسش و پاسخ در این زمینه پرداختند. در انتهای جلسه، عاقلی زاده در پاسخ به سوال یکی از حاضرین، به بیان تأثیرپذیری پاراجانف از بزرگان سینمایی کشورش چون آیزنشتاین و تارکوفسکی گفت و فیلم را پیش از این که اثری هنری باشد، یک نمونه از اجرای نظریات متعدد و تأثیرگذار بزرگان سینمایی شوروی دانست.



انسان‌شناسی و فرهنگ
با همکاری موسسه بهارن و بلیک تهران برگزار می‌کند

رنگ انار (۱۹۶۹)

جلسات نمایش و تحلیل فیلم

شنبه‌های سینما و فرهنگ
مدیر جلسه: پویا عاقلی زاده

سرخان	فرزان سجودی
شروع جلسه	۱۷:۳۰

تهیه بلیت از طریق شماره‌های زیر با سات نوا:
۸۸۸۹ ۲۲۲۸ - ۸۸۸۰ ۳۶۶۸
۸۸۹۰۳۶۹۳ - ۸۸۹۴۴۹۰۶

آدرس: میدان فاطمه، خ جویبار، کد پستی: ۱۴۱۳، پلاک ۳۱، موسسه بهارن

تبوال کچر

نشست یازدهم

نام فیلم این شنبه: رنگ انار

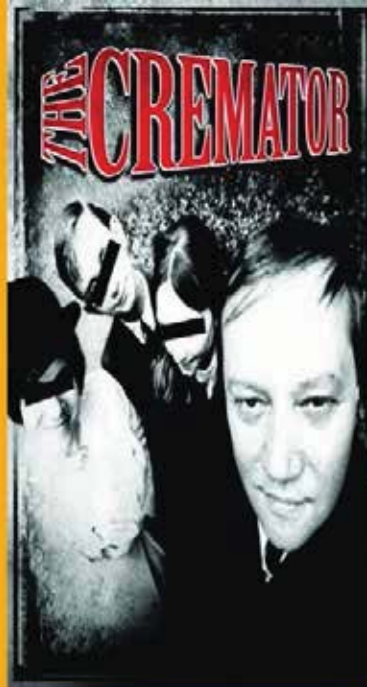
سخنران این جلسه: فرزان سجودی

کارگردان: سرگئی پاراجانف

فیلمنامه: سرگئی پاراجانف، اشعار سایات نوا

بازیگران: سوفیکو چپارلی، ملکن آلكسانیان، ویلن گالستیان

خلاصه فیلم: رنگ انار، زندگی‌نامه عاشوق ارمنی، سایات‌نوا (پادشاه نوا) است که بیشتر با دیدی شاعرانه و بصری به نمایش زندگی این شاعر می‌پردازد تا با دید ادبی. این فیلم در فصل‌های دوران کودکی و نوجوانی، دربار شاهزاده (شکست در عشق)، ورود به صومعه، رؤیاها، کهانسانی، فرشته مرگ و در نهایت مرگ شاعر را به نمایش می‌گذارد. همه این موارد با تصاویر ارائه شده از سوی پاراجانف و اشعار سایات‌نوا، قالب بندی شده‌است. یازیر زن سوفیکو چپارلی به ویژه شش نقش را هم در نقش زن و هم در نقش مرد، بازی می‌کند.



انسان شناسی و فرهنگ
با همکاری موسسه بهاران و بلیکد تهران برگزار می‌گردد

۱۲. مرده سوز (۱۹۶۹)

جلسات نمایش و تحلیل فیلم

شنبه‌های سینما و فرهنگ
مدیر جلسات: پویا عاقلی زاده

روز	ساعت	موضوع
۹ دی	۱۷:۳۰	محمدرضا اصلانی

تهیه بلیت از طریق شماره‌های زیر با سات تلوی:
۸۸۸۹۲۲۲۸ - ۸۸۸۰۳۶۶۸
۸۸۹۰۳۶۹۳ - ۸۸۹۴۴۹۰۶

آدرس: میدان فاطمه، خ جویباران، پلاک ۴۱، موسسه بهاران

تیوال کچر

جمع بندی جلسه

در تاریخ نهم دی ماه نود و شش، دوازدهمین شنبه ی سینما و فرهنگ در موسسه بهاران برگزار شد. در این جلسه، فیلم «مرده سوز» محصول ۱۹۶۹ چکسلواکی و از فیلم های شاخص موج نوی چک به نمایش درآمد و پس از آن «محمدرضا اصلانی» به ادامه ی مباحث مربوط به سینمای آوانگارد و ارائه ی تصویر فاشیسم توسط سینما پرداخت.

در این جلسه، به رسم جلسات قبل، پس از پخش فیلم، ابتدا «پویا عاقلی زاده» دبیر شنبه های سینما و فرهنگ، به تحلیل جنبه های سینمایی فیلم پرداخت. او «مرده سوز» را از دسته فیلم هایی دانست که به «روانکاوی فاشیسم» می پردازند و از مثال های دیگر آن میتوان به «دنباله رو» (۱۹۷۰) از برتولوچی اشاره کرد. همچنین او این روانکاوی را معطوف به شخص دانست و اشاره کرد که در «مرده سوز» تحلیل یک شخصیت خاص منجر به روانکاوی جریان کلی فاشیسم شده است. او بیان کرد که فیلم سمفونی ای از کلوزاپ هاست که حتی برای پیشروی از محلی به محل دیگر نیز به جای معرفی محیط، از کلوزاپی به کلوزاپ دیگر می رود که هم فضایی سوررئال را در فیلم ایجاد کرده و هم تاثیر عمیق صورت ها را به مخاطب ارائه می دهد. همچنین فیلم از روانکاوی شخصی به شکلی بهره می برد که شخصیت در فضای سوررئال در انتها با خود و اعمالش مواجه می شود.

پس از بخش ابتدایی تحلیل، «محمدرضا اصلانی» به تفصیل فیلم را مورد بررسی قرار داد. از نقش چهره سازی کلوزاپ های فیلم گفت و استفاده از لنز واید برای نمایش چهره ها به عنوان رویکردی فرمال در فیلم. او این کلوزاپ ها را پرتره های چهره های سیاسی دانست که علاوه بر تثبیت تصویرشان با کلامشان نیز مخاطب را تحت تاثیر قرار می دادند؛ همان طور که نود درصد این فیلم خطابه های شخصیت اصلی است. اصلانی در ادامه بیان کرد که این فیلم چگونه فرمی ارائه میدهد که «در کلوزاپ، نمای لانگ (باز) ببینیم» و به موازات این رویکرد فرمال، چگونه در یک فرد، جمع را ببینیم؛ همانطور که در فیزیک مدرن نیز هر جز به کلی اشاره دارد.

دوازدهمین شنبه سینما و فرهنگ در ادامه ی صحبت های قبلی محمدرضا اصلانی و دکتر ناصر فکوهی در زمینه ی بررسی فاشیسم با فیلم هایی چون «پسر شاتول» به بررسی این پدیده پرداخت و آخرین جلسه با این موضوع بود.

نشست دوازدهم

نام فیلم این شنبه: مرده سوز (۱۹۶۹)

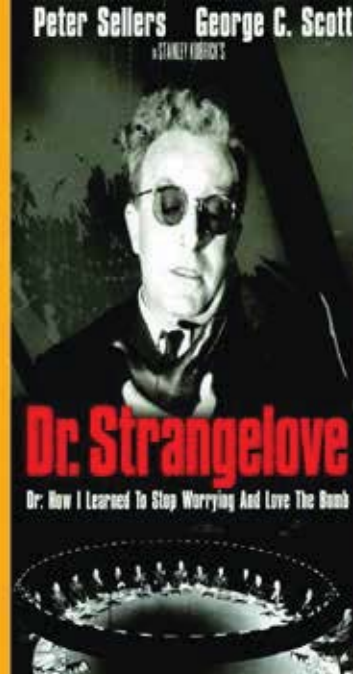
کارگردان: ژوراخ هرتز

فیلمنامه: لادیسلاو فوکس، ژوراخ هرتز

بازیگران: رودولف روسینسکی، لاستا کراموستوا

خلاصه فیلم

«کوپفرکینگل» از کار خود در کوره‌های جسدسوزی در چکسلواکی لذت می‌برد. او خواندن کتابهای تبتی در مورد مرگ را دوست داشته و از باوری که سوزاندن جسد می‌تواند عذاب را تسکین دهد حمایت می‌کند. او با «رنکه» که در جنگ جهانی اول برای اتریش جنگیده برخورد می‌کند و...



انسان شناسی و فرهنگ
با همکاری موسسه بهاران و پلک تهران برگزار می‌گردد

۱۳. دکتر استرنج‌لاو (۱۹۶۴)

جلسات نمایش و تحلیل فیلم

شنبه‌های سینما و فرهنگ
مدیر جلسات: پویا عاقلی زکده

ساختار	شماره	تاریخ
ناصر فکوهی	۱۷:۳۰	۲۳ دی

تهیه: بلبلت از طریق شماره‌های زیر با سایت نوا:
۸۸۸۹۲۳۳۸ - ۸۸۸۰۳۶۶۸
۸۸۹۰۳۶۹۳ - ۸۸۹۲۳۹۰۶

آدرس: میدان فاطمه، دج جویبار، کد پستی: ۱۵۱۱، پلاک ۲۶، موسسه بهاران

توالی

نشست سیزدهم

نام فیلم: دکتر استرنج‌لاو

سخنران این جلسه: ناصر فکوهی

کارگردان: استنلی کوبریک

فیلمنامه: استنلی کوبریک، پیتر سلرز، پیتر جرج، تری ساوترن، جیمز بی. هریس

بازیگران: پیتر سلرز، جورج سی. اسکات، ارنست هیدن

خلاصه فیلم: جک ریپر ژنرال روان‌پریش ارتش و رئیس یک پایگاه هوایی در آمریکا است که در اقدامی خودسرانه، تهاجمی هسته‌ای علیه شوروی به راه می‌اندازد و رئیس‌جمهور و سیاستمداران آمریکا پس از آگاهی از این عمل با تجمع در اتاق فرماندهی جنگ ایالات متحده به دنبال راهی برای توقف این حملات می‌گردند.

جمع بندی جلسه

در تاریخ بیست و سوم دی ماه نمود و شش، سیزدهمین شنبه‌ی سینما و فرهنگ در موسسه بهاران برگزار شد. در این جلسه، فیلم «دکتر استرنج‌لاو» (۱۹۶۴) ساخته‌ی استنلی کوبریک به نمایش درآمد و پس از آن «دکتر ناصر فکوهی» به ادامه‌ی مباحث مربوط به ارائه‌ی تصویر سیاسی جامعه توسط سینما پرداخت.

در این جلسه، به رسم جلسات قبل، پس از بخش فیلم، ابتدا «پویا عاقلی زاده» دبیر شنبه‌های سینما و فرهنگ، به تحلیل جنبه‌های سینمایی فیلم پرداخت. او در مورد چگونگی تولید فیلم «دکتر استرنج‌لاو» گفت که بر اساس قرارداد پیتر سلرز برای اجرای چهار نقش در این فیلم بوده است اما به دلیل تأکید کوبریک روی لهجه‌ی صحیح تگزاسی نقش فرمانده‌ی جنگنده‌ی هوایی از او گرفته شده است. عاقلی زاده در ادامه به توضیح سه محل اصلی فیلم و تأثیرپذیری کوبریک از دو ژانر فیلم آمریکایی در آنها پرداخت؛ او اتاق جنگ را نماینده‌ی فیلم نوآر و دار و دسته

ی خلافاکارانی که به برنامه ریزی در مورد زندگی مردم شهر (یا کشور) مشغولند دانست. هوایما را نماینده‌ی ژانر وسترن معرفی کرد که در انتها نیز فرمانده‌ی آن به حالت اسب سواری روی موشک پرواز میکند و فضای موجود در اتاق کار استرلینگ هیدن (ژنرال ریپر) را برآمده از شخصیت ولگرد او در فیلم‌های نوآر مانند «جنگل آسفالت» دانست که کوبریک در این فیلم، این ولگرد را در قالب یک کمدی تلخ، عامل جنگی بزرگ معرفی کرده است. در پایان بخش اول جلسه، عاقلی زاده به تأثیر نگاه کوبریک در مورد استفاده از موسیقی مفرح روی تصاویر ترسناک بشری به ویژه در صحنه‌ی پایانی فیلم اشاره کرد که به عنوان عنصری مهم در ادامه‌ی مسیر کوبریک در سینما شناخته شده است.

پس از بخش ابتدایی تحلیل، «دکتر ناصر فکوهی» به تفصیل موقعیت فیلم را مورد بررسی قرار داد. او که پیش از این در سه فیلم «زندگی دیگران»، «جعبه موسیقی» و «میدان‌های کشتار» به بررسی فاشیسم و جنگ‌های معاصر پرداخته بود، در تحلیل «دکتر استرنج‌لاو» به مشابهت‌های شخصیت‌ها و موقعیت‌های فیلم با شخصیت‌ها و موقعیت‌های امروز در دنیای سیاسی جهان پرداخت. فکوهی پس از مطرح کردن سوالاتی در مورد تکنولوژی‌های معرفی شده در فیلم‌های کوبریک به ویژه در «۲۰۰۱: یک اودیسه فضایی» به بررسی منشا الهام کوبریک در مورد این تکنولوژی‌های امروزی که بیش از چهل سال پیش در فیلم‌های کوبریک قابل مشاهده بوده است پرداخت. او وجود دستگاه‌ها و سیستم‌هایی چون «ماشین رستاخیز» در فیلم «دکتر استرنج‌لاو» را برآمده از واقعیت تسلیحاتی آن زمان دانست و بیان کرد که تمامی این موارد مطرح شده در دنیای امروز نیز حضور دارند و دوران جنگ بعدی هرگز به شکل گذشته و با نبرد روبرو نخواهد بود. بلکه نقش اصلی جنگ احتمالی آینده از نوع فشار بیش از حد بر مردم خواهد بود که بنا بر پیش بینی دانشمندی صاحب نام، صاحبان و استفاده‌کنندگان از تسلیحات هسته‌ای و اتمی پیروز آن هستند. دکتر فکوهی در پایان جلسه توجه حاضرین را به کسب دانش روز سیاسی از طریق منابع واقعی جلب کرد.



انسان شناسی و فرهنگ
با همکاری موسسه بهاران و پلک تهران برگزار می کند

۱۴. کف دست های سفید (۲۰۰۶)

جلسات نمایش و تحلیل فیلم

شنبه های سینما و فرهنگ
مدیر جلسه: پویا عاقلی زاده

روز	ساعت	مکان
۱۷:۳۰	۱۷:۳۰	موسسه بهاران

تهیه: پلوت و طریق شماره های زیر با سایت نتوال:
۸۸۸۹ ۲۲۲۸ - ۸۸۸۰ ۳۶۶۸
۸۸۹۰ ۳۶۶۳ - ۸۸۹۴ ۳۹۰۶

آدرس: میدان فاطمی، خ جویبار، کد پستی: ۱۴۱، موسسه بهاران

نتوال

جمع بندی جلسه

در تاریخ هفتم بهمن ماه نود و شش، چهاردهمین شنبه ی سینما و فرهنگ به دبیری پویا عاقلی زاده در موسسه بهاران برگزار شد. در این جلسه، فیلم «کف دست های سفید» (۲۰۰۶) ساخته ی سابولت آیدو محصول مجارستان که جزو فیلم های ارسالی به جشنواره فیلم شهر تهران نیز بوده است، به نمایش درآمد و پس از آن «خسرو سینایی» به گفتگو در مورد سینمای هنری مجارستان و آثار جدید و پیشرویی چون این فیلم پرداخت. در این جلسه، به رسم جلسات قبل، پس از پخش فیلم، ابتدا «پویا عاقلی زاده» دبیر شنبه های سینما و فرهنگ، به تحلیل جنبه های سینمایی فیلم با توجه به جلسات برگزار شده ی شنبه ها پرداخت. او پس از اشاره به شیوه ی حذف وحدت زمان و مکان در روایت موازی سینمایی که در سکانس درخشان اوج فیلم صورت میگیرد، این فیلم را نیز همچون «مرد سوز» (که جلسه ی آن با تحلیل محمدرضا اصلانی برگزار شده بود) از دسته فیلم های روانکاوی فاشیسم دانست که رشد شخصیتی را به مثابه ی رشد ایده ی فاشیسم در نظر میگیرند. او اشاره کرد که در این فیلم، در سکانس روایت موازی سیرک و مسابقه ی ژیمناستیک، حضور کودکی و بزرگسالی شخصیت اصلی جابه جا می شود و در انتها، او در کودکی می میرد ولی در بزرگسالی ابدیل به دلک سیرک در لاس وگاس می شود. این جنبه ی زیبایی از فیلم است که با رد منطق روند خطی زندگی، معنای ویژه ی خود را به مخاطبش منتقل می کند.

«خسرو سینایی» از شباهت های وضعیت جوامع اروپای شرقی مانند لهستان و مجارستان با جامعه ی ما گفت و اشاره کرد که ۵۰ سال است توجه مخاطب ایرانی را بیش از سینمای غرب و هالیوود به سینمای این منطقه جلب می کند. پس از تماشای فیلم، سینایی توجه حاضرین را به شیوه ی مونتاژ و چگونگی برخورد دوربین با حرکت یا عدم حرکت در محتوای فیلم جلب کرد. سینایی پس از شنیدن نظرات حاضرین در مورد فیلم، به این نکته اشاره کرد که متأسفانه فهم غالب جامعه از فیلم، بیان قصه ی آن هست و مخاطب به زبان سینما توجهی ندارد؛ در صورتی که زبان سینماست که در سال ۲۰۰۶ چنین اثری را اینقدر تاثیرگذار می کند. خسرو سینایی در پایان جلسه حاضرین را دعوت کرد تا از سینما به عنوان هنر لذت ببرند و سلیقه و دیدگاه خودشان به این هنر را ارج نهند.

نشست چهاردهم

نام فیلم این شنبه: کف دست های سفید (۲۰۰۶)

سخنران این جلسه: خسرو سینایی

کارگردان: زابولک هاجو

فیلمنامه: ازابولک هاجو

بازیگران: نیکولاس هاجو، ژرژ دینیشا

خلاصه فیلم: مربی ژیمناستیک موفقی که به کانادا می رود تا شاگردانی را آموزش دهد، بر اثر تنبیه یکی از شاگردانش که اعتصاب کرده بوده، به یاد دوران معلم و شاگردی خودش می افتد و مربی به رقابت با شاگردش می پردازد.



جمع بندی جلسہ

در این جلسه که با حضور محمدرضا اصلانی، سازنده‌ی فیلم و فرخ مجیدی فیلمبردار آن برگزار شد، ناصر فکوهی به تحلیل سیاسی - اجتماعی "شطرنج باد" پرداخت و آن را بیانگر وضعیت ایران بین دو واقعه‌ی مهم یعنی تغییر حکومت دانست. او فیلم را بیانگر تاریخ ایران بین مدرنیته، سنت، بازار و صنعت (هر کدام نمادین شده در یکی از شخصیت‌های فیلم) دانست و به تفصیل از جداسازی‌های مکانی و میزانشی مدرنیته و سنت در استفاده‌ی فیلم از معماری گفت. در ادامه‌ی جلسه، محمدرضا اصلانی از تعمدی بودن انتخاب نمادها در فیلم گفت و این که شاید معنای آنها فراتر از حد انتظار او رفته باشد ولی انتخابشان آگاهانه بوده است. اصلانی همچنین بیان کرد که خودش طراحی صندلی چرخ‌داری که در فیلم خانم کوچیک (فخری خورش) روی آن می‌نشیند انجام داده است. اصلانی و فکوهی هر دو به استفاده‌ی خاص از فلش‌فوروارد در این فیلم اشاره کردند و فکوهی نمای آخر فیلم را نمایی مرتبط با رویکرد تاریخی فیلم دانست که آن را از زمان غالب فیلم (اوایل سده‌ی ۱۳۰۰ شمسی) به زمان حال فیلم (۱۳۵۵) می‌آورد. پس از او عاقلی زاده، دبیر جلسه، از ویژگی‌های میزانشی و دکوپاژی فیلم گفت و آن را اثری بی‌نظیر در پرداخت دقیق به عناصر مهم سینمایی دانست. فرخ مجیدی، فیلمبردار اثر از تجربیات خاص خودش در این فیلم گفت که از نظر نورپردازی و کارکرد دوربین در تاریخ سینمای ایران فیلمی خاص است. او در جواب عاقلی زاده به استفاده از تجربه‌ی نورپردازی یک سال قبل استنلی کوبریک در "بری لندن" (۱۹۷۵) گفت که در آن زمان، به مدیریت فیلمبرداری هوشنگ بهارلو، با امکانات محدود داخلی و با توجه بهمن فرمان‌آرا، تهیه‌کننده‌ی فیلم، تعدادی لنز آسفریکال وارد ایران شد و نورپردازی خاص این فیلم صورت گرفت که البته هنوز نسخه‌ی موجود (که از روی پوزیتو به دست آمده از فیلم، ترمیم شده است) نمایانگر حاصل تصویر به دست آمده از تلاش‌های آنها در این اثر خاص سینمای ایران نیست.

نشست یازدهم

فیلم این شنبه: شطرنج یاد (۱۳۵۵)

سخنران این جلسه: ناصر فکوهی

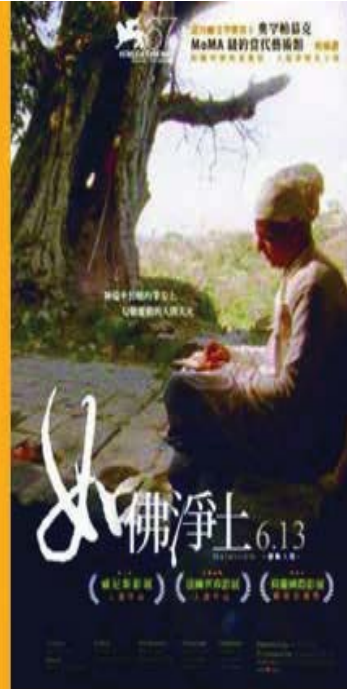
کارگردان: محمد رضا اصلانی

فیلمنامہ: محمد رضا اصلانی

تهیه کننده: بهمن فرمان آرا

بازیگران: فخری خورش، محمدعلی کشاورز، اکبر زنجانیور، حمید طاعتی، آفاقان رفیعی، با معرفی شهره آغداشلو (کنیزک) و شهرام گلچین (شعبان).

خلاصه فیلم: شطرنج باد ساخته ۱۳۵۵ محمدرضا اصلانی است که به ماجرای قتل بزرگ یک خانه ی قاجاری می پردازد. در این فیلم، ارباب خانه (فخری خوروش) و خانواده نوکران و کلفتان (به سرکردگی اکبر زنجانیپور) در تقابل قرار دارند و اولین نقش آفرینی شهره آغداشلو در نقش کنیزک در سینمای ایران نیز هست.



انسان شناسی و فرهنگ
با همکاری موسسه بهاران و پلک تهران برگزار می کند

۱۷. ناینسوخ نقاش هندی (۲۰۱۰)

جلسات نمایش و تحلیل فیلم

شنبه های سینما و فرهنگ
مدیر جلسات: پویا عاقلی زاده

تاریخ	مختار	شروع جلسه
۱۳ اسفند	محمدرضا اصلانی	۱۷:۳۰

تهیه بلیت از طریق شماره های زیر با سایت توان:
۸۸۸۹۳۳۲۸ - ۸۸۸۰۳۶۶۸
۸۸۹۳۶۹۳ - ۸۸۹۴۴۹۰۶

آدرس: میدان فاطمه، خ. جویبار، کد پستی: ۱۶۱، موسسه بهاران

تیوال

نشست شانزدهم

: فیلم: ناینسوخ

سخنران این جلسه: محمدرضا اصلانی

کارگردان: آمیت دوتا

جمع بندی جلسه:

در تاریخ پنجم اسفند ماه نود و شش، شانزدهمین شنبه ی سینما و فرهنگ در موسسه بهاران برگزار شد. در این جلسه، فیلم [زلیگ] (۱۹۸۳) ساخته ی وودی آلن به نمایش درآمد و پس از آن [دکتر ناصر فکوهی] به ادامه ی مباحث مربوط به ارائه ی تصویر سیاسی جامعه توسط سینما پرداخت.

در این جلسه، به رسم جلسات قبل، پس از پخش فیلم، ابتدا [پویا عاقلی زاده] دبیر شنبه های سینما و فرهنگ، به تحلیل جنبه های سینمایی فیلم پرداخت. او فیلم را بیانگر سه تاریخ دانست: [تاریخ سیاسی-اجتماعی آمریکا از ۱۹۲۸ تا جنگ جهانی دوم]، [تاریخ روانشناسی در قرن بیستم] و [تاریخ فیلم مستند در همین قرن]. او با اشاره به ارجاعات همیشگی وودی آلن به روانکاوی، از نمایش چهره ای شبیه کارل گوستاو یونگ در فیلم و نمایش چهره ی دکترهای مختلف به عکس معروف روانشناسان قرن بیستم اشاره کرد. از جنبه ی سینمایی، او این تقلید وودی آلن از یک فرم رایج مستند پرتره (که دروغین بودن آن از همان ابتدا مشخص است!) را راهی برای نقد همین فرم دانست. عاقلی زاده اشاره کرد که فیلم با نمایی مهم در تاریخ مستند یعنی ورود قطار به شهر آغاز می شود که هم یادآور فیلم برادران لومیر در ابتدای سینماست و هم اشاره به [مردی با دوربین فیلمبرداری] ژیاگ ورتوف دارد. او این روند را در فیلم مهم دانست تا جایی که به بزرگترین مساله ی سینمایی مستند اشاره ای می شود. یعنی وقتی که در فیلم برای ثبت واقعیت یک تجربه ی آزمایشگاهی دوربین به شکل نامحسوسی فیلم می گیرد! و وودی آلن این نگاه را کاملاً به مضحکه گرفت وقتی که بیمار به سرعت متوجه دوربین شد و برای آن دست تکان داد. دبیر جلسات شنبه های سینما و فرهنگ در پایان، فیلم را در نگاه کلی اش مشابه داستان کوتاه [نامه ای به فرهنگستان] از فرانز کافکا دانست.

پس از بخش ابتدایی تحلیل، [دکتر ناصر فکوهی] به تفصیل فیلم را مورد بررسی قرار داد. او که پیش از این در چهار فیلم [زندگی دیگران]، [جعبه موسیقی]، [میدان های کشتار]، [دکتر استرنجلاو] و [شطرنج باد] به تحلیل سیاسی-اجتماعی فیلم ها پرداخته بود، [زلیگ] وودی آلن را بیش از هر برداشتی، نمایش ظهور فاشیسم دانست. او به طنز یهودی و تاثیرپذیری وودی آلن از آن سخن گفت و اشاره کرد که این طنز معمولاً برای قشر روشنفکر آنها بوده است. دکتر فکوهی در پرداخت به زلیگ از مفهوم [مرز] از نگاه مری داگلاس استفاده کرد. او بر این اساس مرز را عاملی دانست که می تواند یک عنصر را از قداست به سوی دیگر مرز یعنی نجاست ببرد. در ادامه فکوهی از وضعیت مستند تقلبی و تقلبی بودن فیلم با هر تعریفی گفت و اشاره کرد که ادعای واقعی بودن فیلم ها در سینمای ایران با ارجاع به دسیکا و روسلینی مساله ای غیرقابل هضم است.

جلسات [شنبه های سینما و فرهنگ] سعی دارد با نگاهی فرهنگی و بینامتنی به سینمای جهان، در مسیری مستمر نگاهی نو به سمت ارتقای فرهنگ جمعی باشد. این جلسات به همت انسان شناسی و فرهنگ با مدیریت دکتر ناصر فکوهی، با همکاری موسسه بهاران، سینما نوستالژیا و پلک تهران و به دبیری پویا عاقلی زاده، هر شنبه ساعت ۱۷:۳۰ در موسسه بهاران برگزار می شود. فیلم بعدی درباره ی نقاشی هندی به نام [ناینسوخ] با تحلیل [محمدرضا اصلانی] خواهد بود. ضمناً فایل صدای همه ی جلسات در کانال های مربوط در دسترس علاقمندان است.

کتابخانه
دانش‌شناسی و فرهنگ



گزارشی از یکشنبه‌های انسان‌شناسی و فرهنگ

پنجمین دوره از سلسله نشست‌های یکشنبه‌های انسان‌شناسی و فرهنگ در حال برگزاری است. همان گونه که از عنوان پیداست یکشنبه‌های انسان‌شناسی و فرهنگ، هر یکشنبه (ساعت ۱۶ تا ۱۹) برگزار می‌شود؛ این نشست‌ها هر سال از مهرماه آغاز شده و تا خردادماه سال بعد ادامه می‌یابد. هر نشست شامل موضوعی در حوزه فرهنگ است و با نمایش فیلم و انجام سخنرانی‌های علمی برگزار می‌شود. در سال ۱۳۹۶ مجموعاً ۲۵ نشست برگزار شد که گزارشی از آن‌ها در ذیل تقدیم می‌شود.

مادی است. و از همین رو است، که تخریب قدرت مادی (ابزاری - بیرونی)، لزوماً منجر به تخریب قدرت درونی (ذهنی - درونی) نمی‌شود و قدرت همواره خود را در ابتدا و در انتها در سطح زبان ساخته و باز می‌سازد و در سطح زبان نیز قابل دگرگون شدن است. در یک کلام میزان موفقیت قدرت در بازتولید خود به میزان انتقال خود از شکل مادی - واقعی به شکل غیر مادی - نمادین دارد. این نظریه برخلاف آنچه ممکن است به نظر برسد با نظریه فوکویی «مراقبت و تنبیه» در تضاد نیست و این نکته دیگر مورد تأکید ما با ذکر مصادیق از تاریخ قرن بیستم خواهد بود.

درباره فیلم کوچ خاک:



چهار نوجوان افغان در کودکی همراه خانواده به دلیل جنگ‌های داخلی افغانستان به ایران مهاجرت کرده‌اند و از آرزوهای دست نیافتنی‌شان می‌گویند. در این مستند به برخی از مشکلات روحی و اجتماعی مهاجرین افغانی در مواجهه با ایرانیان اشاره می‌شود.



نشست صد و سیزدهم:

سازوکارهای اجتماعی رابطه قدرت و زبان

در این نشست که در ۲۰ فروردین ۱۳۹۶ برگزار شد دکتر ناصر فکوهی سخنرانی کرد و فیلم «کوچ خاک» اثر رایا نصیری به نمایش در آمد. چکیده این سخنرانی در ادامه آورده می‌شود:

زبان به ویژه از دیدگاه بسیاری از زبان‌شناسان که نگاهی «درونی» به آن دارند (مثلاً زبان‌شناسان ساختاری) به «ابزاری» شباهت دارد که صرفاً حاصل تحول میلیون‌ها ساله انسان بوده و با فرایندهای آموزشی قابل انتقال و استفاده بیشتر ارتباطی به صورتی یکسان از سوی همگان است. در دیدگاه علوم سیاسی و گاه حتی در رویکردی در علوم اجتماعی (مارکسیسم به ویژه در نظریه کنش لنینی) نظام مادی بیرونی و چگونگی رابطه با آن (مثلاً با ابزارهای تولید در زبان مارکس و با ابزارهای حزبی در زبان لنین) است که قدرت را تولید و بازتولید می‌کند. اما در بحثی که در این جلسه از دیدگاه انسان‌شناسی سیاسی و با تکیه بر نظرات بوردویسی نسبت به زبان خواهیم داشت، تلاش می‌کنیم چگونگی «ساخته شدن اجتماعی» زبان را تحلیل کنیم و نشان دهیم که چگونه در میان دو عنصر مادی (ابزاری - رفتاری) و غیر مادی (ذهنی) تولید، انباشت، توزیع، استفاده و بازتولید قدرت و خشونت، اولاً زبان نقش اساسی را دارد و ثانیاً این نقش را از طریق سازوکارهای پیچیده از سطح عنصر بیرونی قدرت (آمریت حاکم) به سطح عنصر درونی قدرت (اطاعت) منتقل می‌کند. به عبارت دیگر تلاش می‌کنیم نشان دهیم چگونه نابرابری در تولید و توزیع و استفاده از زبان، عامل اصلی، تفوق خشونت نمادین به مثابه عامل کنترل‌کننده و بازتولید قدرت مادی و غیر

نشست صد و چهاردهم:

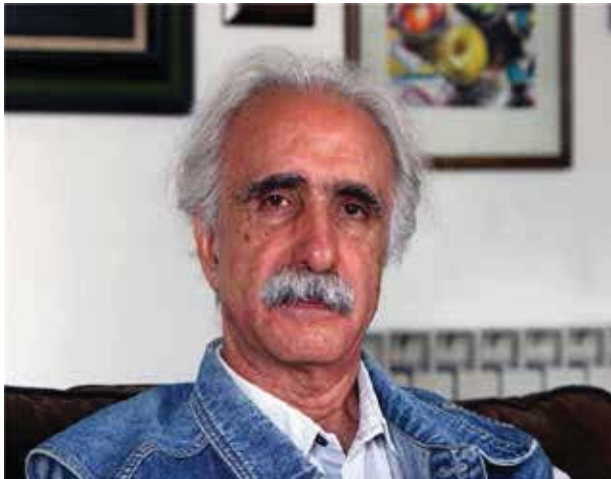
بررسی اجتماعی ادبیات نمایشی در ایران

نشست «بررسی اجتماعی ادبیات نمایشی در ایران» در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۹۶ برگزار شد و در آن خانم فریندخت زاهدی (پژوهشگر تئاتر و استاد دانشگاه) سخنرانی کرد. همچنین فیلم مستند «صورت خوانی» اثر هادی آفریده نمایش داده شد.

درباره فیلم صورت خوانی:

به تاریخچه پرده خوانی در ایران و صحبت با بازماندگان این هنر پرداخته و با مرشد حسن میرزاعلی، مرشد محمداحمدی، مرشد ذبیح‌الله بهاری، مرشد رسول میرزاعلی، مرشد محسن میرزاعلی و مرشد حاج‌علی صادقی‌پور (مرشد قمی) گفتگو می‌کند، در ضمن مشکلات این کار بیان می‌شود.





نشست صد و پانزدهم:

نگاهی اجتماعی به مفهوم تاریخ ملی؛ زندگی و سهم فرصت شیرازی

یادداشت ناصر فکوهی درباره محمد رضا اصلانی

محمد رضا اصلانی متولد ۱۳۲۲ در رشت و دانش آموخته دانشکده هنرهای تزئینی در نقاشی است. اصلانی در تجربه فرهنگی گستره و بزرگ خود، گوناگونی شگفت‌انگیزی از مهارت‌های فکری و هنری را گرد آورده است. او در نیمه دهه ۴۰، همزمان با آغاز به فعالیت رادیو تلویزیون ملی ایران همکاری خود را با این موسسه زیر نظر فریدون رهنما در فعالیت‌های گرافیک و فیلمسازی آغاز کرد و از همان ابتدا در آثار خویش هم خبر از تاثیر گزاری اسطوره‌ها و تاریخ ایران را نشان می‌داد و هم یک نوآوری کاملاً پیشتر از زمانه اش. این همان دوره ای است که اصلانی بیشتر از سر تصادف از نقاشی به سوی سینما کشیده شد، در حالی که ادبیات و علاقه به آثار ادبی کهن ایرانی از نوجوانی با او بود.

گرایش او به سینما همچون ادبیات از ابتدا رنگ و بویی بروشنی از عرفان داشت. در حقیقت، آشنایی او با فلسفه و هنر غرب که بسیار زود و از همان دوران جوانی انجام گرفت و او را با فلسفه اگزیستانسیالیستی، با سینمای موج نو فرانسه و هنر نقاشی کلاسیک ومدرن اروپایی آشنا کرد، با پیشینه آشنایی او با ادبیات کلاسیک ایران ترکیب شد و تا به امروز با او باقی ماند به صورتی که اثر این فرایند را بر تقریباً تمام کارهای وی می‌توان دید.

در سینمای اصلانی از نخستین فیلمش جام حسنلو (۱۳۴۶) که نمونه آخری از آن را در همین اواخر بار دیگر ساخت (۱۳۹۴)، تا شطرنج باد (۱۳۵۵)، چیغ (۱۷۵) و تا واپسین فیلم‌هایش: «تهران، هنر مفهومی» (۱۳۸۷) و «آتش سبز» (۱۳۸۶) یک خط منسجم فکری را در زمینه فلسفه، احساس شاعرانه و استفاده از سینما به مثابه ابزاری برای بیان فلسفی - شاعرانه می‌توان مشاهده گر. جایگاه اصلانی در فرهنگ و هنر ایران در طول پنجاه سال کار فعال او که هرگز نه تنها قطع نشد بلکه یک پیوستار کامل را

در این نشست که در تاریخ ۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ برگزار شد آقای محمد رضا اصلانی (فیلمساز، پژوهشگر و عضو شورایی عالی انسان‌شناسی و فرهنگ) کرد و فیلم «آثار العجم» اثر آقای حسن نقاشی نمایش داده شد. همچنین در این نشست آقای مهندس فرصت (از اعضای خاندان فرصت شیرازی و مدیر مدرسه معماری فرصت) به عنوان مهمان افتخاری نشست، سخنرانی کوتاهی داشتند.

درباره فیلم آثار العجم



مستند «آثار العجم» درباره نخستین کتاب تخصصی ایرانی در خصوص بناهای تاریخی کهن ایران است. این کتاب توسط فرصت الدوله شیرازی بعد از تحمل سختی‌های بیست ساله در تعداد محدودی به چاپ رسیده که مجموعه ای از نقوش، خطوط و نمادهای پارسی می‌باشد.

انقلاب ۱۳۵۷، فیلم «کودک و استثمار» (۱۳۵۸-۱۳۶۰) از او یکی از بهترین نمونه‌های فیلم مستند گزارشی است که رویکردهای انسان‌گرایانه و عدالت‌خواهانه اصلائی در آن به خوبی مشهود است. سینمای اصلائی و کمتر از آن شعر و فلسفه او به صورت گسترده‌ای در ادبیاتی که وی به صورت مستقیم از خلال انتشار کتاب‌هایش به ویژه آخرین آنها «دگر خوانی سینمای مستند» (۱۳۹۴) منتشر کرده، قابل دنبال کردن است. و شاید بتوان گفت که او از جمله نادر فیلمسازانی است که به حضور رسانه‌ای در قالب اندیشمندانه و در متون روشنفکرانه اهمیت بسیار زیادی می‌داده است. تجربه اصلائی به مثابه ناشر در نشر نقره در دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ که بیش از یک دهه ادامه داشت، بدون شک در این زمینه موثر بوده است. محمد رضا اصلائی، یکی از شخصیت‌های مورد پژوهش در پروژه انسان‌شناسی تاریخ فرهنگ مدرن ایران بوده است و یک مصاحبه بسیار طولانی از او و چندین مصاحبه تصویری از وی در اختیار انسان‌شناسی و فرهنگ است که به تدریج منتشر خواهند شد.

رقم زده است که گویای جایگاهی برای عاشق به فلسفه و احساس و زیباشناسی است. این حس‌ها را اصلائی از یک سو به فیلم‌هایش منتقل می‌کند و از سوی دیگر، با این کار گویی به دنبال آن نیز هست که هویتی بسازد که برای خمیرمایه آن از تاریخ و شعر و اسطوره‌شناسی ایرانی در عمیق‌ترین معنای آن، بهره می‌گیرد؛ هویتی در خور ایرانی که به گمان او، امروز تاریخ و هویت خود را گم کرده است. اما اصلائی این کار را با همان فاصله‌ای از خودباختگی در برابر غرب انجام می‌دهد که با دوری جستن از توهمان ملی‌گرایانه و سطحی، از این رو حتی هنگامی که وی به ساختن مجموعه‌هایی برای تلویزیون نیز دست می‌زند همچون «سمک عیار» (۱۳۵۳) «منطق الطیر» رد پای عرفان از یک سو و مدرنیسم روشنفکرانه و فلسفه غرب از سوی دیگر در کار او برجسته هستند. سینما و شعر اصلائی مخاطبان گسترده را هدف نمی‌گیرد؛ سینمای صنعتی را نفی نمی‌کند اما آن را کار خود نمی‌داند و در سینما هنری همچون نقاش یا ظرفی در حد شعر می‌بیند. با وجود این، او نخبه‌گرا نیز نیست. به نظر می‌رسد برای او رسالت هنرمند در بالا بردن خواسته‌ها و سلاطین مخاطب است و مخاطب از نظر او لزوماً نباید عام و خالی از اندیشه در نظر گرفته شود. انتقادی که اصلائی دائماً نسبت به تاریخ فرهنگ ما در دوران مدرن دارد، نیز در همین است که این تاریخ یا بهتر بگوییم این نا-تاریخ از ده ۱۳۴۰، به شدت تحت تأثیر حوزه سیاسی به سوی تقویت کردن سلاطین پیش پا افتاده و حتی یک لومپنیسم و ابتدال هدایت شده است، بدون آنکه فرصتی به هنر ارزشمند و عمیق برای عرضه اندام بدهد. هرچند نمیتوان سینمای اصلائی را در رده فیلم اجتماعی و واقع‌گرایانه قرار داد، اما دستکم در ابتدای





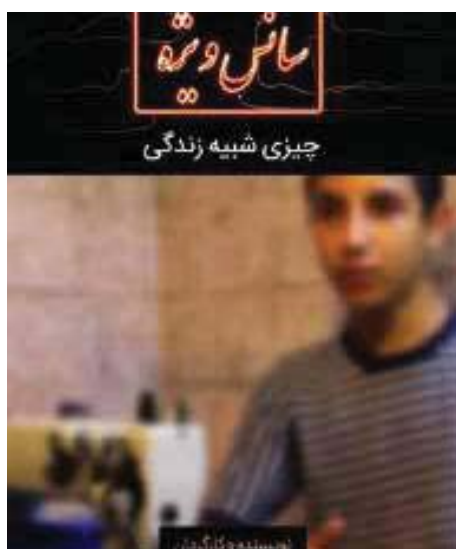
نشست صد و شانزدهم:

کودک و آسب پذیری اجتماعی

در این نشست که در 10 اردیبهشت 1396 برگزار شد، خانم دکتر مروّنه وامقی (روانپزشک و استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی) درباره «ارزیابی وضعیت کودک خیابانی شهر تهران» و خانم مهرناز عطاران (کارشناس ارشد طراحی شهری و فعال اجتماعی) درباره «مسائل و چالش‌های کودکان آسب پذیر در فضاهای شهری» سخنرانی کردند و فیلم «چیزی شبیه زندگی» اثر آقای عابس برهان نمایش داده شد.

درباره فیلم چیزی شبیه زندگی

این فیلم متعلق به مجموعه «سانس ویژه» اثر عابس برهان است. در این مستند، فیلم سینمایی «سیزده» در جمع کودکان کار اکران می‌شود؛ کودکانی که هر کدام قربانی اوضاع خانوادگی آشفته هستند. بعد از تماشای فیلم هم با بچه‌ها در مورد موضوع آن صحبت می‌شود که واکنش‌های آن‌ها قابل تأمل است.



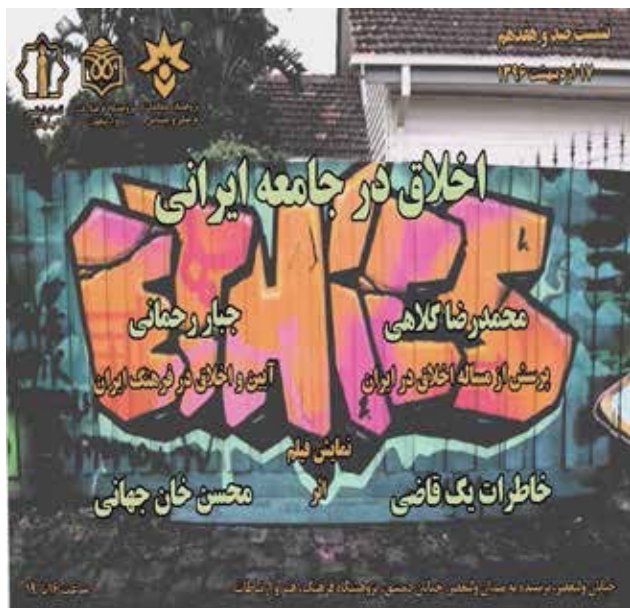
نشست صد و هفدهم:

اخلاق در جامعه ایرانی

نشست «اخلاق در جامعه ایرانی» در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ برگزار شد. در این نشست آقای دکتر محمدرضا کلاهی (عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی) درباره «پرسش از مساله اخلاق در ایران» و آقای دکتر جبار رحمانی (عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و عضو شورای مرکزی انسان‌شناسی و فرهنگ) درباره «آیین و اخلاق در فرهنگ ایران» سخنرانی کردند. همچنین فیلم «خاطرات یک قاضی» اثر محسن خانجهرانی به نمایش درآمد.

درباره فیلم «خاطرات یک قاضی»

مستند «خاطرات یک قاضی» به زندگینامه و خاطرات مسعود مرادی داور بین‌المللی پرداخته است. مسعود مرادی داور است که تا به حال بازی‌های پر حاشیه زیادی را سوت زده. او از کودکی علاقه زیادی به این حرفه داشته؛ طوری که بازی بچه‌های محل را هم داور می‌کرده. مرادی از سختی‌های حرفه‌اش می‌گوید؛ از مسائلی که بین همکاران وجود دارد، تا نداشتن صنف و دلخوری از کم‌لطفی تماشاگران.





نشست صد و هجدهم:

آسیب‌شناسی اجتماعی آموزش

نشست صد و هجدهم در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ با سخنرانی خانم دکتر مینو امیرقاسمی درباره «آسیب‌شناسی آموزش با تاکید بر آموزش زبان فارسی برای کودک آذربایجانی» برگزار شد. همچنین در این نشست تعدادی از فیلم‌های کوتاه آموزشی عباس کیارستمی در کانون پرورش فکری نمایش داده شد.



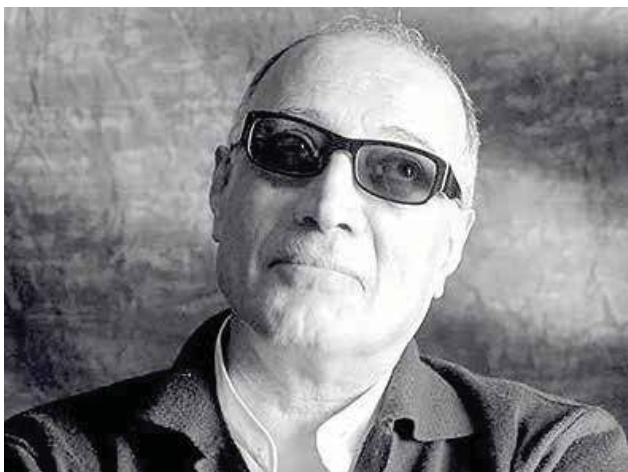
نشست صد و نوزدهم:

آسیب‌شناسی حرکت در شهر

نشست «آسیب‌شناسی حرکت در شهر» در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ برگزار شد. در این نشست همچون نشست صد و هفدهم، مناسبت اولین سالگرد درگذشت عباس کیارستمی فیلمی از ایشان نمایش داده شد. عنوان فیلم منتخب «همشهری» بود و همچنین آقای عباس مشهدی زاده در یادبود کیارستمی صحبت کردند. سخنرانی‌های جلسه توسط آقای دکتر محسن فلاح زواره (دکتری تخصصی عمران از دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی) درباره «رویکرد سیستم ایمن در به صفر رساندن تلفات و جراحات شدید در تصادفات» و خانم آتوسا آفاق پور (کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری و عضو هیات علمی پژوهشکده فرهنگ هنر و معماری جهاد دانشگاهی) درباره «رابطه مولفه‌های محیطی و حرکت پیاده در شهر» انجام شد.

درباره فیلم همشهری اثر عباس کیارستمی

فیلم همشهری محصول سال ۱۳۶۲ است، این فیلم مستندی درباره اولین طرح کنترل ترافیک در تهران است. شخصی (به عنوان مسئول) کوشش می‌کند که در یکی از خیابان‌های تهران ترافیک را کنترل کرده و به مردم اجازه قانون شکنی ندهد. فیلم روایتگر انجای متفاوت برخورد این شخص با افراد مختلف و موقعیت‌های جالبی است که ایجاد می‌شود.



درباره عباس مشهدی زاده



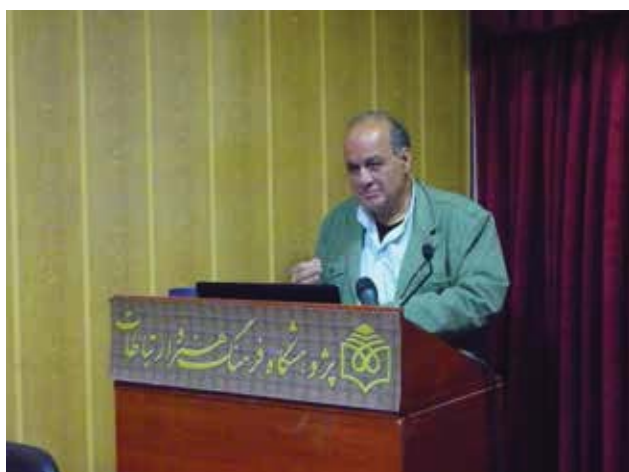
عباس مشهدی‌زاده در سال ۱۳۱۷ در روستایی در کناره جنوبی رود ارس در جلفای ایران به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۲۲ به همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و در سال ۱۳۳۴ وارد هنرستان هنرهای زیبا شد. مشهدی‌زاده در سال ۱۳۴۷ مدرک کارشناسی خود را در رشته معماری از دانشکده هنرهای تزئینی دریافت کرد. وی در سال ۱۳۸۱ موفق به اخذ نشان درجه یک هنر (معادل دکتری) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. او تنها هنرمند مجسمه‌ساز ایرانی است که با داوری استاد علی‌اکبر صنعتی به این افتخار نائل آمد. همچنین از کوشندگان احیای هنر مجسمه‌سازی با ساختن مجسمه‌های مشاهیری مانند سعدی، رازی و محتشم کاشانی برای پارک ملت است که در سال ۱۳۶۸ در پارک ملت نصب شد. وی عضو شورای فنی و استاد آموزش کارگاهی و دروس نظری هنر در هنرستان هنرهای زیبای پسران تهران از سال ۱۳۸۳ است و مجسمه‌هایش را همواره با چوب، گچ، آهن و رزین می‌سازد. مشهدی‌زاده همچنین از کوشندگان احیای هنر مجسمه‌سازی با ساختن مجسمه‌های مشاهیری مانند سعدی، رازی و محتشم کاشانی برای پارک ملت است. او در این حرکت فرهنگی، همراه کامران کاتوزیان، چنگیز شهوق، علیمحمد مددی، حسین قره‌گزلو و حمید شانس بود. وی از نویسندگان اساس‌نامه انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران برای گشایش انجمن در سال ۱۳۶۸ بود. مشهدی‌زاده دو کتاب درباره تاریخ هنر ایران و طراحی برای رشته‌های معماری دارد. کتاب سه جلدی «تاریخ هنر ایران» این مدرس دانشگاه به تاریخ هنر ایران از دویست سال پیش تا به امروز و هنرمندان و جریان‌های تاثیرگذار این دوره‌ها پرداخته است. موضوع اصلی این کتاب‌ها براساس جزواتی شکل گرفته که در چهل سال اخیر در کلاس‌هایش درس داده است.



در اونشب که بارون اومد یا نریشن‌های ندامتگاه . او می‌داند که در نهایت نمی‌تواند بیانگر صرف واقعیت باید و در نهایت و در خوش بینانه ترین حالت راوی به شمار می‌آید که نگاه خود را در معرض دید مخاطبان قرار داده است. بنابراین سعی می‌کند با دوری از شلختگی کارگردانی، به فضایی دست یابد که مخاطب نیز تنها در حد یک بیننده محدود نمانده و به خوانشگری فعال در حوزه آثارش تبدیل شود. این نوشتار فارغ از نگاه مضمونی که تاکنون بارها در باره سینمای مستند کامران شیردل بیان شده سعی دارد با تمرکز به دو فیلم اونشب که بارون اومد و قلعه با بازخوانی این دو فیلم پرداخته و در این رهگذار به رمز گشایی ساختاری در آثار این سینماگر نائل آید.

ادامه متن در لینک زیر قابل دسترسی است:

<http://ir.anthropology/article/6324.html>



نشست صد و بیستم

انسان شناسی اشیا

نخستین نشست از دوره پنجم یکشنبه‌های انسان‌شناسی و فرهنگ بود. در این نشست آقای دکتر ناصر فکوهی (مدیر موسسه و استاد دانشگاه تهران) درباره «انسان‌شناسی اشیا: چشم اندازها و آسیب‌شناسی اجتماعی» سخنرانی کرد و فیلم مستند «پیکان» اثر آقای کامران شیردل نمایش داده شد. فیلم مستند پیکان در دوران اوج پیکان به سفارش شرکت ایران خودرو (ناسیونال سابق) در سال ۱۳۴۸ ساخته شد و از بهترین مستندهای تبلیغاتی - صنعتی تاریخ سینمای ایران محسوب می‌شود.

یادداشتی از رامتین شهبازی درباره «کامران شیردل»:



کامران شیردل را از میان مستندهای اجتماعی به یاد می‌آوریم که نمونه‌های آنان کمتر در تاریخ سینمای مستند ایران تکرار شده‌اند. شیردل تبحر خاصی در پرداخت موضوعاتی دارد که در آنها موضوع اصلی خود به روایتی در دل موضوعات دیگر بدل می‌شود. در واقع شیردل موضوع اصلی را چنان بسط می‌دهد که از دل آن چندین عنوان موضوع دیگر سربرآورده و مورد بازخوانی قرار می‌گیرند. این نگاه نیز تنها به مضمون محدود نمی‌شود و به حوزه ساختار نیز تسری می‌یابد. یعنی نگاه تصویری او در فیلم قلعه همان اندازه می‌تواند مورد مطالعه باشد که مسئله روایت حقیقت گم‌شده



نشست صد و بیست و یکم:

آسیب‌شناسی سلیقه در معماری

این نشست در تاریخ یکشنبه ۲۳ مهر ۹۶ با عنوان «آسیب‌شناسی سلیقه در معماری» برگزار شد و علی اکبری (دکتری معماری و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری) درباره «آسیب‌شناسی سلیقه در معماری، با تأکید بر سیمای معماری تهران» سخنرانی کرد. همچنین در ابتدای نشست، فیلم مستند «خونه» اثر آقای خدیار قاقانی نمایش داده شد.

درباره فیلم «خونه»:

در این فیلم ضمن گفتگو با شخصیت‌ها و کارشناسان شاخه‌های مختلف، خانه «مستوفی الممالک» از جنبه‌های گوناگون مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در این فیلم با افرادی نظیر آیدین آغداشلو، محمدرضا اصلانی، همایون شهناز، محمدعلی سپانلو، ویگن داوودی و دیگران گفتگو شده‌است. تصویر و صدای تعدادی از نوادگان این خاندان و همچنین رجوع به فیلم‌هایی که در این خانه فیلم‌برداری شده بخش‌های دیگر این فیلم هستند.



روستایی بوده و هستند؛ از این رو درک تهامی نژاد نسبت به فرهنگ، عمقی می‌یابد که آن را می‌توان در آثارش و در تمایل به ایجاد پیوند میان گذشته تاریخی شهر و مدرنیته نظری در حوزه سینما مشاهده کرد. بعدها ما این گرایش به تاریخ را به طور عام در فیلم‌ها و کتاب‌های او در حوزه خاص تاریخ سینما می‌بینیم؛ از جمله در فیلم «تاریخ سینمای ایران، از مشروطیت تا سپنتا» ساخته شده در سال (۱۳۴۶) و در کتاب «فیلمنامه تاریخ سینمای ایران».

تهامی نژاد چه هنگامی که به خود تاریخ سینما می‌پردازد، برای مثال در «فیلمنامه تاریخ سینمای ایران» (۱۳۷۲) و چه در آثاری که درباره تاریخ سینمای مستند و فیلم‌های دوره قاجار نوشته و یا خاص تر کتابی درباره کوچه‌های بازار تهران که آن را در دست نگارش دارد؛ همواره از نوعی نگاه تاریخ‌گرای فرهنگی بهره می‌برد؛ این نگاه همچنین در قالبی نظری تر در مقاله‌های مفصلی با عنوان «نظم بخشی به خاطره بصری از تاریخ معاصر ایران» (۱۳۸۳-۸۴) آشکارا قابل مشاهده است.

حساسیت‌های سیاسی و رویکرد عدالت‌جویانه تهامی نژاد که در نوجوانی و زمانی که نهضت ملی در اوج خود بود، شکل می‌گیرند؛ باعث می‌شود تا او دست به کار ساخت فیلمی شود درباره دکتر فاطمی با نام «یادی از فاطمی» در سال (۱۳۵۹). پس از آن او با رویکردی عدالت‌جویانه توجه خاصی دارد به معضل فقر مسکن که حاصل آن فیلمی است با عنوان «بحران مسکن و مهاجرین» که در سال ۱۳۶۱ تولید می‌شود؛ پس از آن چندین فیلم دیگر او که به موضوع جنگ و آوارگی ناشی از آن اختصاص دارد؛ و همچنین فیلم‌هایی که در دوره انتقال اجباری‌اش به سیستان و بلوچستان از زندگی مردم عادی ساخته، همچون «یادگارهای سیستان» (۱۳۶۵) و «شبیه زمان مقدس» (۱۳۶۸) همگی آشکارا نمایش‌دهنده این نگاه عدالت‌خواهانه تهامی نژاد هستند.

مصیبت‌های جنگ و خرابی‌ها و آوارگی‌های ناشی از آن نیز دستمایه گروهی دیگر از فیلم‌های او بوده‌اند: «دی ماه ۵۹ در بوشهر» (۱۳۵۹)؛ و بازگشت اسیران جنگی از عراق (۱۳۶۸) دو نمونه شاخص این گروه از فیلم‌های او به شمار می‌روند؛ که بی شک در این زمینه دستکاری و کار نزدیک با کارگردانانی همچون ناصر تقوایی و پرویز کیمیای، سبب ساز تقویت این رویکردها و همچنین بالا رفتن قابلیت‌ها و شناخت فنی و زیباشناختی او از سینما می‌شوند.

بعدی قابل توجه از زندگی تهامی نژاد که از او نویسنده و مترجمی توانا ساخته است؛ مربوط می‌شود به تحصیلات تخصصی‌اش، در «مدرسه عالی روزنامه نگاری» موسسه کیهان؛ که به همکاری با این روزنامه و سپس همکاری با مرکز آموزش فیلم‌سازی تلویزیون ملی ایران در سال ۱۳۴۶ می‌انجامد. از این لحاظ شاید بتوان ادعا کرد که تهامی نژاد از نخستین و بی شک از پایدارترین مترجمین و نویسندگانی است که پژوهش و نقد سینمای داستانی و به



نشست صد و بیست و دوم:

تعمیه در ایران

این نشست در ۳۰ مهر ۱۳۹۶ با عنوان برگزار شد و آقای دکتر مسلم نادعلیزاده (دکتری زبان و ادبیات فارسی) درباره «تعمیه در ایران: از دیروز تا امروز» و آقای متین رضوانپور درباره «دستگاه‌های موسیقی ایرانی و موسیقی‌های محلی در تعمیه» سخنرانی کردند. همچنین فیلم مستند «تعمیه در سیستان» اثر محمد تهامی نژاد نمایش داده شد.

یادداشت ناصر فکوهی درباره محمد تهامی نژاد



محمد تهامی نژاد؛ زاده آذرماه سال ۱۳۲۱ از خانواده‌ای متوسط در جنوب تهران است. ریشه‌های مردمی و وابستگی او به تهران و زندگی در نزدیکی با مردم زحمتکش این شهر را شاید بتوان اصلی‌ترین دلیل پایبندی‌اش به عدالت اجتماعی دانست؛ گرایش همیشگی او در به خدمت در آوردن هنر و فرهنگ؛ و شناخت آن برای بهبود وضعیت مردم، شاهی بر این مدعاست. این ریشه‌ها او را به تاریخ یک شهر نسبتاً قدیمی پیوند می‌دهند: از یک سو به بازار، کوچه‌ها و محله‌های کهنه تهران و تاریخی که این شهر از دل آن بیرون آمده است؛ تاریخی که در عین حال تاریخ شروع سینما در دوران قاجار نیز هست؛ و از سوی دیگر، پیوندی ناگسستنی با رنج زیستن مردمان فقیر این شهر؛ مردمانی که بسیاری از آنها هنوز حامل ارزش‌ها و میراث

نرسیده و پژوهش‌هایی را که باید به انتها برساند و یا از ابتدا آغاز کند و این امیدی بزرگ برای سینما و فرهنگ ایران است. سرانجام باید به این خصوصیت بسیار مهم تهامی نژاد نیز اشاره کنیم که به شدت تمایل به حضور در مجامع برای ارائه تجربه خود به نسل جوان دارد و از هیچ کمکی در انتقال دانش خود به نسل‌های بعدی دریغ نمی‌کند. عضویت او در شورایی عالی موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ از سال ۱۳۹۲ و مسئولیتی که سال‌ها است برعهده دارد یعنی مدیریت گروه سینما در وبگاه موسسه، گویای جدیت او در امر اجتماعی کردن و عمومی کردن فرهنگ است.



خصوص مستند را به صورت آکادمیک برای نخستین بار در ایران آغاز می‌کنند. برخی از کارهای او افزون بر ترجمه نویسندگان مهمی همچون بیل نیکولز، جان آیزود، ریچارد کیلبرن و دیوید مک دوگال، به نوشته‌های نظری مانند «سینمای رویا پرداز ایران» (۱۳۶۵)، «ریشه یابی یاس در سینمای ایران» (۱۳۵۲-۵۳) و «انسان‌شناسی تصویری در سینمای مستند ایران» (۱۳۸۳) باز می‌گردند؛ که دارای ارزش‌های بالایی برای بنیانگذاری یک ادبیات جدید در عرصه پیوند میان انسان‌شناسی و فیلم‌شناسی و نقد سینمایی به حساب می‌آیند.

محمد تهامی نژاد در زمینه حضور و تدریس در دانشگاه نیز به شدت فعال است. او همواره از رویکردی آکادمیک برای شناخت مفاهیم سینمایی و برخی دیگر حوزه‌ها همچون تاریخ بره می‌برد؛ رویکردی که می‌توان گفت با فعالیت‌های صنفی و پیگیرانه او شاید به نظر متعارض بیایند. در حقیقت، ساختن تصویری ذهنی از تهامی نژاد به مثابه یک پژوهشگر گوشه نشین و کتابخانه‌ای، چندان با واقعیت خوانایی ندارد؛ در تمام این سالها او به شدت مشغول کار در زمینه‌های حرفه‌ای برای سامان دادن به تشکلهای کارگردانان و فیلمسازان و سایر کنشگران عرصه سینما بوده و هست. در سال‌های اخیر او از جمله پیشکسوتانی است که بیشترین تلاش را برای برپایی انجمنی صنفی برای حمایت از همه دست اندرکاران سینما انجام داده است و در حال حاضر نیز (اواخر ۱۳۹۵) به عنوان دبیر انجمن صنفی سینماگران مشغول به کار است.

سینمای تهامی نژاد، آثار پژوهشی و در یک کلام زندگی او به شدت از تفاخر و الگوهای اشرافی گرایانه و پر زرق و برق، چه به صورت روشنفکرانه و چه به شکل تجاری، به گونه‌ای که اغلب در حرفه‌های نمایی و به خصوص در سینما می‌بینیم به دور است. و این امر را شاید بتوان هم در ریشه‌های مردمی او یافت و هم در تمایل عمیق و سختی که در او برای به تحقق رساندن اخلاق پژوهش مشاهده می‌شود. این دور بودن از زرق و برق‌های زندگی روشنفکرانه گاه سبب می‌شود که در تهامی نژاد یک فروتنی بیش از اندازه مورد تاکید دیده شود؛ به گونه‌ای که تصور شود شاید نقد موثر و رادیکالی را نتوان از قلم و دوربین او انتظار داشت. در حالی که درست برعکس در تقابلی آشکار با این روحیه‌های فردی، زبان و سینمای او، نقد و آسیب‌شناسی را بدون خروج از موقعیت‌های معتدلانه تقریباً به شکلی پیوسته در خود حمل می‌کنند. همین امر شاید از تهامی نژاد یکی از آخرین بازماندگان روشنفکران و کنشگران سینمایی و فکری دهه ۴۰ را بسازد که با خونسردی و اطمینان اما به دور از جلوه‌های مبالغه آمیز به کار خود ادامه می‌دهند بدون آنکه بتوان امیدی داشت، کار و راه آنها به وسیله نسل جوان پی گرفته شود.

امروز محمد تهامی نژاد در ۷۵ سالگی با انرژی و توانی که کمتر می‌توان در نزد حتی جوانان بیست یا سی ساله دید، پروژه‌های بزرگی را در سر دارد، کتاب‌هایی به چاپ

نشست صد و بیست و سوم:

تاریخچه مردم‌شناسی در ایران

این نشست در ۷ آبان ۱۳۹۶ با عنوان «تاریخچه مردم‌شناسی در ایران» برگزار شد و آقای محمدحسین باجلان فرخی (پژوهشگر حوزه انسان‌شناسی و اسطوره‌شناسی) سخنرانی کرد. همچنین فیلم مستند «آواز دریانوردان خلیج فارس» اثر علیرضا قاسم‌خان نمایش داده شد.



کاوه بهرامی مقدم و تهیه کنندگی رضا میرکریمی درباره منوچهر طیباب ساخته شده است.

درباره خسرو سینایی



خسرو سینایی زاده (۱۳۱۹) کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس و فارغ‌التحصیل از آکادمی هنرهای نمایشی و رشته تئوری موسیقی از کنسرواتوار وین است. سینایی از سال ۱۳۴۶ در وزارت فرهنگ و هنر و از سال ۱۳۵۲ در تلویزیون ایران شروع به کار کرد. او فعالیت سینمایی خود را در سال ۱۳۵۸ با کارگردانی فیلم زنده باد... آغاز کرد. آثار او معمولاً بر پایه مستندهای اجتماعی استوار هستند. سینایی در سال ۱۳۸۷ موفق به دریافت نشان ویژه کشور لهستان از سوی رئیس‌جمهور این کشور شد. او این نشان را به خاطر ساخت فیلم مستند مرثیه گمشده که روایت‌گر مهاجرت هزاران لهستانی به ایران در سال‌های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ است، دریافت کرد. سینایی افزون بر نویسندگی و کارگردانی، ساخت موسیقی و تدوین برخی از آثارش را نیز بر عهده داشته است.



نشست صد و بیست و چهارم:

تاریخچه فیلم مستند در ایران

این نشست در ۱۴ آبان ۱۳۹۶ با عنوان «تاریخچه فیلم مستند در ایران» برگزار شده و در آن فیلم‌های مستند «ریتیم» و «سوزن‌بان» اثر منوچهر طیباب (با حضور و سخنرانی کارگردان) نمایش داده شد. همچنین آقای خسرو سینایی (پژوهشگر و مستندساز) درباره «تجربه فیلمسازان نسل اول» سخنرانی کردند.

درباره منوچهر طیباب



منوچهر طیباب (۱۳۱۶) دانش آموخته رشته معماری از دانشگاه فنی وین و تحصیل کرده رشته کارگردانی سینما و تلویزیون و طراحی صحنه از دانشکده سینمایی آکادمی دولتی موسیقی و هنرهای نمایشی وین است. او فیلمسازی خود را با کارگردانی فیلمی درباره سفال‌های قدیمی ایران آغاز کرد و تاکنون بیش از ۹۰ فیلم مستند و آموزشی ساخته است. طیباب استاد رشته سینما در دانشکده هنرهای دراماتیک و تلویزیون، سرپرست رشته سینماتوگرافی و عکاسی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی تهران و عضو هیئت داوران یونسکو در جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه لهستان بوده است. او ایران‌شناسی قهار است و از جمله افرادی است که به صورت متمرکز برای توسعه و گسترش عملی سینمای مستند در ایران تلاش نمود. طیباب معتقد است که فرهنگ یک جریان سیال است که در ارتباط صحیح با دیگران معنا می‌یابد. او می‌کوشد سابقه و فرهنگ کهن و گنجینه ایرانی را به دنیا معرفی کند. او در سال‌های اخیر به چاپ کتاب فیلم‌های مستند خود نیز روی آورده است. تنها فیلم داستانی طیباب سوزن‌بان است که در سال ۱۳۵۰ آن را ساخت. فیلم «سفر در امتداد سرزمین کهن» مستندی است که به کارگردانی

درباره فیلم زروان:



«زروان» خدای نور و زمان که مرگ و بیماری در آن جای نداشت و همیشه نیمروز بود برای طلب فرزند پسر، ۱۰۰۰ سال عبادت کرد و در آخر شک کرد که آیا عبادتم دیده می‌شود که خداوند هور مزد و اهریمن را در زهدانش قرار داد اولی برای ایمانش و دومی به خاطر شک کردنش و این‌گونه به آفرینش اهورامزدا و اهریمن که خلق‌کننده نیروی خیر و شر جهانند می‌پردازد و سرانجام هرمزد بر اهریمن پیروز می‌شود و او را به تاریکی می‌افکند.

نشست صد و بیست و پنجم:

تحول رویکردهای دینی در ایران باستان

این نشست در ۲۱ آبان ۱۳۹۶ برگزار شده و در آن آقای دکتر فضل‌الله پاکزاد (عضو هیئت علمی پیشین دانشگاه توپینگن آلمان) سخنرانی کرد. همچنین فیلم‌های مستند «مهر» و «زروان» اثر حسن نقاشی نمایش داده شد.

درباره فیلم مهر:



این مستند به تاثیر و حضور باورهای مهری و فرهنگ میتراپیسم در معماری اسلامی می‌پردازد و نمادهای مهر را با نمادهای اسلامی مقایسه می‌کند و آن را هدیه ایرانیان به فاتحان عرب می‌داند. جوایز این فیلم عبارتند از:

- لوح افتخار بخش تاریخی پنجمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت ۱۳۹۰.
- تندیس زرین و لوح افتخار بخش مستند از چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد ۱۳۹۱.
- تندیس طوبای زرین و لوح افتخار بهترین کارگردانی مستند از پنجمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر ۱۳۹۱.
- جایزه دوم بخش مستند از اولین جشن مستقل فیلم کوتاه ایران ۱۳۹۰.
- جایزه بهترین کارگردانی برای فیلم مستند مهر از پانزدهمین جشن مستقل سینمای ایران ۱۳۹۰.



نشست صد و بیست و ششم:

آسیب‌شناسی توسعه شهری

این نشست در ۵ آذر ۱۳۹۶ با عنوان «آسیب‌شناسی توسعه شهری» برگزار شد. در این نشست آقای دکتر روح الله نصرتی (عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و عضو شورای مرکزی انسان‌شناسی و فرهنگ) درباره «عدالت و بازتوسعه زمین‌های قهوه ای در شهر» و آقای مجید ابراهیم پور (کارشناس ارشد مطالعات شهری) درباره «زیستن در لبه سیاست ورزی و توسعه شهری: تجربه من در مواجهه با توسعه شهری» سخنرانی کردند. همچنین در این نشست فیلم «طرح برنده» اثر آقای خسرو سینایی نمایش داده شد.

درباره فیلم طرح برنده:

فیلمی درباره پروژه عظیم معماری - آتی سنتر - که معماران ایرانی با مشاورت شرکت های بزرگ بین المللی به انجام رساندند و در پایان - طرح برنده - انتخاب شد. ۴۱



نشست صد و بیست و هفتم
۱۲ آذر ۱۳۹۶

یکشنبه های انسان شناسی و فرهنگ دوره پنجم

آسیب شناسی مهاجرت در مهاجران افغانستانی

نمایش فیلم **صفر مرزی**
انرژی اخلاقی و عاطفه کاظمی

تحلیلی بر موانع اعطای تابعیت ایرانی به مهاجران و پناهندگان افغانستانی
آرش نصر اصفهانی

آسیب شناسی مهاجرت غیرمستعارف مهاجرین افغانستانی از ایران به اروپا
سعیده سعیدی

نشانی: تهران - خیابان ولیعصر - خیابان دمشق - پژوهشگاه فرهنگ هنر ارتباطات - ساعت ۱۶-۱۹

نشست صد و بیست و هفتم:

آسیب شناسی مهاجرت در مهاجران افغانستانی

این نشست در ۱۲ آذر ۱۳۹۶ با عنوان «آسیب شناسی مهاجرت در مهاجران افغانستانی» برگزار شد. در این نشست آقای دکتر آرش نصر اصفهانی (پژوهشگر دفتر طرح های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات) درباره «تحلیلی بر موانع اعطای تابعیت به مهاجران و پناهندگان افغانستانی» و خانم دکتر سعیده سعیدی (دکتری رشته انسان شناسی و مطالعات فرهنگی از دانشگاه برمن آلمان و مدرس دانشگاه) درباره «صنعت قاچاق انسان: آسیب شناسی مهاجرت غیرمستعارف مهاجرین افغانستانی از ایران به اروپا» سخنرانی کردند.



نشست صد و بیست و هشتم: آسیب‌شناسی توسعه پزشکی و درمان در ایران: از جریان اصلی تا طب حاشیه

این نشست ۱۹ آذر ۹۶ با عنوان «آسیب‌شناسی توسعه پزشکی و درمان در ایران: از جریان اصلی تا طب حاشیه» برگزار شد. در این نشست آقای دکتر حسین رضایی زاده (متخصص طب سنتی و سرپرست مرکز رشد طب سنتی و گیاهان دارویی) درباره «بررسی رویکرد اجتماعی فرهنگی طب ایرانی در راستای توسعه جهانی طب فراگیر» و آقای دکتر مزدک دانشور (پزشک و پژوهشگر) درباره «بدن به مثابه جهان: تصویر پیشامدن از بدن و طب حاشیه» سخنرانی کردند. همچنین فیلم مستند «درمانگر» اثر نادیه جعفری و محمود مزرعتی نمایش داده شد.

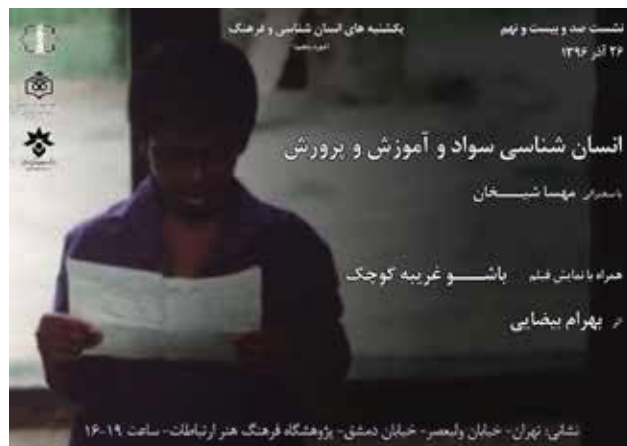
درباره فیلم درمانگر:



صد سال پیش، با ورود اولین پزشکان تحصیل کرده در خارج از کشور، طب سنتی و حجامت در کشور غیر قانونی اعلام می‌شود. در سال ۱۳۶۳-۱۳۶۴ «حسین خیراندیش» در صدد احیای آن برمی‌آید. او با مشکلات فراوانی روبرو می‌شود تا اینکه موفق می‌گردد رسماً حجامت را از طریق قانون وارد حوزه درمان کند. استاد خیراندیش، طب سنتی را در چهارچوب دستورات دینی برگرفته از احادیث ائمه، طب الرضا، طب الصادق و نیز طب پیامبر (طب النبی) قرار داده و آن را تحت عنوان طب سنتی اسلامی در قالب یک رشته تحصیلی در دانشکده طب سنتی ارمستان به ثبت می‌رساند.



هم هست؛ غافل از آن که شوهر نایی جان با حضور او که غریبه‌ای بیش نیست، در خانه‌شان مخالف است. باشو با کشف این موضوع، از خانه می‌رود ولی نایی جان او را زیر باران می‌یابد و با کتک باز می‌آورد. کمی بعد، نایی جان بیمار می‌شود و باشو به جای او، خانه را می‌گرداند و چون از بهبود نایی جان نگران است، برای او به شیوه جنوبی خودش، تشت می‌زند. نایی جان در نامه‌ای به شوهرش می‌گوید باشو را به جای پسر پذیرفته و نان او را از غذای خود خواهد داد. روزی سرانجام شوهر باز می‌گردد و باشو با او روبرو می‌شود. پدر که دست راستش را در سفر از دست داده، می‌پذیرد که باشو به جای دست او باشد و همه خانواده یک‌صدا می‌روند که جانوران مزاحم محصول را برانند.



نشست صد و بیست و نهم: انسان‌شناسی سواد و آموزش و پرورش

این نشست در ۲۶ آذر ۱۳۹۶ با عنوان «انسان‌شناسی سواد و آموزش و پرورش» برگزار شد. در این نشست خانم مهسا شیخان (کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی و عضو شورای مرکزی انسان‌شناسی و فرهنگ) سخنرانی کرد؛ و فیلم «باشو غریبه کوچک» اثر بهرام بیضایی نمایش داده شد.



درباره فیلم باشو، غریبه کوچک

«باشو غریبه کوچک» فیلمی به کارگردانی و نویسندگی بهرام بیضایی در سال ۱۳۶۴ است. داستان فیلم به این صورت است: در یکی از بمباران‌های جنوب کشور در جریان جنگ ایران و عراق، پسری به نام «باشو» که ویرانی خانه و خانواده خود را به چشم دیده، خود را به کامیونی در حال کوچ می‌اندازد و در آن خوابش می‌برد و زمانی که چشم می‌گشاید، کامیون به شمال کشور رسیده است. او از ترس انفجارهایی که برای عملیات راه‌سازی است، می‌گریزد و در آن سوی جنگل، به مزرعه زنی به نام «نایی جان» می‌رسد که با دو فرزندش و در غیاب شوهری که برای کسب درآمد به سفر رفته، زندگی و کار می‌کنند. نایی جان به باشو نان و آب می‌دهد و می‌کوشد بداند کیست و زبان او را بفهمد. اما زبان پسرک جنوبی برای او قابل فهم نیست؛ همچنان که باشو هم نمی‌تواند زبان محلی او را دریابد. باشو در عوض محبت‌های نایی جان می‌کوشد به او در کارها کمک کند و تصور می‌کند این خواست شوی در سفر نایی جان

نشست صد و سی و یکم:

نگاهی به تاریخ موسیقی در ایران

این نشست در ۱۰ دی ۱۳۹۶ با عنوان «نگاهی به تاریخ موسیقی در ایران» برگزار شد. در این نشست فیلم مستند «هزار دستان امیرجاهد» اثر منوچهر مشیری نمایش داده شد. همچنین آقای محسن شهرنازدار درباره «مقدمه ای بر موسیقی شناسی تاریخی» و آقای بابک خضرای درباره «زریاب و نوبات اندلسی» سخنرانی کردند.

درباره فیلم هزار دستان امیر جاهد:

این فیلم مروری است بر فعالیت و زندگی هنری «محمدعلی امیرجاهد» یکی از شخصیت‌های موسیقی تصنیفی ایران. در این فیلم مستند تنی چند از شخصیت‌های موسیقی ایران مانند فرهاد فخرالدینی، حسین دهلوی داریوش تلایی و زنده یاد خاطره پروانه حضور دارند



نشست صد و سی و دوم:

درآمدی به مسأله ورود آریایی‌ها به فلات ایران

این نشست در ۲۴ دی ۱۳۹۶ با عنوان «درآمدی بر مسأله ورود آریایی‌ها به فلات ایران» برگزار شد. در این نشست آقای دکتر حامد وحدتی نسب (عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس) با رویکرد «باستان‌شناسی» و خانم دکتر زهره انواری (عضو هیات علمی دانشگاه تهران) با رویکرد «زیستی (ژنتیک)» درباره این موضوع سخنرانی کردند.





نشست صد و سی و سوم:

نابرابری‌ها و آسیب‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی

این نشست در یکم بهمن ۱۳۹۶ برگزار شد. در این نشست آقای دکتر میرطاهر موسوی (جامعه‌شناس و استاد دانشگاه) با عنوان «نابرابری‌ها و آسیب‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی» سخنرانی کردند. همچنین در این نشست فیلم «بی‌شناسنامه‌ها» اثر فرهاد ورهرام نمایش داده شد.

درباره فیلم بی‌شناسنامه‌ها:



بخشی از جمعیت استان سیستان و بلوچستان به دلایل تاریخی - سیاسی و اجتماعی تاکنون نتوانسته‌اند شناسنامه دریافت کنند و از حمایت‌های اجتماعی دولت مانند بیمه و یارانه محروم هستند. نداشتن اوراق هویت عاملی است که به سمت بیکاری و کارهای خلاف کشانده شوند.



نشست صد و سی و چهارم:

فلسفه و فرهنگ

این نشست در ۸ بهمن ۹۶ با عنوان «فلسفه و فرهنگ» برگزار شد. در این نشست آقای دکتر رضا ماحوزی (عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی) درباره «کانت، فرهنگ و مسأله تحول در ایران معاصر» و آقای دکتر عبدالله سلواتی (عضو هیات علمی دانشگاه تربیت دبیر رجایی) درباره «امکانات درونی فلسفه ملاصدرا و مسأله فرهنگ» سخنرانی کردند.



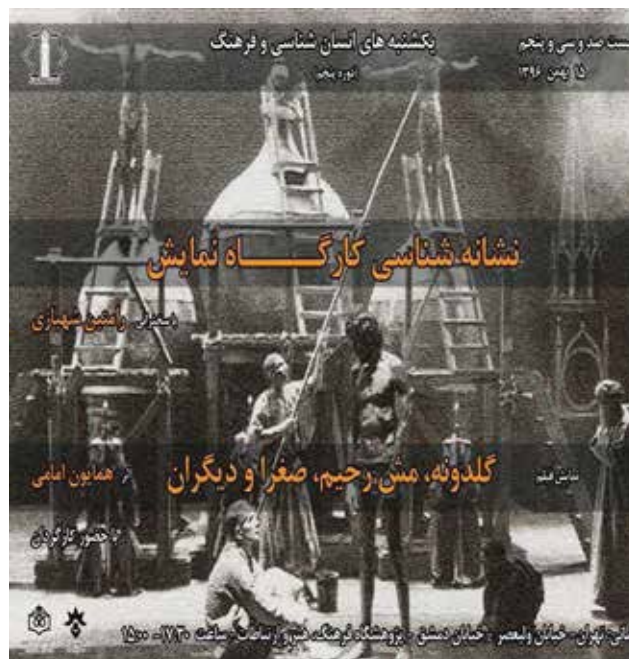
نشست صد و سی و پنجم:

نشانه‌شناسی کارگاه نمایش

این نشست در ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ با عنوان «نشانه‌شناسی کارگاه نمایش» برگزار شد. در این نشست آقای رامتین شهبازی (دکتری فلسفه هنر) سخنرانی کرد. همچنین فیلم «گلدونه، مش رحیم، صغرا و دیگران» اثر همایون امامی، همراه با حضور و سخنرانی کارگردان، نمایش داده شد.

درباره فیلم «گلدونه، مش رحیم، صغرا و دیگران»:

زندگی و فعالیت‌های اسماعیل خلیج در محدوده سال‌های ۱۳۴۷ الی ۱۳۵۷ در کارگاه نمایش با تاکید بر نمایش شخصیت‌های فرودستی چون لمپن‌ها، روسپی‌ها، معتادها که برای اولین بار نه به صورتی اخلاقی که در قالبی واقعی با زبان و ادبیات خاص خودشان در صحنه می‌درخشید.





نشست صد و سی و ششم:

شهرهای ایران؛ از دیروز تا امروز

این نشست در ۲۹ بهمن ۹۶ با عنوان «شهرهای ایران: از دیروز تا امروز» برگزار شد در این نشست آقای دکتر پویا علالدینی (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران) و خانم نسیم یگانه (کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری) درباره «بازاندیشی شهرهای جدید در ایران» سخنرانی کردند و فیلم «مروری بر بافت قدیم شهرهای ایران» اثر حمید سهیلی نمایش داده شد.



مقالات ارائه شده در یکشنبه‌های انسان‌شناسی و فرهنگ

آسیب‌شناسی سلیقه در معماری معاصر تهران

علی اکبری

نسبت انسان با مقوله مصرف از سه بعد قابل تحلیل است: نیاز، سلیقه و لذت. در دنیای سنت، ماهیت مصرف در نسبت مستقیم با برطرف شدن یکی از نیازهای آدمی در راستای ادامه حیات او تعریف و از این رو امری عقلانی محسوب می‌شد؛ اما در عین حال، مصرف بیش از حد ضروری، مورد نكوهش بود. همچنین لذت‌طلبی ناشی از مصرف نیز به مثابه امر مدموم و مانعی در رسیدن به مرتبه حیات متعالی تلقی می‌شد. اما ماجرایی نیاز، تولید و مصرف در دنیای مدرن صنعتی متفاوت شد. تولید کالاهای موردنیاز در فرایند صنعتی، آنچنان موجب رشد کمی محصولات می‌شود که تولید بر تقاضا پیشی می‌گیرد. شمار کالاهای تولیدشده بیش از حدنیاز است و مورد مصرف واقع نمی‌شود. از این رو، نظام ارزشی، اخلاقی و زیباشناختی جدیدی موردنیاز است که مصرف را در هر صورت و فراتر از حدنیاز تبیین و ترویج کند. عقلانیت جدیدی لازم است که جای عقلانیت پیشین را بگیرد.

جامعه‌شناسی نیاز، مد و سلیقه

تأثیر فسادآور مصرف غیرضروری از سنت‌های کهن روم، فلسفه اخلاق مسیحیت و ارزش‌های اخلاقی اسلام قابل بازشناسی است. اما در دوران معاصر نیز بسیاری از تبیین‌های جامعه‌شناختی و فرهنگی-انتقادی مصرف مدرن که با مفهوم نیاز سروکار دارند، بین نیازهای مصنوعی و حقیقی تفکیک قائل‌اند. ونس پکاردر، جان کنت گالبرایت و هربرت مارکوزه از این دسته‌اند (گرونو، 1392: 45). اما قاطبه تحلیل‌های جامعه‌شناسی مدرن اذعان دارند که جهت‌گیری اساسی در سبک مصرف رخ داده است. مصرف‌کننده لذت‌جوی جدیدی تولد یافته که نیازهایش دیگر با «اقتصاد نیازها» تنظیم نمی‌شود بلکه با «اقتصاد میل و رؤیا» یا اشتیاق به چیزهای جدید و قبلاً تجربه‌نشده مشخص می‌گردد (همان: 97). سازوکار پاسخ به چنین نیازی پدیده مد است. نظریه‌پردازان اقتصاد صنعتی در جامعه مدرن و پسامدرن، هرچند آن را پیشرانۀ چرخۀ تولید، ایجاد اشتغال و مرتفع‌کننده نیازهای مادی و اقتصادی شهروندان می‌دانند، اما چالش زمانی آغاز می‌شود که طبق نظریۀ گافمن، خرید کالا تبدیل به نماد عضویت در پایگاه خاص و طبقۀ اجتماعی شهروندان شود. آنچه نظریه‌پردازانی چون گئورگ زیمل، نوربرت الیاس، ونس پکاردر و پی‌یربودیو از آن به‌عنوان «مدطبقاتی» یاد کرده‌اند مبتنی بر این پیش‌فرض است

که کالاها اساساً به‌مثابه نمادهای پایگاهی به‌کار می‌روند. اعضای طبقۀ اجتماعی خاص، بر اساس ویژگی‌های خاص اجتماعی، اقتصادی و جایگاهی که در جامعه از خود سراغ دارند، کالاهایی را به تسخیر خود درآورده و خود را با آن بازمی‌شناسند. در اینجا نقش طبقۀ ثروتمند در تعیین امر زیبا، خوش‌سلیقه و موردپسند محسوس است. وبلن رواج سلايق و هنجارهای طبقه ثروتمند را در همه طبقات اجتماعی تشریح می‌کند. به زعم او: «از حیث آبرومندی، طبقۀ تن‌آسا در رأس ساختار اجتماعی قرار دارد، بنابراین شیوه زندگی و معیارهای ارزش این طبقه هنجار آبرومندی را در جامعه تعریف می‌کند... هنجار آبرومندی از طبقۀ بالا تأثیر الزام‌آور خود را با کمترین مانع به ساختار اجتماعی تا پایین‌ترین لایه‌ها بسط می‌دهد. در نتیجه اعضای هر لایه شیوه‌ای از زندگی را که در لایۀ بالاتر مد است، به‌عنوان ایده‌آل شایستگی خویش می‌پذیرد و نیروهای خود را صرف پیروی از آن ایده‌آل می‌کنند» (Veblen, 1961: 63-64). (به نقل از: گرونو، 1392: 51).

بنابراین هنجارها، الگوهای رفتاری، نظام تعریف ارزش‌ها، کالاهای و سبک‌زندگی طبقۀ ثروتمند، معیار اصلی خوش‌سلیقگی، آبرومندی، زیبایی و ارزش محسوب می‌شود. در این طبقه، نمایش ثروت، اصلی است که قطعاً در فرهنگ مصرف، تجمل‌گرایی، تفاخر و ولخرجی بروز می‌کند. از سوی دیگر، در فرهنگ مصرف، مردم از کالاهای مد روز به خاطر تازگی آن لذت می‌برند. آنچه تازه است، از آن رو که تازه است، ارزشمند است. از سوی دیگر، بی‌تردید دنیای امروز، عصر «نمایش» است. به زعم دوبور (۱۳۹۲: ۶۲) «جامعه‌ای که بر صنعت مدرن متکی است، نمایشی بودنش اتفاقی یا سطحی نیست، چنین جامعه‌ای از بنیاد نمایش‌گراست؛ نمایش هیچ مقصود دیگری جز خودش ندارد». به‌زعم مارکس، در نظام کالایی، اشیا نه آن‌گونه که واقعاً هستند، بلکه همواره به‌عنوان باز نمود چیزهای دیگری ظاهر می‌شوند و این «ویژگی رمزگون کالاهای»، آن‌ها را به ابژه‌ای برای ویرترین وعده‌دهندۀ پیشرفت و سعادت تبدیل کرده است و در اینجا نقش نظام سرمایه‌داری مبتنی بر فروش بیشتر محصول تحت پروپاگاندای رسانه‌ای و ترویج نظام زیبایی‌شناسی مطلوبش در جهان سوم، نباید نادیده گرفته شود (اکبری، ۱۳۹۵).

وجه دیگر موضوع، ورود کالای بنجل به عرصه است. از آنجا که عموم مردم و طبقات ضعیف اقتصادی توان خرید و نمایش کالاهایی را ندارند که در طبقه تن‌آسا مد شده است، و از سوی دیگر، امکان صرف‌نظر کردن از آن کالا نیز غیرممکن است، برخی از تولیدکنندگان کالاهای، اقدام به تولید و عرضه نمونه ارزان‌قیمت یا تقلبی آن کالا می‌کنند به‌نحوی که همه آحاد جامعه بتوانند از آن کالا بهره‌مند شوند. پس از مدتی و با همه‌گیر شدن کالا یا پدیده مد شده، ارزش تجملاتی آن از بین رفته و از دور خارج می‌شود و کالای دیگری به بازار عرضه می‌شود.

منابع:

اکبری، علی (۱۳۹۵). «معماری فرم‌کالا در عصر جامعه نمایش»، در: پایگاه علمی انسان‌شناسی و فرهنگ.

دبور، گی (۱۳۹۲). *جامعه نمایش*، ترجمه بهروز صفدری، چاپ دوم، تهران: نشر آگه.

گرونو، یوکا (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی سلیقه*، ترجمه مسعود کیانیپور، تهران: نشر مرکز.

Gadamer, G.-H. (1975), *Method and Truth*, (Tubingen, Germany: J. C. B. Mohr (Paul Siebeck).

Veblen, T. (1961), *The Theory of the Leisure Class*, New York: Random House.

این دور در بازه‌های زمانی متناوب تکرار می‌شود. به این ترتیب به زعم گرونو، می‌توانیم بنجل را مرحله واسطی میان مد نخبه‌گرا و مد دموکراتیک همگانی تعریف کنیم. بنجل از این حیث با مد طبقاتی شباهت دارد که با نمادهای پایگاهی سلسله‌مراتب اجتماعی کار می‌کند و در این روند، از مدل‌های بسیار بارزش تقلید می‌کند (گرونو، ۱۳۹۲: ۶۵).

فرم معماری به‌مثابه کالای نمایش

در میان همه کالاهایی که مد و مصرف می‌شود، فرم معماری نیز به‌مثابه یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کالاهای مصرفی و تبلیغاتی مطرح شده است. برخی از معماران، با درآغوش کشیدن شرایط کنونی جهان و نیز با نشست و برخاست با اعضای طبقه ثروتمند که هر آینه به دنبال نمایش بیشتر ثروتمندی خود است، و با در نظر گرفتن شرایط مالی و پولی، به فضای مدگرایی در معماری وارد شده‌اند و ارزش‌های آن را به معماری تعمیم داده‌اند. رواج معماری کیچ، بازاری و بنجل و تعبیر آن به خوش‌سلیقگی در ساختمان‌سازی، ناشی از همین امر است. برخی از معماران ترجیح داده‌اند همسو با جامعه مصرفی و مدگرا، معماری را برای تجمل‌گرایی مصرف کنند و پیرو خواست اجتماعی تفاخر، فرم‌ها و فضاهایی خلق کنند که چیزی جز دهن‌کجی به ماهیت و رسالت معماری نیست. مدشدن معماری کیچ در طبقه تن‌آسای تهران، منجر به به‌وجود آمدن بنجل آن در طبقات و پایین‌تر و حتی در شهرهای کوچک و روستاها شده است. از این رو می‌توان گفت مهم‌ترین مسئله در آسیب‌شناسی سلیقه توده‌های مردم در شکل‌گیری معماری امروز ایران، نقدی است که باید متوجه امر جامعه‌شناسی سلیقه و ریشه‌های اجتماعی آن باشد.

باید همسو با گادامر بر وظیفه آرمان‌گرایانه هنر در جامعه مصرفی امروز تأکید کرد. به زعم وی، کارکرد هنر و تجربه زیبایی‌شناختی، در کل، ایجاد و توسعه جامعه است؛ یا دست‌کم عمل کردن به‌عنوان یک الگوی زنده از چنین اجتماعی (Gadamer, 1975:84) (به نقل از: گرونو، ۱۳۹۲: ۲۰۹). به قول گادامر گادامر: سلیقه اساساً مفهومی تربیتی و و بنابراین، هدف ایده‌آلی برای تعلیم و تربیت و رهایی است. خوش‌سلیقگی هرچه بیشتر، امری است که از پیش به واسطه امتیاز تولد یا خاستگاه اجتماعی تعیین نگردد بلکه بتوان آن را با آموزش، صرف‌نظر از جایگاه اجتماعی، تربیت کرد. هرکس که در انتخاب‌ها و رفتارش سلیقه خوبی نشان دهد، یک آقا (یا خانم) اصیل است. خوش‌سلیقگی، شاخص و معیاری برای ورود به جامعه خوب است.

نشانش می‌دادم، از من برای نقد ایده‌هایش تشکر می‌کرد. در مجموع، تاریخ طب ما قابل احترام است اما مقدس به معنای غیرقابل‌پژوهش نیست. بسیار مایلیم مانند آنچه در دانشگاه در حال وقوع است، مرزهای علمی را در طب ایرانی تفکیک کنیم تا خرافه‌ها از آن زدوده شوند.

تاریخچه و تعریفی کوتاه

تا 150 سال پیش در دوره قاجار، طب ایرانی مبنای اصلی درمان ما بود، تا رسیدیم به دوره دارالفنون و تغییراتی که از نظر حکومتی و سیاستگذاری اتفاق افتاد. متعاقب این تغییرات، مدتی هر دو روش طب ایرانی و طب مدرن در کنار هم استفاده می‌شد. بعد از مدتی طب ایرانی ممنوع شد، اما به طبیبی که قبلاً با این روش طبابت می‌کردند اجازه دادند به کارشان ادامه دهند. سال‌ها بود که روش اصلی درمان ما روش‌های مدرن بوده است تا اینکه مدتی است در فضای مجازی ادعاهای عجیبی درباره طب اسلامی را شاهدیم، مثلاً طبیب اسلامی فارغ‌التحصیل از یکی از دانشگاه‌های ارمنستان! یا مثلاً تابلویی از فردی با ظاهری مذهبی با عنوان دکترای طب اسلامی از تایلند! یا ادعا کنیم که به قانونی که قبول نداریم عمل نمی‌کنیم تا روزی که بتوانیم قانون را تغییر دهیم. ما طبق قانونی که توسط مجلس شورای ملی و نیز قانونی که پس از انقلاب تصویب شد، دخالت در امر پزشکی را غیرقانونی می‌دانیم مگر از سوی افرادی مشخص. پس چگونه است که ما به خود اجازه می‌دهیم که در دانش طب دخالت کنیم و اتفاقاً از درمان هم شروع می‌کنیم تا تجربه کسب کنیم و به دیگران بقبولانیم دارند اشتباه می‌کنند. آنچه در دانشگاه تهران مدعی و در کار انجام آن هستیم، چارچوب و رویکردی مشخص دارد و متفاوت از امری است که در جامعه شاهد وقوع آن هستیم.

زمانی متن اصلی مبتنی بر اخلاط چهارگانه بود که در اروپا هم وجود داشت و طبیبانی که با روش‌های جدید طبابت می‌کردند در حاشیه قرار می‌گرفتند، حتی بازداشت می‌شدند و به زندان می‌رفتند تا به تدریج در دهه 1960 و 1970 شروع به استفاده از واژه طب جایگزین شد و جامعه پزشکی هم از این زمان متمایل به استفاده از روش‌های دیگر درمان شد. مثلاً طب مکمل از جمله واژه‌های متداول شد.

در دهه 1990، واژه طب مکمل جایگزین را بیشتر شنیدیم. در مجلس آمریکا کمیسیونی دولت را مکلف به رسیدگی به این نوع طب کرد و مرکز ان‌سی‌کم آمریکا (مرکز ملی طب جایگزین مکمل آمریکا) به این ترتیب پایه‌گذاری شد.

سازمان جهانی بهداشت تعریفی درباره طب سنتی و مکمل و جایگزین ارائه کرده است با این عنوان که به مجموعه روش‌های تشخیصی و درمانی که نسل‌اندز نسل مبتنی بر یک سری از مستندات و سوابق در جوامعی که معمولاً سابقه

جایگاه طب اسلامی و طب سنتی در پزشکی نوین

حسین رضایی‌زاده

تدوین: مرجان یشایایی

با یاد خدا و نام خدا و قول خدا و با سلام خدمت حضار محترم

دانش پزشکی از نظر حکمای ما دانشی بوده متشکل از قیاس‌ها و استقراها که همواره نقد می‌شده. آنها به شاگردان خود می‌گفتند، اگر می‌خواهید شاگرد خوبی باشید، باید روش و ایده و فکر ما را نقد کنید و اگر نقصی دارد حتماً بازگو کنید و بگویید. در مجموع، تاریخ طب ما قابل احترام است اما مقدس به معنای غیرقابل‌پژوهش نیست. بسیار مایلیم مانند آنچه در دانشگاه در حال وقوع است، مرزهای علمی را در طب ایرانی تفکیک کنیم تا خرافه‌ها از آن زدوده شوند.

برنامه ما در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران درباره طب ایرانی بر مبنای چند نکته است. در جامعه پزشکی انواع واژه‌ها را داریم: از طب سنتی تا طب گیاهی، طب العجایز، طب جایگزین، طب مکمل. بیش از 170 عنوان از انواع طب در دنیا وجود دارد. آنچه ما در دانشگاه تهران به آن می‌پردازیم، طب ایرانی است با چارچوب و تعریفی مشخص که با آنچه تحت نام طب سنتی، طب اتنوبوتانی طب اسلامی، گفته می‌شود، کاملاً متفاوت است. ما در دانشگاه تهران بر مبنای یک سری از مکتوبات و مستنداتی که در حال بازبینی هستند، عمل می‌کنیم. از نظر ما طب ایرانی باعث افتخار ماست، دارای اسنادی تاریخی است، اما مقدس نیست و هاله نور ندارد و با این دلیل که طب دانشی تجربی است قابلیت واکاوی و پژوهش دارد. همه حکمای ما هم همین اعتقاد را داشتند.

طب ایرانی را باید نقد کرد

طب می‌تواند انسان الهی باشد یا نباشد، اما مهم این است که کارش را درست انجام دهد، آمیختن تصویری از طب ایرانی با تصویری مقدس، همان تشکیل هاله نور است. یعنی اگر طب ایرانی را در هاله‌ای از تقدس بپیچیم، دیگر منتقدی به خود اجازه نقد نمی‌دهد، چرا؟ چون فکر می‌کند به این هله مقدس نباید نزدیک شد. دانش پزشک از نظر حکمای ما دانشی بوده متشکل از مجموعه‌ای از قیاس‌ها و استقراها که همواره نقد می‌شده. آنها به شاگردان خود می‌گفتند، اگر می‌خواهید شاگرد خوبی باشید، باید روش و ایده و فکر ما را نقد کنید و اگر نقصی دارد حتماً بازگو کنید و بگویید. مثل کتاب الشکوه علی جالینوس به قلم رازی و خود می‌گوید، اگر در زمان حیات جالینوس من به عنوان شاگرد وی این کتاب را

در طب مکمل از نگاه دانشگاهی و علمی برمی‌خیزد. تصور نکنیم چون پزشکی رایج گران شده، لزوماً پزشکی مکمل باید خیلی ارزان باشد. البته درمان مکمل و سنتی هنوز در کشورهایی مانند چین یا هند یا در آفریقا هنوز ارزان است، اما در اروپا و آمریکا خدمات طب مکمل از حق ویزیت یا قیمت داروها، بعضاً از پزشکی رایج گران‌تر است.

دلایل متفاوت برای اقبال به طب مکمل

بیشترین بیمارانی که در این کشور به سمت طب مکمل می‌روند، بیماران مبتلا به بیماری‌های صعب‌العلاج مانند سرطان، ام‌اس و ایدز هستند. بیماران در کشورهای توسعه‌یافته مانند آمریکا بیماران امکانات مالی و سطح سواد بالاتری دارند و غالباً برای اینکه نقشی در درمان خود داشته باشند به سمت طب مکمل می‌روند، درواقع به قصد تقویت سیستم ایمنی در کنار درمان رایج. در این کشورها بیمار از پزشک خود این نوع درمان‌ها را نیز طلب می‌کند. روزگاری فراگرفتن طب مکمل در دانشکده‌های پزشکی آمریکا اختیاری بود، اما امروزه آموزش آن اجباری شده است و دانشکده‌های جدید تحت عنوان دانشکده طب فراگیر آغاز به کار می‌کنند. منطق این ست که پزشک باید هر درمان ایمن و اثربخشی را در صورت رضایت بیمار به وی ارائه دهد.

در کشورهای توسعه‌نیافته یا درحال توسعه روند اقبال به طب مکمل برعکس است، یعنی بیمار هر چه فقیرتر و هر چه کم‌سوادتر بیشتر به طب مکمل روی می‌آورد. در چنین محیطی، شارلاتانیسم پزشکی بیشتر اتفاق می‌افتد. بعضاً منابع محیط زیست و حیاتی به دلیل یافتن داروهای مورد نیاز برای طب مکمل به شدت مورد هجوم و آسیب قرار می‌گیرند. در این کشورها مسئله چارچوب‌ها و قوانین هم به طور جدی مطرح است. مثالی برایتان می‌زنم: جنب دفتری که ما در شمال شهر تهران داشتیم، چندین آرایشگاه زنانه بدون مجوز کار پوست و مو انجام می‌دادند. درکنار آنها پزشک عمومی مطب زد و روی تابلوی خود نوشت، «خدمات پوست و مو». مدت کوتاهی پس از آن مطب به دلیل آنکه پزشک مجوزی برای پوست و مو ندیده، از طرف نظام بسته شد، اما تمام آن آرایشگاه‌ها هنوز به کار پوست و مو مشغولند! ماجرا از چه قرار است. پزشکی که مطبش سرانجام بسته شد، دوره دانشکده پزشکی را دیده و از نظام پزشکی اجازه طبابت گرفته که نهادهای بازرسی و نظارتی در آن بر کار پزشکان نظارت می‌کنند. اما آرایشگاه‌های زنانه که کار پوست و مو انجام می‌دهند تبعاً به ناظران نظام پزشکی مربوط نمی‌شوند. آرایشگاه‌ها جایی ثبت نشده‌اند. اما برکار طبیبان مکمل یا سنتی یا همان آرایشگاه‌هایی که ذکرشان رفت، کسی نظارتی ندارد.

فرهنگی و تاریخی طولانی و نگاه فلسفی به بدن انسان و پزشکی دارند، طب سنتی می‌گوییم که بسیاری از کشورها در آسیا مانند ایران و چین و مصر و آفریقا و آمریکای جنوبی ذیل این تعریف می‌توانستند جای گیرند. روش‌هایی که لزوماً بر نگاه فلسفی مستقر نیستند و سابقه طولانی ندارند، عنوان طب مکمل به خود می‌گیرند که اغلب در زمان معاصر در کشورهای اروپایی و کانادا و آمریکا بسط یافته‌اند. در اسناد سازمان جهانی بهداشت از واژه طب مکمل و سنتی استفاده می‌شود.

چرا روش‌های سنتی و مکمل در دنیا توسعه پیدا کرده؟

بخشی از پاسخ به بحرانی باز می‌گردد که امروز در پزشکی شاهد آن هستیم، جاهایی که ما پزشکان نمی‌توانیم پاسخگو باشیم زمانی پزشکی امروزی به ویژه به دلیل توانمندی‌اش برای مهار بیماری‌های عفونی و انجام انواع جراحی‌ها و ارتوپدی‌ها به درستی غالب شد. به تدریج طب امروزی با استفاده از داروها طول عمر انسان‌ها را زیاد کرد، اما از طرف دیگر عوارض داروها به تدریج از راه رسیدند. در طب نوین انسان یکجا و دسته‌جمعی دیده شدند و درمان نیز بدون توجه به خصوصیات فردی انجام گرفت که عوارض خاص خود را به دنبال داشت. به همین دلیل در پزشکی نوین به سوی پزشکی فردمحور می‌رویم. پزشکان می‌گویند تمرکز ما بیشتر بر درمان بیماری بود و فراموش کرده بودیم که بیماران با یکدیگر تفاوت دارند. بیماران متفاوت که مبتلا به یک بیماری واحد هستند، می‌توانند نسبت به داروی واحد پاسخ‌های متفاوت داشته باشند. پزشکی نوین به این نتیجه زسیده است که در امر درمان باید به تفاوت‌های افراد هم توجه داشت.

درباره موضوعات اخلاق پزشکی، رفتار با بیمار و وقت گذاشتن با بیمار و احترام به آنچه برای بیمار مقدس است، خواه از نظر علمی مرتبط باشد یا نه. امروز در دانشگاه‌های معتبر دنیا مانند دانشگاه هاروارد رشته‌ای به نام پزشکی معنوی (توجه به جنبه‌های معنوی بیماری فرد) تدریس می‌شود. این نوع پزشکی نگاه معنوی به بیمار دارد نه نگاه مذهبی. روش‌ها سنتی و مکمل چون در بخش پزشکی معنوی توانمندتر بوده‌اند، درمانگر برخورد بهتری دارد و وقت بیشتری برای بیمار صرف می‌کند، برای مردم شاید جذاب‌تر باشد.

هزینه‌های درمان پزشکی رایج از جمله جاذبه‌های طب مکمل و سنتی است. وقتی بیماران تصور کنند درمانی با هزینه کمتر می‌تواند انجام شود، به سمت آن می‌روند. البته باید گفت از سال 1995 به این طرف طب مکمل هم بخشی با پشتوانه سرمایه‌داری در حال گسترش است. یعنی وقتی دیده شد مردم بدون دخالت بیمه حاضرند برای این درمان‌ها از جیب خود خرج کنند، بنابراین بخشی از ترویج و توسعه و تبلیغ طب مکمل هم با کمک سرمایه‌داری

انجام گرفت. به این ترتیب نمی‌توان گفت هر توسعه‌ای

طب ایرانی

واژه طب ایرانی چند سالی است به کتاب هاریسون که از کتب معتبر پزشکی است اضافه شده است. الان طب ایرانی یا مکمل حاشیه‌ای است که به تدریج وارد متن می‌شود. بخ معنای دیگر، جریان پزشکی رو به توسعه است. از نگاه طبیبانه و طبیب که بگذریم، بخش دیگر به صورت نگاه علمی در جهان پیش می‌رود. یکی از نمونه‌های آن، استفاده از زالو است. استفاده از زالو در 2 مورد مورد تایید سازمان غذا و داروی آمریکا (افدی‌ای) است. یکی در جراحی پلاستیک و دیگر در بعد از جراحی باز قلب و عروق، اما این استفاده شرایطی دارد. این زالوها که شواهد علمی برای استفاده از آنها به دست آمده است، باید شناسنامه داشته باشند، بهداشتی باشند، حساسیت پوستی ایجاد نکنند و... درباره سایر موارد افدی‌ای همچنان در حال تحقیق است. یا مثلاً اثبات شده که حجامت برای تخفیف برخی دردهای شانه قابل استفاده است، اما این به معنای آن نیست که دوای هر دردی حجامت باشد. منابع ما می‌گویند، حجامت زیر 2 سال و در بیماران کم‌خون و بالای 60 سال، در دوران قاعدگی زنان و در کم‌خونی ممنوع است. در کجای پزشکی ما نوشته شده که روزی به نام روز حزیران وجود دارد که همه اهل خانواده را می‌شود در آن روز حجامت کرد؟ کجای منابع ما نوشته که حالا که ظرفیت مطب در یک روز اجازه پاسخ به مراجعان را نمی‌دهد، می‌توان یک روز را به یک هفته تبدیل کرد؟ در کجای منابع ما هفته حزیران داریم؟ مگر به ما یاد نداده‌اند که در اوج گرما یا سرما حجامت نباید انجام شود. مگر در کتاب رموز اعظم، از کتب طب سنتی ما، نگفته‌اند، «اگر بیماری مبتلا به غلبه خلط بلغم باشد و طبیب بنا به حضاقت خود تشخیص نداد، در حق بیمار جنایت عظیم کرده است؟»

دنیا دارد به سمت همگرایی در علم پزشکی می‌رود، یعنی باید تعصباتمان را کنار بگذاریم و از هر روش ایمن و اثربخش استفاده کنیم. از اینجا می‌خواهم به طب ایرانی ورود کنم. کتاب «هدایت‌المتعلمین فی الطب»، قدیمی‌ترین کتاب در زمینه طب ایرانی که تنها عنوان آن به زبان عربی است، درباره پزشکی می‌گوید: «پیشه‌ای بود که تندرستی آدمیان را نگاه دارد و چون رفته بود باز آرد به علم و عمل» یعنی وظیفه پزشک را در درجه اول حفظ سلامت مردم می‌داند. افراد پزشک خانواده و بیمه داشتند، به این معنی که بابت سلامت خانواده‌شان ماهانه به پزشک خود مقرر می‌دادند و وقتی بیمار می‌شدند، این مقرر را قطع می‌کردند. یعنی پول یا کالایی که پیشکش حکیم می‌شد، بابت پایش سلامت اعضای خانواده بود. اطبا بعضی از روش‌های طبیبی مانند روش‌های تغذیه‌ای را وارد فرهنگ مردم می‌کردند، مثل اضافه کردن سبزی به ماست. در دوره‌هایی هم که پزشکی ایرانی به سمت حکومتی شدن رفت، از زمان ابن سینا به بعد، پزشکان حقوقشان را از دولت دریافت می‌کردند و در حد حاکم

به عنوان کارشناس طب سنتی به چشم دیده‌ام به بیمار مبتلا به سرطان پستان گفته شده، اگر می‌خواهی بمیری برو شیمی‌درمانی، اگر می‌خواهی بمانی بگذار من درمانت کنم. بیمار بعد از متاستاز سرطان به مغز از بین رفته است. به نظر ما پزشکان درمان طب مکمل درباره این بیمار بدون مستند علمی و کاملاً نابجا بوده است، اما دیده شده که قاضی بعد از شکایت همسر بیمار تبرئه می‌کند. بیمارانی را دیده‌ام که برای دریافت دارویی به نام ایکس 2 که محتویات کاملاً مجهولی دارد، در چندین نوبت، هر بار بیش از 2/5 میلیون تومان پول داده است و بعد از آن هم فوت کرده است.

ایمن بودن و اثربخش بودن، 2 شرط مهم

براساس برنامه استراتژیک سازمان جهانی بهداشت، در صورتیکه کشورها مایل به توسعه طب سنتی باشند، باید این کار در چارچوب و بر مبنای معیاری تعریف‌شده انجام گیرد.

برخی به روش درمان طب مکمل نگاه سیاسی دارند و به آن نام دمکراتیزه کردن طب می‌دهند و می‌گویند، اگر بیماری روش درمانی را می‌پسندد و طلب می‌کند باز هم به دو شرط ایمن بودن و اثربخش بودن، آن درمان باید در اختیار او قرار گیرد و اگر واجد این دو شرط نباشد باید آگاهش کرد. روم شده، در مطالعه‌ای در کشور آمریکا مع بیش از 92 درصد بیماران مبتلا به سرطان در طی درمانشان دستکم یک بار از یکی از روش‌های طب مکمل استفاده می‌کنند و بیش از 78 درصد از این بیماران درباره استفاده از طب مکمل چیزی به پزشک خود نمی‌گویند، در صورتیکه بسیاری از این روش‌ها امکان دارد با یکدیگر تداخل اثر داشته باشند. از سویی دیگر، بیش از 76 درصد از پزشکان اگر درباره طب مکمل از آنها سوال شود، قادر به راهنمایی بیمار نیستند، چرا که آموزشی در اینباره ندیده‌اند.

ما به عنوان جامعه پزشکی نمی‌دانیم به بیمار چه بگوییم. استفاده کند با چه مستنداتی و چه احتمالی برای تأثیرات متقابل بر داروهای طب رایج و استفاده نکند باز هم بر پایه چه مستنداتی. کارشناسانی هستند که قائل به تفکیک طب رایج و طب سنتی و مکمل نیستند. به نظر آنها تنها یک چیز وجود دارد و آن طب است. در سال 1998، یکی از کارشناسان در مقاله‌ای در مجله پزشکی نیوانگلند نوشت: «چیزی به نام پزشکی مدرن، یا مکمل یا سنتی و غیره وجود ندارد، تنها یکی هست و آن هم پزشکی است. بخش‌هایی از آن شواهد علمی بیشتری دارد و بخش‌هایی هم شواهد علمی کمتری و حتی بخش‌هایی شواهدی ندارد. پس ما به عنوان جامعه پزشکی هر روش اثربخشی را به شرط ایمن بودن یا مشخص بودن میزان عارضه یا هزینه آن باید ارائه دهیم و بدون تعصب هر چیزی را که به کمک کاهش درد مردم می‌آید، استفاده کنیم.»

امکانات در اختیارشان قرار می‌گرفت که البته این امکانات به ارث نمی‌رسید. پزشکی ایرانی قدیم بر این باور بوده که باید طبابت جسم و طبابت روح داشته باشیم و طبابت روحانی را از طبابت جسمانی جدا می‌کردند. پزشک باید بود انسان پیراسته‌ای باشد، اما وظیفه‌اش تنها طبابت جسم بوده است

در ترویج یا احیای طب ایرانی، نگاه ما یک نگاه کهنه‌فروشی نیست. من به عنوان پزشک و طبیب همواره از خود سوال کرده‌ام، چه کسی به من حق داده به بیمارانم دست بزنم و با روح و جسم و سلامت آنان بازی کنم؟

اگر سنت اوست نوآوری، نگاهی هم از نو به سنت کنیم

جستاری در طب حاشیه

مزدک دانشور

در روزهای اخیر و با بیانیه رسمی وزارت بهداشت در رابطه با به رسمیت نشناختن طب اسلامی، بحث طب حاشیه و یا طب جایگزین داغ شده است. به راستی چرا شیوه های درمانی متفاوت با پزشکی دانشگاهی و مدرن اینگونه مورد اقبال مردم هستند؟ چرا هنوز افرادی پیدا می شوند که شیوه های درمانی جدید را ترک می کنند تا ماهی درمانی، زالودرمانی، زنبور درمانی، چاکرا درمانی، خام گیاه خواری، رایحه درمانی، سنگ درمانی، ماردرمانی، عسل درمانی، هومئوپاتی و... دیگر شیوه های شبه علمی را برای بیماریهای سخت و مزمن به کار گیرند؟ قوت طب حاشیه در کجاست و بر چه شکافهایی دست می گذارد که چنین شیفتگانی را از ایالتهای آرام مرکزی آمریکا تا خاورمیانه پراشوب به خود جذب کرده است؟

می توان دلایل بسیاری را در توضیح علل این رویکردها برشمرد. اما در انسان شناسی پزشکی بر سه رهیافت زیر تأکید بیشتری می شود: تصور پیشامدرن از بدن، ناتوانی پزشکی مدرن در غلبه بر بیماریهای سخت و ناتوان کننده و در آخر سرمایه زدگی و از خود بیگانگی پزشکی مدرن.

تصور پیشامدرن از بدن

بسیاری از ما فکر می کنیم که بدن ما یک کلیت زیستی و یکپارچه است. حال آنکه آنچه ما از بدن خودمان می شناسیم و یا گونه ای که با اعضای بدنمان رفتار می کنیم، یا توقعاتی که از آن داریم و یا حتی حریمی که برای آن قایل هستیم، از جامعه ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمانی دگر، به شدت متفاوت است. به عنوان مثال نحوه ایستادن ایرانی ها و آمریکایی ها در صف به شدت متفاوت است. آمریکایی ها در فاصله بسیار دور از یکدیگر می ایستند و اگر کسی زیادتر از معمول به بدن طرف مقابل نزدیک شود با نگاه غضب آلود او روبه رو می شود، حال آنکه ما ایرانی ها در صف به هم چسبیده ایم! یا هلندی ها در رختکن ورزشی کاملاً برهنه می شوند و هیچ احساس شرمی ندارند و ما ایرانی ها با لباس زیر هم کمی معذیم! یا می توان به مسأله بکارت توجه کرد. تا چند دهه پیش وجود یا عدم وجود بخشی از بدن زن به نام پرده بکارت، می توانست به مسأله و دغدغه ای بزرگ برای زنان باشد و در حال حاضر این دغدغه در جهان غرب به حداقل خود رسیده است و در ایران نیز روبه کمرنگ شدن است.

غرض از ذکر این مثالها این بود که نشان دهیم آنچه ما از بدن خودمان می شناسیم یا شیوه ای که آن را بازنمایی می کنیم در حقیقت یک مفهوم اجتماعی-تاریخی است که ذهنیت ما را شکل داده و از هر جامعه ای به جامعه دیگر

و از دوره ای به دوره پیش از خود متفاوت است. اما تصور پیشامدرن از بدن چه می تواند باشد؟

گسست فرصتی برای شناخت است. شناخت ما از تصور پیشامدرن از بدن در حقیقت مدیون گسستی است که تجدد ایجاد کرده و در پرتو این گسست ما می توانیم به آنچه بوده ایم، پی ببریم. در جهان پیشامدرن بدن به دنیای اطراف خود پیوند خورده بود. بدن بخشی ناگسستنی از جهان اطرافش بود که بالا و پایینهای آن را بازتاب داده و به آن معنا می داد. نه تنها بیماری از جهان اطراف می آمد که نتیجه اعمال ما و یا نزدیکان ما نیز بود. در این طرز تلقی، فرض بر این بود که بدن انسان با محیط اطرافش پیوستگی دارد. یعنی بدن انسان و محیط اطراف در یک تناظر و رابطه تنگاتنگ قرار دارند و آنچه در بدن انسان به عنوان بیماری می بینیم در حقیقت یک مابه ازای بیرونی نیز دارد و بالعکس. به عنوان مثال در افسانه های انگلیسی می خوانیم که با ناتوانی جنسی پادشاه، برکت از زمین می رود و بارآوری احشام مخدوش می شود و یا به علت گناه مردمان، طاعون و وبا در ملکی همه گیر می شود و یا زلزله واقع می شود. در شاهنامه آمده است که فریدون از آن رو ضحاک را نکشت، که بنا به تذکار سروش ایزدی، در زمین موجودات پلشت گسترده نشوند. در فرانسه قرون وسطی زنانی که در دوره منستوریشن بودند از لگد کردن انگور به منظور تهیه شراب بازداشته می شدند تا عمل آمدن شراب دچار اختلال نشود، زیرا این زنان در مرحله باروری نبودند!

در دوران مدرن نیز بسیاری از ما باور داریم که بیماری نوعی بختک و نفرین است. عقوبت گناه یا ظلمی است که انجام داده ایم و اکنون با زجر بیماری تقاص آن را پس می دهیم. این باور در افواه عامه قابل رصد کردن است که نوع مرگ، شدت بیماری و یا سختی آن را با کارهایی که فرد در دوران زندگی اش انجام داده پیوند می دهند. بسیاری از ما برای در امان ماندن از چشم زخم، به صدقه و اطعام روی می آوریم. گویی آنچه ما به جهان اطراف می بخشیم به سوی ما برمی گردد و در بیماری و سلامت ما و حتی در شدت و سختی آن موثر است.

حال آنکه پزشکی مدرن، حاصل یک گسست معرفت شناسانه است. بدن در پزشکی مدرن یک واحد متجزی است که به صورت خودبنیاد در جهان به زیست خود ادامه می دهد. بدن انسان در این طرز تلقی، مجموعه ای است از ارقام و شاخصه های کمی که در ترکیب با یکدیگر معنایی از بیماری و سلامت را بازنمایی می کنند. در همین راستا، در پزشکی مدرن اگرچه اظهار نظر بیمار تا حدی از اهمیت برخوردار است ولی در شناخت بیماری، نشانه های یافت شده از سوی پزشک اولویت اصلی را دارد. بدن انسان در حضور برخی عناصر (باکتری، ویروس، انگل، پرابون) به بیماری مبتلا می شود و پس از رفع و دفع این عنصر

مدرن می‌تواند دوره بیماری تبخال را به بیمار بگوید و احتمال بازگشت آن را تذکر بدهد. اما بیماری که با سرطان پیشرفته دست و پنجه نرم می‌کند و در منگنه روانی بیم و امید دست و پا می‌زند، از پزشکی مدرن جز سخنان خشک و علمی نمی‌شنود. پزشکان ترجیح می‌دهند امید بیهوده ندهند و یا به زبان دیگر توقع غیرواقع نیافرینند. زیرا هم پزشکی مدرن از این پیشگویی‌های دقیق دور است و هم مسوولیت چنین قولهایی برای پزشکان سپیدپوش سنگین است. در یک کلام پزشکی مدرن از اعجاز ناتوان است، حال آنکه طب حاشیه نویدبخش و رویا پرور است.

کسانی که در مراحل آخر بیماری‌های سخت قرار دارند، افرادی که در چنبره ناتوان کننده بیماری‌های مزمن دست و پا می‌زنند و انسانهایی که قدم به قدم با مرگ می‌زیند، نیاز به امیدی دارند که لحظات تلخشان را پایان بخشد و روزنه‌ای از نور برایشان بازکند. در چنین اوضاعی هر چقدر پزشکی مدرن ناتوان از اعجاز است، طب حاشیه نویدبخش و مثبت اندیش است. به جای پزشکانه با گره‌های تلخ بر ابروهایشان، درمانگرانی پیدا می‌شوند که نوید می‌دهند با خام‌گیاخواری می‌توان به همه دردها غلبه نمود، با خوردن عسل در همه وعده‌های غذایی می‌توان وسواس و اضطراب را درمان کرد و گلوله‌های کوچک داروی هومئوپاتی، درمان دیابت چسبنده و مزمن است! هر یک از این درمانگران، لشکری از معتقدان و باورمندان در کنار خود دارند که شورمندان از این شیوه‌های درمانی دفاع می‌کنند و نمونه‌های بسیار از اعجاز این شیوه را به مخاطب ارائه می‌دهند. علم مدرن، علم تجزیه‌گر تجربه‌گرا از نظر این باورمندان کور و نابیناست. ناتوان از شناخت رازهای انسان و طبیعت است. پیچیدگیهای انسان‌ها را نمی‌بیند و به خاطر خودبینی و عظمت طلبی‌اش، راه‌های ساده‌ای که برای درمان این بیماریها در طبیعت و جهان اطراف وجود دارد، به رسمیت نمی‌شناسد و حتی درک نمی‌کند که داروهای شیمیایی در برابر این ادویه گیاهی تا حد مضر و یا بی‌خاصیت است!

در یک کلام، بیمارانی مستأصل برای ایستادن در برابر سرنوشتی ناگزیر به این حاشیه امن به پناه می‌آیند، همچون زائرانی خسته که پای پیاده به معبدی دوردست می‌روند تا دریچه‌ای به فردا بکشایند؛ تا درد مدام ناامیدی را تسکین دهند و یا مرگ را به چالشی دیگر دعوت کنند. شاید بتوان در جهانی بدون روح، در وضعی بی‌اوضاع برای آه این خلق ستم‌دیده، اگر نه احترام که درکی درخور قایل شد.

سرمایه زدگی و از خودبیگانگی پزشکی مدرن

جامعه‌شناسان اوایل قرن بیستم، در زمانی که شهرهای کلان همچون کندیوهای از دود و آتش از زمین می‌رویدند به آنچه در شهر رخ می‌داد و تصویری که چنین گردهمایی بزرگی از انسانها تولید می‌کرد کنج‌اکو شدند. آنها شاهد

خارجی سلامت به بدن انسان باز می‌گردد. این منطق پزشکی حاصل شناخت علل بیماریهای عفونی و سپس توفیق پزشکی مدرن در کنترل این بیماری‌هاست. رعایت بهداشت، ضدعفونی و استریل کردن، آنتی بیوتیکها و تنظیم کننده‌های بیولوژیک به کار آن می‌آمد که بدن در مواجهه کمتری با این عناصر قرار بگیرد، این عناصر حذف شوند و یا اثرات آنها تحت کنترل قرار گرفته و خسارات ناشی از آن جبران شود.

هر چقدر پزشکی مدرن در شناخت و مواجهه با بیماری‌های عفونی (به جز استثنائاتی چون ایدز) موفق بود، در شناخت بیماریهای تجمعی یا بیماریهای سبک زندگی ناتوان می‌نمود. رابطه علی و معلولی در بیماریهای تجمعی چندان قابل رصد کردن نیست بلکه عوامل همبسته *correlative factors* در این بیماریها مطرح می‌شود. در حقیقت نمی‌توان یک علت سراسر برای بیماری برشمرد و برای رفع آن اقدام کرد. به عنوان مثال فردی سالها سیگار می‌کشد ولی سرطان ریه سراغی از او نمی‌گیرد، چربی و قند زیاد مصرف می‌کند ولی لاغر می‌ماند و دیابت از او فرسنگها دور است. حال آنکه از نظر آماری مصرف مواد پرکالری و قندهای ساده با چاقی، بیماری قلبی و دیابت همبستگی معنادار دارد. پزشکی مدرن در توضیح این امر ناتوان است که چرا سرطان، بیماری قلبی و بیماریهای متابولیکی در یک لحظه خاص می‌تواند به سراغ کسی بیاید و از فرد دیگری دوربماند. در این دره و شکاف است که طب حاشیه شکفته می‌شود و به حیات اجتماعی برمی‌گردد.

طب حاشیه توضیحی در جیب دارد که با تصور پیشامدرن ما از بدن خودمان پیوند دارد. این رویکرد با رازگونگی خاص خود تصویری مه‌آلود و مبهم از بیماری و علل آن ارائه می‌دهد که در ناخودآگاه پیشامدرن ما کدگذاری شده است و می‌تواند ما را توجیه کند. بیماری در این رویکرد امری مربوط به بدن بیولوژیک ما نیست، بلکه به جهانی بزرگتر پیوند می‌خورد. بدن انسان در پیوندی رازآمیز با دنیایی بزرگتر قرار دارد که پزشکی مدرن آن را نمی‌بیند ولی طب حاشیه بر آن مسلط است. درمان در این شیوه نیز به اعتقاد وابسته است: اول باید آن را پذیرفت تا باور میسر شود. پس از باور راه‌هایی از بیماری روشن می‌شود حتی اگر هیچ توضیح واقعا علمی برای آن وجود نداشته باشد. و طرفه اینجاست که باور در مواردی هرچند معدود و محدود می‌تواند به بهبودی کمک کند و یا اگر درمان را به ارمان نیاورد با آفریدن دنیایی دیگر در پیش چشم بیمار، به درد و بیماری او معنایی متفاوت بدهد و خشنودی و آسایش روانی بیمار را فراهم آورد.

در برابر سرنوشت ناگزیر

پزشکی مدرن در شرایط سخت مرزهایی نامشخص دارد. یعنی خود به معنای نهاد پزشکی نمی‌تواند در لحظات بحرانی بیمار پیش‌بینی قاطعی از آینده بدهد. پزشکی

آنها دارند به زیست خود ادامه می دهند، چه نپسندیم و چه انکار کنیم!

سخن آخر

وسوسه ای بی پایان برای بازکردن راهی به رهایی وجود دارد که باید از آن پرهیز کرد. در حضور ذهنیت پیشامدرن از خویشتن و جهان، در دوران غلبه و سطوت سرمایه بر تمامی زوایای انسان و همچنین ناتوانی پزشکی مدرن در گشودن روزنه امیدی برای بیماری های صعب العلاج، آیا می توان به رهایی اندیشید؟ آیا رویکردهای نصیحت گرانه و تقوامنشانه، می تواند راهی نو پیش پای پزشکی نوین باز کند؟ آیا رویکردهای ژورنالیستی و راه حل های یک شبه می تواند در برابر بازار بزرگ درمان و دارو سد بگذارد و مقررات و قاعده را به آن تحمیل کند؟

طب حاشیه در جهان مدرن به زیست خود ادامه می دهد، علی رغم همه گسستهایی که تجدد به ارمغان آورده است. تجددی ناتمام که انسان را از بندهای پیشین گسسته است و به بندی دیگر بی اعتنا مانده. انسانی رها شده به حال خود، در جهانی ناامن که فرد به تنهایی باید گلیمش را از آب بیرون بکشد، در دنیایی که ترس از بیماری، بیکاری، بی نانی و بی کسی بر آن سایه انداخته است، طب حاشیه همچنان فاتح و فیروز است. زیرا خرافات در جهانی تداوم می یابند که نیازمند خرافه و در سودای اعجاز است. اعجازی که با پیوند دادن فرد به نیرویی بالاتر و نیرومندتر او را از ترس مدام رهایی دهد، به بیماری و رنج معنایی دیگر بخشد و تا دم مرگ او را به آرامی بدرقه کند

پس رهایی در گرو تغییر جهانی است که خرافه را ناگزیر می کند. در آفریدن جهانی بدون ترس است که انسان در آن پناه انسان باشد!

بودند که غریبه در یک روستا سریعاً شناسایی می شود، حال آنکه در شهری بزرگ تقریباً همه غریبه اند. به همین ترتیب اگر در یک روستا کسی بر زمین بیفتد، همه از احوال او جویا می شوند، حال آنکه مرگ گدایی در کنار خیابانی شلوغ تأثیری بر نمی انگیزد! پس در شهر همه غریبه اند و خود نیز غریبه ای!

بیمارستان نیز در قیاس بالا، شهری بزرگ است. اگر روزگاری حکمای محله و پزشکان خانواده با تولد، بیماری، عزا و شادمانی مردمان اطرافشان دمخور بودند، پزشکی که در بیمارستان روزانه ده ها بیمار را ملاقات می کنند و شاهد درد و رنج صدها نفر هستند، از درد انسانهای اطرافشان ناگزیر دورند. خبر سرطان یک دختر جوان برایشان همانقدر مهم است که خرابی ماشینشان. مرگ یک بیمار در اتاق عمل همان میزان تکانشان می دهد که مرگ یک کبوتر بر بالای دیوار خانه شان. رگهای گرفته یک مرد پنجاه ساله برایشان در همان حدی دغدغه ساز است که ترافیک شهری! اگر اینگونه نباشند هجوم بنیان کن تکانه ها، جانی برایشان نمی گذارد. در مواجهه با اینهمه بدبختی و مصیبت غرق می شوند و چون کشتی بی سامان در دریایی متلاطم از قله موجی به حضیضی دیگر می روند.

اگرچه سردی و دوری پزشک از درد بیمار، بخشی جدایی ناپذیر از پزشکی مدرن بیمارستانی است، حضور سرمایه آن را تشدید می کند. سرمایه داری شیوه ای از تولید است که در گردش چرخهای این جهانی اش، زهری ترشح می کند به نام بیگانگی. در روند تولیدی چنین برنامه ریزی شده و جزء اندیش، تولیدگران از کاری که انجام می دهند، از محصولی که تولید می کنند و از جهانی که می آفرینند بیگانه و دور می شوند. پزشکان نیز اسیر این روند بیگانه سازند. آنها مهارت و دانششان را در بازار می فروشند و در ازای پولی که دریافت می کنند درمان تولید می کنند. پس کالایی شدن هرچه بیشتر رابطه پزشک و بیمار، به ذهنیت کالایی شده می انجامد. اگر پزشک بیمارستانی از بیمار دور شده بود در این فرایند دورتر و سردتر می شود. زیرا بدن بیمار فقط ابژه تغییر است. بیمار نه تاریخی دارد نه موجودیتی انسانی، بیمار یک سیستم کژکارکرد است که باید تعمیر شده و در ازای آن پولی دریافت شود. در یک کلام پزشک از کار پزشکی خود بیگانه است. در چنین دنیایی می توان فرض کرد که همدردی با بیمار تا چه حد دور از ذهن است. مگر تعمیرکار از خرابی پیستون متأثر می شود؟ مگر پنچری لاستیک ماشین می تواند باعث حزن و اندوه شود؟

در چنین جهان بیگانه ای باید به بیماران حق داد که به سراغ طب حاشیه بروند. حاشیه ای که کاملاً در متن بیگانه و سرمایه سالار متن حل نشده است و هنوز روی خوش و همدردی را از مراجعه کنندگان دریغ نمی کند. درمانگرانی که بیمارانشان را درک می کنند، راه حل های گرمابخش و نویددهنده در آستین دارند و گوشه برای نیوشیدن دردهای

است چرا که بسیاری از اجساد طعمه دریا شده و محاسبه نمی‌گردند. تنها در 6 ماه نخست سال 2016 رقم کشته شدگان در دریای مدیترانه 67 درصد نسبت به سال میلادی گذشته افزایش یافته است و این منطقه توسط سازمان ملل به عنوان "قبرستان باز مهاجران" اعلام شده است.

افغانستان طی سه دهه اخیر همواره بالاترین تعداد پناهندگان و مهاجرت‌های اجباری را داشته و از سال 2013 به بعد کشور سوریه رتبه اول این مهاجرین را به خود اختصاص داده است. طبق آمار سازمان صلیب سرخ جهانی در حدود 76 درصد از مردم افغانستان حداقل برای یک بار در زندگی خود، مهاجرت و یا آوارگی داخلی یا خارجی را تجربه نموده‌اند. اگرچه مهاجرت‌های غیرمترعارف اتباع افغان به استرالیا از جمله مهمترین جابجایی‌های بین المللی است ولی از سال 2015 دولت استرالیا قوانین سخت‌گیرانه تری در کنترل‌های مرزی خود اعمال کرد که منجر تغییر مسیر پناهجویان افغان به سمت اروپا شد. بعد از تشکیل اتحادیه اروپا و تسهیل جریان حرکت جمعیت در طول مرزهای داخلی این قاره همواره یکی از مقاصد اصلی جریان مهاجرت بین المللی بوده است.

به طور کلی طبق اصول و قوانین پذیرفته شده حقوق بشر بین المللی از جمله منشور حقوق بشر، کنوانسیون پناهندگان 1951 و کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، هر فرد بشر حق دارد کشور خود را ترک کند. همچنین افراد حق ارایه درخواست پناهندگی به هر کشور دیگری را دارند و دولت‌ها بر اساس همین اصول پذیرفته شده موظفند با پناهندگان رفتار انسانی داشته و آنها را به خاطر ورود غیرقانونی به مرزهایشان مورد مجازات قرار ندهند. کلمات حوزه مهاجرت همگی دارای بار حقوقی و معنایی ویژه هستند که عدم شناخت معنای حقوقی کلمات باعث عواقب بسیاری هم در حوزه سیاست‌گذاری و هم در حوزه فردی و خانوادگی می‌شود. مهاجرت در معنای کلی به دو صورت داوطلبانه و اجباری صورت می‌پذیرد. افراد در مهاجرت‌های داوطلبانه به منظور به منظور دستیابی به زندگی بهتر با اختیار به مهاجرت مبادرت می‌ورزند و همواره تحت حمایت دیپلماتیک کشور متبوع خود هستند. عمده مطالعات مهاجرتی در عرصه دانشگاهی بر مهاجرت‌های داوطلبانه تاکید دارد و مهاجرت‌های اجباری مغفول مانده است. گروه دیگری از افراد به دلایل متفاوتی به مهاجرت‌های اجباری و عمدتاً غیرمترعارف سوق می‌یابند. افراد بدون شناسنامه، گذرنامه و مدرک هویتی، غیرداوطلبانه، بدون آگاهی و به اجبار سرزمین خودشان را ترک نموده و در دنیایی تاریک و با ناامیدی به مقصدی نامعلوم حرکت می‌کنند. وضعیت این افراد به گونه‌ای است که حتی از جان خویش نیز می‌گذرند. این مهاجرت‌ها اجباری و بخشی از آنها غیرمترعارف است.

شناخت مناسب از تعاریف واژگان و ابعاد حقوقی آنها یکی از

صنعت قاچاق انسان: آسیب شناسی مهاجرت غیرمترعارف افغانستانی از ایران به اروپا¹

سعیده سعیدی

مهاجرت به عنوان مولفه سوم تغییرات جمعیتی در کنار باروری و مرگ و میر تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع مختلف می‌گذارد و با تحولات سال‌های آغازین قرن بیست و یک روندی فزاینده داشته و به یکی از مهمترین چالش‌های جامعه جهانی تبدیل شده است. مهاجرت از پدیده‌ای اجتماعی به یک پدیده سیاسی در نیمه آخر قرن بیستم تبدیل شد و بعد از حملات تروریستی 11 سپتامبر به یک مسئله امنیتی تبدیل شده است. در نتیجه گسترش جنگ‌های داخلی و بین‌المللی طبق آخرین آمار سازمان ملل متحد در سال 2016، حدود 63.5 میلیون نفر به عنوان مهاجرین اجباری در سطح جهان شناخته شدند که از این تعداد، 16 میلیون نفر پناهنده²، سه میلیون نفر پناهجو³ و حدود 41 میلیون نفر آواره داخلی⁴ می‌باشند. پیچیدگی دریافت اجازه ورود قانونی، اتخاذ مکانیسم‌های سخت‌گیرانه و کنترل فرایند مهاجرت توأم با افزایش عدم ثبات و خشونت در مناطق مختلف جهان موج بیشتری از مهاجران را در قالب پناهندگی و آوارگان مترعارف و غیرمترعارف روانه کشورهای اروپایی کرده است.

طبق اعلام سازمان ملل، مهاجرت‌های بین‌المللی در سال 2015 بسیار "ناامن" گردیده است چرا که میلیون‌ها انسان به علت فقر و ترس از اخراج، به طرق غیرقانونی و عمدتاً از روش‌های سنتی مبادرت به مهاجرت می‌نمایند. در نتیجه منازعات داخلی در خاور میانه و بسیاری از کشورهای آفریقایی میلیون‌ها مرد، زن و کودک آواره برای رسیدن به اروپا موطن خویش را رها می‌کنند و راهی مسیری بس مخاطره آمیز و بی‌بازگشت می‌گردند. امروزه با گسترش وسایل ارتباط جمعی و دسترسی آسان افراد به داده‌ها در اقصی نقاط جهان روند جابجایی انسان از سرعت و سهولت بالایی برخوردار گردیده است.

هدف اصلی این سخنرانی شناخت الگوهای مهاجرتی و واکاوی رفتارهای مهاجرتی اتباع افغان ساکن ایران در عرصه مهاجرت‌های غیرمترعارف به سمت اروپا و چالش‌های آنها با تاکید بر "دریای مدیترانه و دریای اژه" به عنوان بزرگترین نقطه ترانزیتی قاچاق انسان می‌باشد چراکه در سال گذشته میلادی 69 درصد پناهجویان کشته شده در این منطقه به ثبت رسیده‌اند. در واقعیت تعداد افرادی که در نتیجه قاچاق از طریق دریا جان خود را از دست می‌دهند بسیار بیشتر از گزارشات سازمان‌های بین‌المللی

۱. سعیده سعیدی، دکترای انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی،

دانشگاه برمن آلمان

Refugee

Asylum seeker

Internally Displaced Persons (IDPs)

نداشتن اجازه اقامت، تمدید کارت آمایش و خصوصی شدن دفاتر کفالت و هزینه های تمدید کارت، مسئله آموزش و دسترسی به آموزش رایگان و شهریه مدارس، نداشتن بیمه درمانی و مشکلات پزشکی و هزینه های درمان، تبلیغات پرجاذبه دلالتان قاچاق انسان، شرایط بهتر آموزش در کشورهای مقصد، امکان بیشتر گرفتن تابعیت، شغل بهتر، امکان ادغام اجتماعی در جامعه میزبان و امنیت بیشتر از جمله مشکلات اتباع افغان ساکن در ایران می باشد که در تصمیم افراد به مهاجرت مجدد موثر است. همچنین در نتیجه افزایش ناامنی در افغانستان طی سال‌های اخیر، ظهور مجدد طالبان و داعش، تبعیض های خشونت آمیز علیه زنان و اقلیت ها به ویژه شیعیان، بیکاری و ناامنی اقتصادی بازگشت مهاجرین به افغانستان بسیار کند شده و در مقابل مهاجرت به کشورهای ثالث به ویژه به اروپا گسترش چشمگیری در میان جوانان مهاجر افغان ساکن در ایران یافته است.

برای پناهجویان خاور میانه ای، ترکیه به عنوان اولین کشور ترانزیت به منظور ورود به دروازه اتحادیه اروپا می باشد که در نتیجه این امر این کشور در حال حاضر بزرگترین کشور مهاجرپذیر در جهان می باشد. مسیر این مهاجران بعد از ترکیه از طریق عبور از دریای مدیترانه غربی به سمت یونان ادامه می یابد. رسیدن به یکی از دروازه های اتحادیه اروپا به منظور استفاده از قانون شکنی و سهولت تردد در داخل اتحادیه اروپا به عنوان یکی از مهمترین انگیزه های پناهجویان افغان در استفاده از مسیر دریای مدیترانه و دریای اژه می باشد. پناهجویان با چالش های متعددی در کشورهای ترانزیت مانند ترکیه و یونان مواجه می گردند. بالا بودن جمعیت پناهجویان در سال های اخیر بعد از بحران سوریه، نداشتن زیرساخت های لازم برای تامین نیازهای اولیه مهاجران، تفاوت های فرهنگی، زبانی و مذهبی پناهجویان افغان به ویژه شیعیان، عدم دسترسی به آموزش مناسب برای کودکان پناهجو، نداشتن اجازه کار و در نتیجه بحران تامین معیشت خانواده های عمدتاً پر تعداد پناهجویان افغان از جمله مهمترین مشکلات پیش روی پناهجویان در کشورهای ترانزیت می باشد.

افرادی که از ترکیه به سمت یونان می روند به مدت نامعلومی در "مراکز پذیرش و شناسایی"^۵ قرار خواهند گرفت در این مراکز افراد سرپناه، خدمات درمانی اولیه و غذا و دسترسی به اطلاعات حقوقی خواهند داشت. از دیگر چالش های پیش روی پناهجویانی که در مسیر مهاجرت های غیرمعارف قدم میگذارند ابعاد مالی سفر می باشد که نه تنها باید به بحث دستمزد بالای قاچاقبران اشاره داشت بلکه گزارش های متعددی در خصوص کلاهبرداری از پناهجویان در میانه مسیر موجود است و افراد به علت نداشتن مدارک هویتی معتبر امکان دادخواهی نخواهند

مهمترین راه های کاهش فرایند قاچاق انسان است. بسیاری از پناهجویان بدون داشتن ایده و آگاهی نسبت به تعارف و دسته بندی های حقوقی وضعیت های پناهندگی به این کار مبادرت می ورزند در حالیکه هر کدام از این وضعیت ها حقوق و تعهدات خاص خود را دارد و شرایط احراز آنها متفاوت و زمانبر است. طبق مصاحبه های صورت گرفته درصد بالایی از افراد از معنای حقوقی وضعیت های مختلف، تعهدات و شرایطی که در هر وضعیت متوجه افراد می شود مطلع نبوده و صرفاً با یک ایده کلی و در خیلی از موارد غیرواقع بینانه قدم در این مسیر می گذارند که منجر به ایجاد هزینه های مالی و جانی زیادی برای افراد و خانواده های درگیر می شود.

پناهجویی یک تعریف قانونی و مشخصی دارد و همه مهاجران واجد شرایط احراز این عنوان نمی باشند و براساس کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهنده کسی است که به دلایل نژاد، مذهب، ملیت یا عضویت در یک گروه خاص اجتماعی یا عقیده سیاسی، ترس موجهی از آزار دارد و در خارج از کشور اصلی خود به سر می برد و به علت ترس از آزار قادر یا مایل به برخورداری از حمایت آن کشور یا بازگشت به آن نیست. در حالیکه پناهجو فرد خارجی است که در جستجوی حمایت بین المللی که در کشور خارجی درخواست پناهندگی داده اما هنوز حق اقامت پناهندگی را دریافت ننموده است. عدم شناخت صحیح از تفاوت این دو موقعیت، منجر به اشتباه محاسباتی بسیاری از جوانان در راستای اقدام به حرکت در مسیر مهاجرت توسط باندهای قاچاق انسان می گردد.

اگرچه فرایند قاچاق انسان به عنوان یکی از فجایع بشری و خلاف کرامت انسانی می باشد اما به صنعتی پرسود در جهان تبدیل شده است. با مطالعه جامع تر فضای مهاجرتی و پناهجویی به ویژه در میان جامعه هدف (افغان) حضور شبکه های درگیر به شدت دیده میشود. تصمیم به مهاجرت نه فقط عملی فردی در سطح خرد بوده بلکه تحت تاثیر عوامل کلان ساختاری رخ می دهد و در این راستا مفاهیم جدیدی مانند "صنعت مهاجرت"، "صنعت قاچاق انسان" و "صنعت کمک" مورد توجه محققین قرار گرفته است.

منبع اطلاعات افراد در مورد کشور مقصد عمدتاً شبکه های دوستی و فامیلی، اینترنت، رسانه های جمعی و واسطه های قاچاق بران می باشد. امروزه باندهای قاچاق انسان بشدت از گسترش خدمات ارزان فناوری و تکنولوژی برای تبلیغ و ارائه خدمات و جذب مشتری استفاده می نمایند. با توجه به غیر قانونی بودن فعالیتشان این گروه ها با شبکه سازی گسترده در فضای مجازی به جمع آوری نیرو و داده و مسیریابی و دور زدن کانال های قانونی می پردازند. استفاده از واتس اپ، وایبر تلگرام، اینستاگرام و فیس بوک راه های بسیار ارزان و در دسترس برای شناسایی جوانان جویای پناهجوییست.

داشت. فقدان عاملیت افراد در انتخاب مقصد به ویژه در مورد کودکان بدون همراه^۶ از جمله دیگر مشکلات مهاجرت های غیرمتمعارف می باشد. بسیاری از مصاحبه شونده‌گان اعلام داشته اند که در جریان مسیر بارها مسیر حرکت توسط قاچاقبران تغییر یافته و یا در مواردی حتی مقصد نهائی نیز علیرغم قرار اولیه، تغییر یافته است. فرایند تشکیل پرونده و نهایی شدن درخواست افراد در کشورهای ترانزیت، به علت بالا بودن حجم پرونده ها فرایندی زمانبر است که افراد از سردرگمی در برزخ^۷ رنج می برند. نداشتن دسترسی به کار و آموزش مناسب سختی های مسیر را برای بسیاری از خانواده ها افزایش می دهد.

به هر روی مسئله مهاجرت های غیرمتمعارف جوانان به عنوان مسئله ای پر هزینه و چالش آفرین باید مورد توجه دستگاه های تصمیم گیر، رسانه ها و مراکز تحقیقاتی کشور قرار گیرد. گسترش مطالعات میدانی در خصوص وضعیت پناهجویان در کشورهای ترانزیت و مقصد، افزایش مبارزات کیفی و اقدامات بازدارنده علیه عوامل کلیدی در فرایند مهاجرت غیرمتمعارف، اطلاع رسانی و افزایش آگاهی عمومی درباره خطرات مهاجرت های نامتمعارف از طریق رسانه ها و وسائل ارتباط جمعی و سازمان های مردم نهاد از جمله اقدامات پیشنهادی در راستای تحدید هزینه های انسانی و مالی مهاجرت های بین المللی خواهد بود.

انسان‌شناسی ملاصدرا و مسأله فرهنگ

عبداله صلواتی

در مسأله فرهنگ، انسان حضور جدی دارد و منظور از انسان و توجه به او لزوماً فیزیک انسان نیست، بلکه انسان، یعنی ذهنیات آدمی، کنشهای او، تجربه‌های شخصی و تاریخی او، موارث فرهنگی و دانشهای بومی. بنابراین برای توجه جدی به مسأله فرهنگ باید به دانشهای بومی توجه جدی کنیم.

از آنجایی که ما زیست جهانی- محلی داریم نه زیست صرفاً جهانی یا زیست صرفاً محلی، برای بازاندیشی مستمر فرهنگی و توجه جدی به مسأله فرهنگ چاره‌ای نداریم جز اینکه به میراث فکری و فرهنگی ایرانی توجه ویژه داشته باشیم. بنابراین حصر نظر به فیلسوفان و متفکران غربی نمیتواند مواجهه کارآمدی با مسأله فرهنگ باشد. همچنین، با حصر نظر به فیلسوفان و متفکران ایرانی نمیتوان بنحو اثربخشی درباره فرهنگ اندیشید.

با این مقدمه خواستیم ضرورت توجه به متفکران ایرانی از جمله ملاصدرا را در خصوص توجه به مسأله فرهنگ در ایران برجسته کنیم.

گرانیکاه بحث امروز: طرح تلقی سهگانه از انسان است و تأکید بر تلقی سوم. بر این عقیده‌ام که تلقی سوم از انسان میتواند بیش از تلقیهای دیگر از انسان، میتواند به مؤلفه‌های مثبت فرهنگی کمک کند و در اصلاح، هدایت، مدیریت، خودترمیمی، و بازنگریها در عرصه فرهنگ، سیاست، و اقتصاد باید تلقی سوم را به رسمیت شناخت.

تلقی نخست: انسان بماهوشی: این تلقی انسان را به شی و عدد و ارقام فرو می‌کاهد؛ غالباً این تلقی را در تضاد با مؤلفه‌های مثبت فرهنگی میدانند و آن را همخانه و علت کاستی فرهنگی میدانند؛

تلقی دوم: انسان بماهو انسان: غالباً سعی میکنند حقوق بشر و فرهنگ و تمدن را مبتنی بر این تلقی بدانند. در حالی که انسان بماهو انسان یک مفهوم تهیای است و هیچ کمکی به ما نمیکند. مرحوم حائری سعی کرده حقوق بشر را بر کلی طبیعی انسان بنا کند یعنی همین انسان بماهو انسان. در حالی که کلی طبیعی همان ماهیت است و در فلسفه صدرایی ماهیت تحقق اصیل ندارد مگر در پناه وجود. بنابراین آنچه باید مبنای فرهنگ و حقوق بشر باشد امر انضمامی و عینی است که همان وجود است و وجود بحسب عوامل علمی و رفتاری و زمان تطورات و ظهورات انواعی متفاوتی دارد و این تفاوت‌ها باید در عرصه فرهنگ مورد توجه باشد. به نظر میرسد تلقی دوم از انسان مبنای برخی از جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان و معرفت‌شناسان و فیلسوفان است.

تلقی سوم: انسان بماهو مرتبط با هستی و زمان. این تلقی در ملاصدرا در قالب زیست نوعهای انسانی وجود دارد. با مبنا قرار دادن این تلقی شاهد فرهنگی متفاوت خواهیم بود؛ فرهنگی که کما و کیفاً از کاستی فرهنگی فاصله دارد. تلقی سوم از انسان به برنامه ریزی فرهنگی و نظام سیاسی کارآمدتری میانجامد و واژه «مردم» با تمام طول و عرض لحاظ و لمس و مورد اعتنا قرار میگیرد.

برخی معتقدند: فرهنگ در جایگاه اصلی اش زیر بنای توسعه، برنامه ریزی و اقتصاد و سیاست است

اما به نظر: فرهنگ «زیربنا» نیست.

فرهنگ و اقتصاد و سیاست رشد ریزومی دارند بهترین استعاره در بازنمایی این سه، استعاره ریزومی است نه استعاره درختی.

اگر سیاست رشد پرشتاب داشته باشد اما فرهنگ نحیف باشد سرعت رشد سیاست متوقف می شود یا رشدش دیگر در راستای تعالی انسان نیست بلکه سر از استبداد در می آورد.

نرم افزار سه گانه فرهنگ، سیاست، و اقتصاد، نگرش‌ها و انگاره‌های ذهنی هستند. در اصلاح، هدایت، مدیریت، خودترمیمی، و بازنگریهای این سه (فرهنگ، سیاست، و اقتصاد) باید انسان تاریخی و زیست نوع‌های انسانی را به رسمیت شناخت نه انسان بماهو انسان و نه انسان بماهو شی.

فلسفه ملاصدرا و امکانات درونی آن میتواند در خصوص بازاندیشی درباره فرهنگ و نسبت ما و فرهنگ گرههایی را بگشاید و گشایشهایی ایجاد کند. یکی از اشکالات مشهور به فلسفه ملاصدرا این است که الهیات آن فربه است و انسان‌شناسی او ضعیف و نحیف.

در حالیکه آن توجهی که ملاصدرا به انسان دارد و کرامتی که برای انسان مطرح است بلحاظ کمی، چشمگیر و بحسب کیفی، قدرتمند است. مدل‌های مختلفی که از انسان صدرایی مطرح است در هیچ فلسفه‌ای مطرح نیست حتی در اصل فردیت فیلسوفان اگزیستانس هم تنوع انسان ملاصدرا مطرح نیست. کمترین تفاوتش این است که انسان اگزیستانس از دنیا شروع می شود و انسان صدرایی قبل دنیا و در ملاصدرا زیست نوع انسانی مطرح است.

در نظر گرفتن همه مدل‌های انسانی یعنی دیدن همه انسانها و پرهیز از یکسان‌انگاری انسان‌ها و تقلیل طیفی به طایفه‌ای.

یکی دیگر از اشکالات رایج مرزبندی میان انسان‌های مومن و کافر است و اینکه در جامعه اسلامی بنابر نظر صدرا یا هر فیلسوف دیگر، فقط مومنان هستند که

جامعه تک صدا هر دو گوش چپ و راستش انسداد یافته (یا مسیرها و مکانیسم‌های منتهی به این دو گوش پرسنگلاخ یا مسدود است) و فقط زبان دارد.

در فرهنگ‌هایی که تنوع نگرش‌ها و انگاره‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود «مردم» قبض پیدا می‌کنند. یعنی فقط برخی از نفوس جامعه، «مردم» هستند و مابقی به حساب نمی‌آیند و این نادیده گرفتن بخشی از آدمها از هر سرکوب فیزیکی و نظامی خشونت بارتر است.

بنابر انسان‌شناسی صدرا که بحسب هستی و زمان، متفاوت است و متنوع، باید برای فرهنگ، نسخه‌های پیچیده و متنوع عرضه کرد. انتظار نسخه‌های واحد مسبوق به یکسان انگاری انسانهاست و این پیش فرض نادرست که انسانها نوعاً واحدند و تفاوتشان در عوارض است میتواند سرآغاز زمینه‌سازی برای نوعی استبداد و خشونت باشد.

در نظر نگرفتن تنوع انسانی به برنامه ریزی فرهنگی نادرست منتهی می‌شود. چون جامعه و نظام سیاسی که این تنوع را لحاظ نکند در عمل دارد برای طیف محدودی برنامه ریزی می‌کند نه همه مردم.

در نظر نگرفتن تنوع انسانی به کاستی فرهنگی میانجامد. کاستی فرهنگی را از آقای دکتر نعمت الله فاضلی وام گرفتیم. ایشان از نادیده گرفتن انسان و فروکاست آن به اشیا، به کاستی فرهنگی یاد می‌کنند. من می‌خواهم مفهوم کاستی فرهنگی ایشان را فربه تر کنم و بگویم نادیده گرفتن تنوع انسانی در عمل، یعنی نادیده گرفتن بخش عظیمی از آدمها.

در نظر نگرفتن تنوع انسانی بحسب هستی و زمان مقدمات نفی تنوع فرهنگی را فراهم می‌کند. و بیگانه شدن با تنوع فرهنگی به نشنیدن صدای همه مردم و خروج متافیزیکی نه جغرافیایی مردم از یک اقلیم فرهنگی میانجامد.

در نظر نگرفتن تنوع انسانی موجب اختلال در سطوحی از فرهنگ میشود: اختلال در دانشگاه، اختلال در آموزش و پرورش، اختلال در پژوهش.

دیده می‌شوند و حق و حقوق دارند و این یعنی ندیدن بخش بزرگی از مردم.

اما با مراجعه دقیق به آثار صدرا در مییابیم که او همه از جمله انسانها را مظهر اسمی از اسمای الهی می‌داند حتی بدان نیز مظهر اسمای الهی اند البته مظهر جلال حق و بدان هم به وظیفه خود در دار هستی می‌پردازند بنابراین از این جهت باید حقوقشان را مراعات کرد و با آنها اهل مدارا بود.

شاید از همین جهت است که امام معصوم سفارش می‌کند مردم را عیال الله بدانید- نفرمود فقط مومنان عیال الله اند بلکه مردم. در مردم هم خوب و بد و مومن و کافر هستند-

یا در روایت دیگر آمده: اگر انسانها بدانند خدا چقدر آنها را متفاوت آفرید همدیگر را سرزنش نمی‌کردند.

«مردم ناگزیر نیازمند حاکمند چه نیکوکار و چه زشتکار؛ به نحوی که در حکومت او مؤمن توانایی کار و تلاش برای زندگی پیدا کند و کافر در سایه حکومتش بهرهمند شود و خداوند فرجام زندگی را به نهایت آن برساند.»^۸

انسان‌شناسی ملاصدرا نه در قلمرو موجود که در ساحت وجود و نه بسته در نسبت با هستی و محدود به حیوان ناطق که گشوده به هستی و جاری در تاریخ است.

انسان به روایت صدرا گشوده به هستی است؛ یعنی بنابر نگرش وجودی و اشتداد وجودی به انواع گوناگونی تبدیل می‌شود؛ انواعی که نیازها، رازها، و اقتضائات گونه‌گون دارند؛ انواعی که امید، آرزو، سعادت، دلهره، اضطراب، انتخاب، نگرش، کنش، کشش شان متفاوت است.

همچنین، انسان به روایت صدرا گشوده به زمان است؛ یعنی انسان بحسب دوره‌های مختلف تاریخی ظهور متفاوتی دارد. عقلش، تدبیرش، کنش‌هایش، و مواجهه‌اش با عالم و آدم و ساختارها و قدرت متفاوت است.

بنده بر پایه اصول فلسفی صدرا و امکانات درونی آن، زیست نوعهای انسانی را استنباط کرده است. این زیست نوع فزاتر از کثرت نوعی انسانهاست. در زیست نوعهای انسانی، عنصر زمان میتپد و تنوع‌های جوهری انسان‌ها به رسمیت شناخته می‌شود.

نگرش‌ها و انگاره‌ها در انواع انسانی، مختلف و رنگ رنگ است. همانطوری که کثرت نوعی انسان‌ها را به رسمیت می‌شناسیم باید تنوع این نگرش‌ها و انگاره‌ها را هم به رسمیت بشناسیم.

به رسمیت نشناختن تنوع نگرش‌ها سر از استبداد و خشونت در می‌آورد و محصولش جامعه تک صداست.

گزارش نشست سرمایه داری دیجیتال

روح اله نصرتی

بخش اصلی این رشد شکاف است. شکاف دیجیتال نه در حال کاهش بلکه در حال افزایش است.

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد شکاف دیجیتال هرگز پر نخواهد شد (افریقا 100 سال زمان نیاز دارد تا به سطح 1995 ایرلند برسد)

راه حل‌های دیجیتال نمی‌تواند کمبود زیرساخت‌ها را رفع کند. با وجود فقر روستایی ارتباطات در همه روستاها با اشتیاق دنبال می‌شود.

گفتمان شکاف دیجیتال یادآور الویت نیازهای سرمایه‌ای بر نیازهای محلی است

- جامعه جهانی در چند دهه گذشته شاهد تغییرات جدید و شگرفی شده است. و همین تغییرات باعث شکل‌گیری جامعه جدید با مختصات جدید شده است که در ادبیات علوم اجتماعی با عناوین مختلف از جمله جامعه اطلاعاتی، جامعه پسا صنعتی، جامعه مصرفی، سرمایه داری متاخر و ... صورت‌بندی شده است. بر مبنای مدل ارنست مندل سرمایه داری متاخر ناب‌ترین شکل سرمایه داری است که با ویژگی‌هایی نظیر غلبه شرکت‌های چند ملیتی، جهانی شدن بازارها و کار، مصرف انبوه و گسترش فضا برای جریان‌های چند ملیتی و سیال سرمایه - که دیگر به دولت و ملتی خاص محدود نمی‌شود و مرزهای اعتباری را درمی‌نوردد - شناخته می‌شود. این شکل از سرمایه داری در گفتمان توسعه تحت عنوان پارادایم فناوری اطلاعات و ارتباطات برای توسعه توجیه می‌شود. این پارادایم مبتنی بر ایده شکاف دیجیتال است و راهکار حل این مساله توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات است. در این پارادایم شکاف با اصطلاح‌های فنی تشریح می‌شود و راهکار حل شکاف نیز راه حل دیجیتالی و فنی توصیه می‌شود.
- این گفتمان مبتنی بر ایده شکاف دیجیتال و اپارتاید سایبری است
- راه حل پر کردن شکاف دیجیتال توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات است
- شرح شکاف با اصطلاح‌های فنی و راه حل‌های فنی مطرح می‌شود در نتیجه برای مشکلات دیجیتال راه حل دیجیتال ارائه می‌شود.
- کاهش اصلی شکاف دیجیتال به شدت از طرف نهادهای اصلی از جمله بانک جهانی و سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات جهانی ترویج می‌شود
- بدین ترتیب کلید کاهش شکاف بین فقیر و غنی نیز فناوری اطلاعات معرفی می‌شود. با این رویکرد فناوری اطلاعات تبدیل به میان‌بری سریع برای توسعه تعریف می‌شود. در حالی که وضعیت موجود جهان گویای شکاف‌هایی به شرح ذیل است:
- امروز شکاف درآمدی شدیدی وجود دارد و فناوری اطلاعات نه تنها نتوانسته بر آن غلبه کند بلکه نسبت به افزایش آن بی تفاوت بوده و آن را تقویت کرده است.
- علل اصلی رشد نابرابری هم در درون جوامع و هم بین جوامع از دهه 1980 رشد تفاوت‌های مهارتی است و فناوری اطلاعات و سواد دیجیتال

احیا و ایجاد فضاهایی با هویت، سرزنده و زیست‌پذیر برای انسان است. به همین دلیل توجه به فضاهای ایزوله شده و تلاش برای بهسازی، ساماندهی و تبدیل کردن آن به فضاهایی با هویت، سرزنده و زیست‌پذیر برای انسان رها شده در شهر دارای اهمیت است. از سوی دیگر اقدام برای ساماندهی کوره پزخانه‌ها به عنوان زمین‌های قهوه‌ای با شرایط زیست نامناسب از دو منظر دارای اهمیت است. از یک سو این اقدام، اقدامی در راستای برخورداری برابر شهروندان از محیط زیست سالم است چرا که بهره‌مندی برابر شهروندان از محیط سالم و امن و به دور از آلودگی‌های زیست محیطی بخش مهمی از اهداف عدالت زیست محیطی است. از سوی دیگر ساماندهی زمین‌های قهوه‌ای از طریق مختلف از جمله تغییر کاربری آنها بر مبنای نیازهای اجتماع محلی و با در نظر گرفتن منافع گروه‌های مختلف و مشارکت همه اعضا، گام مناسب در مسیر دستیابی به عدالت اجتماعی در شهر است.

گزارش نشست عدالت و بازتوسعه زمین‌های قهوه‌ای در شهر

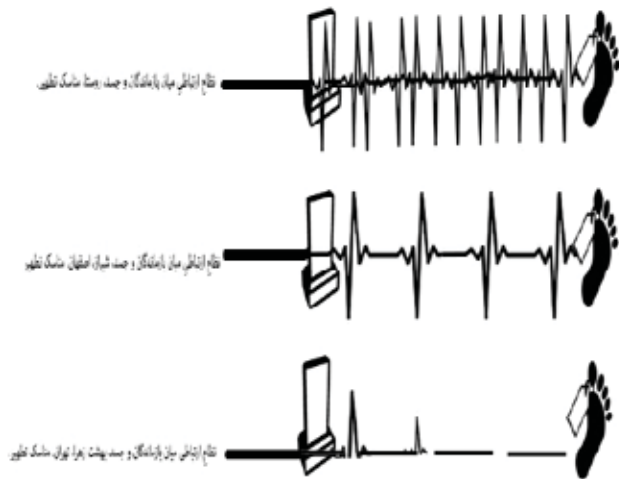
روح اله نصرتی

■ در طی دهه‌های اخیر شهرها و فضاهای شهری درسیر تحول و فرآیند رشد و شکل‌گیری خود دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های وسیعی شده‌اند. در این روند رابطه گذشته و کنونی فضاهای شهری از هم گسیخته و در ارتباط معنی میان انسان و محیط زندگی او فاصله و شکاف بزرگی بوجود آمده است. رشد بی‌بدیل فضاهای کالبدی شهری در عین حال نابودی و تخریب فضاهای هویت‌ساز و تاریخی در کنار تراکم و انباشتگی فعالیت‌ها و مناسبات، شرایط کاهش و یا انحطاط روابط همبسته میان ساکنین شهری و محله‌ها و محیط‌های زندگی شهری را سرعت بخشیده است. در چنین وضعیتی تهی شدن بار معنایی فضاها و کالبد شهری و تبدیل شدن آنها به مکان‌هایی جهت وقوع انواع آسیب‌های اجتماعی و ناایمن و همچنین بیگانگی شهروندان از محیط و فرار از مسئولیت‌پذیری در قبال مخاطراتی که سلامت و توسعه محیط را مورد تهدید قرار می‌دهند، دلمشغولی برنامه‌ریزان محیط‌های شهری را تشدید نموده است.

■ منطقه 19 تهران به دلیل شرایط خاص توسعه‌ای به ویژه از حیث نحوه توسعه کالبدی و حریم شهری در نیم قرن گذشته و بهره‌مندی از فضاهای بایر و اراضی کشاورزی و فضاهایی همچون کوره پزخانه‌های نیمه فعال و غیر فعال و همچنین به دلیل اهمیت انسان‌شناختی به جهت سطح توسعه یافتگی و کم‌برخورداري از مزایای زندگی شهری، تنوع و تراکم جمعیتی بالا منطقه‌ای بکر برای مطالعات انسان‌شناسی شهری و کاربردی است. این منطقه به تبع برنامه‌های توسعه در طول چند دهه گذشته دستخوش تغییراتی بوده است و در بسیاری از زمینه‌ها موقعیت، ساخت و بافت منطقه در حوزه‌های مختلف کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دچار تغییرات ناشی از فرایند توسعه شهری در تهران شده است. کوره پزخانه که سال‌ها به عنوان یکی از زمینه‌های سنتی شغلی در این منطقه دایر بوده است در نتیجه گذار به وضعیت جدید، خالی از نیروی انسانی شده و موقعیت را برای وقوع آسیب‌های اجتماعی متعدد و شرایط زیست ناسالم به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی فراهم نموده است. از چند جهت پژوهش در موضوع زمین‌های قهوه‌ای از جمله کوره پزخانه‌ها از منظر انسان‌شناسی کاربردی و انسان‌شناسی توسعه ضروری است. از یک طرف توجه انسان‌شناسی به ساماندهی فضا از منظر تحلیل و تشریح زیست‌مطلوب و سرزنده برای انسان شهری است و از طرف دیگر توجه به عدالت اجتماعی در برنامه‌ریزی و توسعه شهری است. بدین ترتیب پرسمان انسان‌شناسی چگونگی ارتقا و بهبود کیفیت زیست انسان در شهر و تلاش برای

میکند.

از این منظر فهم بازسازی بازاندیشانه در آیین‌های ایرانی می‌تواند موضوع مهمی برای مطالعات آیینی و فرهنگی د. اسان باشد. که د. اسان، استاکم، ته‌جه، به



تجربه تجدد در آیین‌های مرگ بالاخص آیین‌های تدفین شده است. از آنجا که مرگ، بخشی از زندگی و حیات اجتماعی است، و آیین‌های مرگ هم یکی از دینامیسم‌های فرهنگی کلیدی برای بر ساخت زندگی جمعی، لذا می‌توانیم بگوییم آیین‌های مرگ نیز در مواجهه با تجربه تجدد تغییراتی داشته‌اند.

در این پژوهش انجام شده ما به دنبال فهم این مواجهه در آیین‌های مرگ و تجربه تجدد بودیم و می‌خواستیم ببینیم پیامدهای این مواجهه چه بوده و چه تاثیری در فرم و محتوا و دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی این آیین‌ها داشته است. برای پاسخ به این مسأله، مطالعه موردی خاصی انجام دادیم. سازمان بهشت‌زهره مهم‌ترین و فعال‌ترین گورستان شهر تهران است. تاکید ما در این گورستان یا بهتر است از همین ابتدا بگوییم «سازمان گورستان» محیط «عروجیان» یعنی محل برگزاری آیین‌های تدفین، اعم از تطهیر، تکفین، نماز بوده است. مسأله محوری در این پژوهش دارای دو وجه و بُعد کلیدی از آیین‌های مرگ و تدفین بود (1) کنترل و بازتوزیع فضاهای عاطفی تدفین (2) فرآیندهای اداری سازمان مرگ که بخشی از آن شامل نقش متولیان این آیین‌ها در الگوی یک نظام سازمانی است.

بهشت‌زهره از اوایل دهه هفتاد شمسی با توجه به رشد جمعیت و در پی اوج افزایش بی‌رویه مرگ برای تسهیل پرداختن به مناسک تدفین با رویکرد جدیدی، یعنی سازمانی شدن گورستان، به صورت رسمی آغاز به فعالیت کرد. برای فهم سازمانی شدن گورستان ما می‌بایست فرآیند تقسیم اجتماعی در آیین‌های مرگ را

تدفین به مثابه یک پدیده بوروکراتیک

آیین‌های مرگ در بهشت زهرای تهران

هاجر قربانی

آیین‌ها عموماً بنیادی‌ترین ارزش‌های یک جامعه را بازتاب می‌دهند. در این میان، آیین‌های تدفین هم، که در ارتباط با یکی از مسائل زندگی فردی و جمعی انسان هستند، نه تنها برای بازمانده‌های فرد متوفا امکان عبور از بحران مرگ رو آسان می‌کند، بلکه نوع مواجهه افراد با این رویداد رو هم هموار می‌کند. آیین‌های مرگ، به جای در انزوا قراردادن و تنهایی، انسان را در برابر رویدادهای روزمره قابل قبولی قرار می‌دهند که بر طبیعی بودن مرگ تأکید و چگونگی رفتار مناسب را تعریف می‌کنند. همچنین باید به این مسأله اشاره کنم که این آیین‌ها به بیان احساسی کمک می‌کنند که در صورت عدم وجود آنها احساسات از بیان باز خواهند ماند.

بر همین اساس فهم رویداد مرگ و آیین‌های وابسته به آن از این جهت دارای اهمیت است که می‌توانیم به واسطه مطالعه و درک مفاهیم مرتبط با اون به شناخت بخشی از جامعه دست پیدا کنیم. خب با این اوصاف، اگر ما تغییرات جامعه را علت تغییرات آیین‌ها در نظر بگیریم، تغییر نظام دینی، باورها و مذهب در جامعه هم می‌تواند از علل تغییر آیین‌های شکل گرفته در آن جامعه باشند. همچنین باید به این نکته توجه کنیم که میراث سنتی فرهنگ ایرانی شیعی، در دوره مدرن دچار تحولات عمیقی در فرم و محتوای خودش شد. یعنی فرهنگ ایرانی مثل بقیه فرهنگ‌ها در نقاط مختلف جهان با ترکیب نظام صنعتی - سرمایه‌داری و مدرنیته شهری تغییرات و پیچیدگی‌های بزرگی را در دهه‌های اخیر به خودش دیده که این تغییرات بر آیین‌های مرگ هم تأثیر گذاشته است و قابل بررسی هستند که من در این پژوهش به بخشی از این تغییرات پرداخته‌ام و در اینجا به آنها اشاره می‌کنم.

از همین ابتدا باید بگوییم که آیین‌های مرگ را می‌توانیم از وجوه مختلف مورد بررسی قرار بدهیم اما آن چیزی که در این پژوهش اهمیت دارد تأثیر تجربه تجدد ایرانی بر آیین‌های مرگ است. تجربه تجدد در سنت ایرانی نه تنها مولد عناصر، نهادها و نظام‌های معنایی جدید در زندگی ایرانیان بوده است، بلکه از طرف دیگر توانسته نهادها و فرآیندها و نظام‌های معنایی سنتی را هم مورد بازاندیشی و نوآوری قرار بدهد (ر.ک. فاضلی، 1393). در این بازاندیشی، ما شاهد نوعی بازسازی خلاقانه سنت‌ها و آیین‌های سنتی هستیم که از یک طرف نوعی تداوم و پیوستگی را با میراث سنتی خودش نشان می‌دهد و از طرف دیگر نوعی بازآرایی عناصر صوری، محتوایی و نوآوری در آنها برای انطباق با زمینه و زمانه جدید را نیز فراهم

بازماندگان در آیین‌های وابسته به جسد، یعنی تطهیر و تکفین، و بدون انجام هیچ‌گونه تشریفات اداری-سازمانی به خاک سپرده می‌شد. اما، در پی تغییراتی که به واسطه مدرن شدن جامعه و شهری شدن اون رخ داده است دیگر برای بازماندگان امکان همراهی و مشارکت وجود ندارد. این انفصال در کنش‌های فیزیکی-عاطفی تحت تأثیر تراکم زیاد مردگان و لزوم سازمانی شدن و، به عبارتی، بوروکراتیک شدن آیین‌های مرگ است. این انفصال عدم ارتباط فیزیکی کنشگران (بازماندگان) با جسد است. عدم ارتباط فیزیکی‌ای که در تمام مراحل آیین‌های تدفین، یعنی از ابتدای رخداد مرگ تا زمان خاکسپاری همانطور که در تصویر 1 ملاحظه می‌کنید مشاهده می‌شود. همچنین این انفصال فیزیکی منجر به کاهش کنش‌های عاطفی کنشگران نسبت به جسد می‌شود. به بیانی دیگر، در گذشته تجربه مرگ تجربه‌ای جمعی با حجم انبوهی از کنش‌های احساسی و بار عاطفی بالا بود و این اعضای خانواده بودند که آیین‌های وابسته به جسد را برگزار می‌کردند و در خلال آن دائماً انفجارهای عاطفی شدیدی رخ می‌داد.

کنش عاطفی-فیزیکی میان بازماندگان و جسد در بازه زمانی پنجاه ساله، ایران. نگارنده 1394

1: کنش عاطفی-فیزیکی در الگوی‌های سنتی روستاها

2: کنش عاطفی-فیزیکی در الگوهای سنتی شهرها؛ شیراز و اصفهان

3: کنش عاطفی-فیزیکی در الگوی مدرن کلان‌شهرها؛ تهران، بهشت‌زهره

آمار سازمان از دهه هشتاد تا نود از مراجعه روبه‌رشد و روزانه تعداد زیادی از شهروندان خبر می‌دهد. مدیریت و برنامه‌دهمندی ساختمان عروجیان انجام تطهیر، تکفین، نماز و سپس خاک‌سپاری است. مدیریت این مکان با توجه به ضوابط و آیین‌نامه‌های متعدد شکل گرفته است. همچنین همگی افراد حاضر در این فضا بواسطه تخصصی شدن حرفه‌ها دوره‌های آموزشی مختلفی دیده‌اند و یا به صورت دوره‌ای در حال آموزش‌های متعددی هستند. از سوی دیگر خود مدیریت، نیز در این راستا، آموزش دیده است.

تخصصی شدن و تقسیم کار با نظام عقلانی بوروکراسی در یک راستا و وجود هر یک از آن‌ها، در جوامع شهری مبتنی بر پیچیدگی، مستلزم دیگری است. پس، هرچه این نظام‌های شهری، بواسطه مواجهه با پدیده مدرن پیچیده‌تر شوند رفتارهای مردم در جامعه هم از پیچیدگی بیشتری برخوردار می‌شود. پس، شکل‌گیری یک نظام عقلانی مبتنی بر تخصصی شدن و تقسیم کار در جهت انجام مناسب و دینی وابسته به مرگ از الزامات چنین نظام

در دو الگوی پیشامدرن و مدرن مطالعه می‌کردیم. منظور از تقسیم اجتماعی در آیین‌های مرگ چه بوده؟ در اصل منظور ما این بوده که چه کسانی، با چه اهدافی و چگونه در برپایی این مناسب دخیل بوده‌اند و سازمانی شدن مرگ چه پیامدهایی بر روی درک ما از آیین‌های تدفین دارد؟ براین اساس، مطالعه الگوی پیشامدرن به ما در چگونگی شکل‌گیری آیین‌های تدفین، فهم نظم این آیین‌ها و درک انسان‌ها از پدیده مرگ کمک می‌کند و به سؤال‌هامون، که آیا نظم و معناهایی که در گذشته وجود داشته است هنوز هم در جای خود باقی مانده است یا خیر؟ پاسخ می‌دهد. مطالعات نشان داد که در دو الگوی ذکر شده، یعنی الگوی فرهنگ شهرهای سنتی و مذهبی که کماکان قابل مشاهده است، نزدیکان بیشترین نقش رو در برگزاری آن به عهده دارند و ما شاهد کمترین تفکیک متخصصان در نظام آیینی تدفین هستیم و الگوی شهرهای مدرن که در کلان‌شهرها حضور دارد، از یک تقسیم بندی زیادی برخوردار است. بر پایه همین مطالعه به نظر می‌رسید که منطق شکل‌گیری این تقسیم اجتماعی برپایه دوگانه عقلانیت ارزشی/ابزاری است.

عقلانیت ارزشی متعلق به دوران پیشامدرن و جوامع شهری سنتی است که می‌توان منشأ آن را باورهای دینی در فرهنگ ایرانی شیعی در نظر بگیریم. این باورهای دینی خودشان را، در رفتارهای افراد، که مبتنی بر مستحبات دینی و دارای ثواب دنیوی و اخروی هستند، متجلی می‌کند. به عنوان مثال تطهیر کردن از حرفه‌های انبیاء و بزرگان دینی است. یا تطهیر چهارجسد در باورهای اسلامی مستحب و ثواب بسیاری دارد. حتی در دوران مدرن که انجام آیین‌های مرگ براساس عقلانیت ابزاری انجام می‌شود تقریباً همه داده‌رسان‌های ما (تطهیرکنندگان، ناظران شرعی، کارمندان) که به فعالیت خود به عنوان یک منبع درآمد اقتصادی و معیشت زندگی نگاه می‌کنند، بر مواردی همچون مستحبات و ثواب اخروی صحنه می‌گذارند که این خودش تأییدی بر وجود عقلانیت ارزشی در گذشته است. در دوران مدرن درمقابل عقلانیت ارزشی، که در بالا اشاره‌ای گذرا به آن شد، یک عقلانیت ابزاری وجود دارد که، برخلاف قبلی، ریشه در تجربه تجدد دارد. یعنی بازمانده‌ها دیگر هیچ نقشی در برگزاری آیین‌ها برعهده ندارند و فرصت انجام آنها هم در این فضا وجود ندارد و افراد درگیر با این آیین‌ها صرفاً با توجیهات عقلانی مبتنی بر اقتصاد به این امور می‌پردازند نه باورهای دینی که نشأت گرفته از عقلانیت ارزشی است.^۹

بر اساس دو مدلی که در بالا به آنها اشاره کردم. در گذشته، متوفاً، در محیط‌های سنتی روستایی و شهری کوچک، پس از رویداد مرگ، با همراهی و مشارکت

۹ اگرچه مجتمع عروجیان سالنی با نام «سالن تبرعی» ایجاد کرده است اما دیگر انگیزه‌های قبلی مبتنی بر عقلانیت ارزشی و مهارت کافی برای تطهیر وجود ندارد. همچنین، ترس از پدیده مرگ و جسد نیز این نزدیکی را سلب کرده است.

شهری مبتنی بر پیچیدگی است که سازمان بهشت‌زها و، در اصل، معاونت عروجیان سعی کرده است که به انجام سریع مناسک، کمک کند.

همانطور که پیش‌تر هم گفته شد، در الگوی سنتی برگزاری تمام آیین‌هایی که در بخش اول به آن اشاره کردم برعهده خانواده و محدود به یک یا دو نفر بود. نکته دیگر اینکه در بستر این مدل جوامع بازماندگان بر چگونگی انجام این آیین‌ها واقف بودند و در زمان انجام این فرآیند نیاز به تخصص مشاهده نمی‌شد. این مسأله از لحظه ابتدای وقوع مرگ تا پایان خاک‌سپاری در این پژوهش قابل پی‌گیری بود.

از طرفی در پی مواجهه جامعه سنتی با پدیده مدرن گورستانی که تا پیش از این در شکل محلی فعالیت داشت به خارج از شهر تهران منتقل و به یک سازمان تبدیل شده است. این سازمان از گورستان بهشت‌زها به سازمان بهشت‌زها تغییر ماهیت یافت، تدفین‌های عمومی در قطعات متفاوت انجام شد و در شکل طبقه‌بندی اجتماعی در فضای سازمانی تجلی یافت. سازمان هم‌باتوجه به ویژگی‌های سازمانی در دنیای مدرن از مؤلفه‌هایی همچون عقلانیت، علمی‌شدن (یعنی مدیریت)، بهداشت و تکنولوژی، که تماماً نشان‌دهنده تخصص‌گرایی در امور وابسته به مرگ هستند، استفاده کرده است. به عبارتی تحولات آیین‌های مرگ در پی حذف شدن برخی از آن‌ها و اضافه شدن دیگر عناصر منجر به این امر شده است که افراد جامعه با یک تجربه جدید مرگ مواجه شوند که ناشی از یک تجربه مدرن در فرهنگ ایرانی است. یعنی ما به واسطه تجدد یا همان مدرن شدن فرهنگ ایرانی با تحولات بخشی از فرهنگ در عین ثبات بخش‌هایی از آن — مواجه هستیم. در این میان آیین‌های مرگ، اگرچه مبانی فقهی و شرعی تغییر نکرده، اما، به واسطه بوروکراتیک شدن، بُعد اجرایی آیین‌ها و براین اساس نحوه تجربه ما از آیین‌های تدفین، تجربه اجتماعی و عاطفی و درونی و حتی نحوه درک ما از مفهوم مرگ یا مرده (مرده‌ای که دیگر به ندرت می‌توان دید، یعنی فرآیند سازمانی شدن آیین‌های تدفین، هرچه بیشتر مرده را از دیده شدن توسط افراد زیادی از وابستگان پنهان کرده است) عمیقاً متحول شده است. لذا، آیین‌های تدفین بیش از آنکه منجر به تداوم الگوهای سنتی باشند، در بستر توسعه شهری و تحولات آرگانیک جامعه آن بستری برای تحول بوده‌اند. به عبارت دیگر سازمان بهشت‌زها، شیوه‌ها